آیندگان

چاپ سوم

۱۲ صفحه

یکشنبه ـ ۸ بهمن ۱۳۵۷
شماره۳۲۷۴ـ سال‌یازدهم ـ بها ۱۵ ریال

آخرین خبر ساعت ۵ بامداد

بختیار را فقط درصورت استعفامی پذیرم ـ آیت‌الله‌العظمی خمینی

(در صفحه ۱۱)

مردی که از ۲۵ سالگی مبارزه را شروع کرد

مروری بر زندگی سیاسی آیت‌الله‌خمینی

(در صفحه ٤)

● با سفر به پاریس می‌خواهم در باره آینده کشور از آیت‌الله خمینی کسب نظر کنم ـ بختیار

ملاقات بختیار با آیت‌الله‌خمینی درپاریس

● اعتقاد صادقانه دارم رهبری حضرت آیت‌الله خمینی و رای ایشان می‌تواند راهگشای مشکلات امروزی ما باشد ـ بختیار

شاپوربختیار نخست وزیر طی بیانیه‌ای دیشب اعلام کردکه‌برای ملاقات‌با آیت‌الله‌العظمی خمینی به منظور ارائه گزارشی از اوضاع ایران و کسب نظر در این باره در طول ٤۸ ساعت آینده به پاریس خواهد رفت.

محافل‌نزدیک‌به‌آیت‌الله خمینی در تهران دیشب گفتند ایشان نامه فرستاده شده بختیار را به این منظور پذیرفته‌اند ولیکن تاکنون نظر خود را درباره این ملاقات ابراز نداشته‌اند.

محافل مطلع معتقدند باتوجه به آنکه آیت‌الله العظمی خمینی سفر خود را ٤۸ ساعت‌بتاخیر انداخته است می توان آنرا نشانه‌ای از توافق برای این ملاقات تلقی کرد.

ازسوی‌دیگر جامعه‌روحانیت تهران نیز با صدور اعلامیه‌ای از همه مبارزان خواست که ٤۸ ساعت آینده را مهلت دهند تا نتیجه این اقدام روشن شود.

متن بیانیه شاپور بختیار به این شرح است:

من به عنوان یک ایرانی وطن‌دوست که خود را جزء کوچکی از این نهضت و قیام عظیم ملی و اسلامی می دانم اعتقاد صادقانه دارم که رهبری وزعامت‌حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی و رای ایشان می تواند راهگشای مشکلات امروز ما و ضامن ثبات و امنیت کشور گردد.

تصمیم گرفتم که ظرف ٤۸ ساعت آینده شخصا به پاریس مسافرت کرده و به زیارت معظمله نائل آیم و با گزارشی از اوضاع‌خاص‌کشور واقدامات خود ضمن درک فیض در باره آینده کشور کسب‌نظر نمایم.

چند تن دیگر تحت تعقیب هستند

دستگیری ۵ روزنامه‌نگار

● دولت آنان را به اقدامات ضد امنیتی متهم کرده است

بار دیگر ، به رغم تمامی وعده های دولت ، چند تن از روزنامه‌نگاران شبانه‌در خانه هایشان دستگیر شدند و در باغشاه زندانی گردیدند .

این یورش پنجشنبه شب ، در کوی نویسندگان انجام گرفت و ماموران فرمانداری نظامی فیروز گوران و مسعود مهاجر از آیندگان ، مهدی بهشتی‌پور ازروزنامه اطلاعات و جلیل خوشخو از روزنامه کیهان و عضو هیات مدیره‌ی سندیکای نویسندگان و خبرنگاران‌مطبوعات‌رابازداشت کردند و نیمساعت بعد نعمت ناظری از روزنامه اطلاعات‌نیز در منزلش دستگیر شد . بقرار اطلاع چند روزنامه نگاردیگر

(بقیه در صفحه ۱۰)



یک جمعه دیگر خونین‌شدو داغدارانی را برجای گذاشت. چند شاخه گل، و چند قطره اشک برای آنکس که‌خونش براسفالت خیابان نقش بست.

گزارشی از نخستین برخورد خونین دردوره‌زمامداری‌بختیار

یك جمعهٔ دیگر خونین شد

تظاهرات آرام روز جمعه‌ی مردم در پی دخالت ماموران نظامی و ماموران گارد شهربانی بخشونت انجامید و خونین شد. در ساعت‌یازده‌ی صبح دردرگیری خشونت‌آمیز جلو دانشگاه چهار نفر کشته شدند . مردم در حالی که دستهایشان را بخون کشته شدگان‌آغشته‌بودند پتوی‌خون آلودی را که جسد یکی از کشته شدگان در آن پیچیده شده بود در دست گرفتند و با دادن شعار «امروز ، دانشگاه، چهار نفر کشته داد بسوی میدان شهیاد (آزادی) براه افتادند . هنگامی که‌صف جمعیت مقابل مسجد امام‌زمان رسید کمیته‌ی انتظامات مراسم استقبال از آیت‌الله خمینی آنان را دعوت به متفرق شدن کرد اما مردم که خبر یافته بودند نظامیان دانشگاه را محاصره کرده‌اند با دادن‌شعار «دانشگاه سنگر آزادی»بسوی دانشگاه براه افتادند . دراین هنگام ماموران نظامی با تیراندازی هوائی و گاه‌زمینی مردم را متفرق کردند وسراسر خیابان شاهرضا را تحت کنترل خویش درآوردند . در نتیجه ، دامنه‌ی تظاهرات به کوچه ها و خیابان های‌فرعی کشیده شد و صدای رگبار مسلسل و تکتیر ها و دودگاز اشک‌آور فضای خیابان ها را پر کرد .

تعدادی از مردم که از آتش رگبار مسلسل نظامیان جان بدر برده‌بودند درخیابان های اطراف با ایجاد آتش سوزی و پرتاب سنگ بسوی ماموران فریاد می زدند«ارتش برادر می کشد ،ما هم برادر می کشیم» .

(بقیه در صفحه آخر)

بیش از ۲ میلیون نفر درراه‌پیمائی دیروز شرکت کردند

● جنازه چند تن از کشته شدگان روز جمعه در راه‌پیمائی دیروز برروی دستهای مردم بود

● عدمای ازهمافران نیروی هوائی نیز در راه‌پیمائی دیده می‌شدند

به دنبال تظاهرات خونین جمعه ، دیروز بیش از دو میلیون نفر از مردم تهران و شهرستان هائی‌که برای استقبال از حضرت آیت‌الله خمینی به تهران آمده‌بودند ، به یک راهپیمائی پرشکوه پرداختند.

شرکت کنندگان در این تظاهرات از سپیده‌دم در دسته های چند هزار نفری به طرف خیابان‌شاهرضا به‌حرکت درآمدند. انبوه جمعیت مسیر خیابان شاهرضا و آیزنهاوررا تا میدان آزادی پیمودند. در مسیر راهپیمائی، مردم تصویر های آیت‌الله خمینی ، آیت‌الله طالقانی، دکتر شریعتی، دکتر محمد مصدق شهدای مجاهد را حمل می کردند.

همچنین تصویر های‌زیادی از کشته شدگان حوادث اخیر در دست مردم دیده میشد.

در این راهپیمائی بزرگ، مانند راهپیمائیهای گذشته‌مردم حفظ نظم را به عهده داشتند و در طول مسیر راهپیمائی گروهی به راهپیمایان خوراکی می دادند.

در مسیر راهپیمائی دیروز ماموران انتظامی نبودند ، و راهپیمائی بدون‌هیچ برخوردی پایان یافت.

شعار های دیروز مردم هشدار به شاپور بختیار نخست وزیر،مبنی‌بر ممنوعیت از ورود آیت‌الله خمینی ، تشکیل جمهوری اسلامی و شعار های ضد آمریکائی بود. همچنین ساعت ۹٫۳۰ صبح جنازه‌ی ۸ نفر از کشته‌شدگان

(بقیه در صفحه ۲)

مصاحبه‌ی رادیوتلویزیونی شاپور بختیار

هیچ نخست‌وزیری، قدرت مرا در ارتش نداشته است ـ بختیار

دیشب دکتر شاپور بختیار نخست وزیر در یک مصاحبه‌ی رادیو تلویزیونی ، به‌چندسئوال درباره‌ی اوضاع و حوادث چند روز اخیر پاسخ گفت . دکتر بختیاردر پاسخ‌سئوالی‌درباره‌ی خونریزی روز جمعه گفت که عده‌ای‌می‌خواهند خونریزی راه بیندازند و از خون مردم بیگناه، استفاده‌ی تبلیغاتی کنند . وی ادامه داد:

من میتوانم بطور کلی عرض کنم که در این سه ، چهارهفته مسئولیت من به عنوان نخست وزیر ، تعداد تلف‌شدگان به‌یک دهم آنچه که قبل بود رسیده است .

از حوادث دیروز همان طور که گفتم مدارکی در دست است که افراد حتا نارنجک حمل می کردند. حتا یکی از قوای انتظامی باگلوله مجروح شد .

سیاست من همواره این بوده است که حداکثر استفاده از وسائلی مثل گاز اشک‌آور تیر هوائی ، تلمبه های فشار آب قوی و غیره بکار رود ، چون هرکدام از اینها که از بین می رود یک داغی است برای تمام ملت و این راهیچ‌انسانی با شرافتی قبول نمی تواند بکند. چگونه می خواهد که نخست وزیری که مسئول هم هست قبول بکند . دیدید که امروز صد ها هزار نفر رژه رفتند و هیچ کس آسیبی ندید .

دکتر بختیار که تعدادکشته شدگان را ۹ نفر و تعداد زخمی ها را ۲۲ نفر اعلام کرد ، گفت که تحقیق خواهد کردواگر تعداد بیش از این باشد ، اعلام‌خواهد کرد .

دکتر بختیار در باره‌ی کنترل خود بر روی امور فرمانداری های نظامی گفت :

فرمانداری های‌نظامی‌اصولا وقتی برقرار می شوند که‌وزارت

(بقیه در صفحه ۱۱)

استعفا نداده‌اند و به عنوان اعتراض

۸ نماینده از رفتن به مجلس خودداری کردند

در حالی که در جلسه روز چهارشنبه مجلس شورای ملی، متن استعفای‌یک‌گروه ۲۰نفری

(بقیه در صفحه ۲)

شایعه‌ی اعدام ۱٦۰نظامی نیروی هوائی تکذیب شد

هیچ نظامی را نمی توان بدون اجازه من تیرباران کرد ـ بختیار

تهران ـ خبرگزاریها ـ شاپور بختیار شایعه‌هائی‌راکه در ایران در باره‌تیرباران ۱٦۰ نظامی نیروی هوائی در تهران و شمار هنوز مهمتری درهمدان (۳۰۰ کیلومتری غرب پایتخت)، رواج دارد قویا تکذیب کرد .

این افراد که اغلب تکنیسین هستند گویا شورش کرده‌اند و از آیت‌الله خمینی علیه شاه حمایت کرده‌اند .

نخست وزیر ایران‌تاکید کرد من به شما اطمینان می دهم که هیچ نظامی را نمی توان بدون اجازه شخص من تیرباران کرد.

نماینده بختیار تلاش کرد او را متقاعد کند ولیکن موفق نشد

رئیس شورای سلطنت از بازگشت به‌ایران امتناع کرد

سیدجلال‌الدین تهرانی‌رئیس پیشین شورای‌سلطنتی ایران دیروز پاریس را به قصد بروکسل ترک کرد.

تهرانی پیش از عزیمت‌اش به نزدیکانش اطلاع دادشاپور بختیار نخست وزیر ایران فرستاده مخصوصی را به پاریس فرستاده بود تا او را متقاعد کند بایک هواپیمای اختصاصی به ایران بازگردد اما او از بازگشت به‌کشورش امتناع کرده و به طور موقت در بروکسل اقامت خواهد گزید.

بیانیه‌ی آیت‌اله‌علامه نوری

آقای بختیار ! قانون برای مردم است نه مردم برای قانون

دیروز آیت‌الله علامه‌نوری ضمن بیانیه‌ای که‌کشتار و مجروح شدن روز جمعه‌جمعی از مردم بی‌گناه را بدست مامورین انتظامی شدیدا محکوم میساخت و نیز خشم جامعه را از بستن فرودگاه بازگو مینمود خطاب به‌بختیار افزود : «همه میدانیم که «قانون» برای مردم است و نه مردم برای قانون ، آنها که

(بقیه در صفحه ۱۱)

من ازملت دعوت می‌کنم به مبارزه خود ادامه دهد

بازگشت آیت‌الله خمینی ۴۸ ساعت به تأخیر افتاد

آخر وقت دیشب از سوی محافل نزدیک به آیت‌الله العظمی خمینی در تهران‌اعلام شد که بازگشت ایشان به‌ایران ٤۸ ساعت به‌تاخیر افتاده‌است. به همین سبب کمیته برگزاری استقبال از آیت‌الله خمینی‌طی اطلاعیه‌ای تعویق این سفر را اعلام کرد و خاطرنشان ساخت که در نخستین فرصت با اطلاع از تاریخ بازگشت آیت‌الله خمینی، موضوع رابه اطلاع همگان خواهد رساند.

خبرگزاری ها از نئوفل لوشوتو گزارش دادند:

قطبزاده همکار نزدیک‌رهبر شیعه شامگاه شنبه اظهار داشت آیت‌الله خمینی شنبه شب‌به مقصد ایران عزیمت نخواهد کرد.

قطبزاده تصریح کردشرکت ار- فرانس به ما اطلاع‌داده است که‌فرودگاه تهران‌همچنان بسته است و به علت تدبیر های ایمنی نامساعد موفق نشده است اجازه انجام یک پرواز اضافی را بگیرد.

قطب زاده افزود ایشان همچنان امیدوار است یکشنبه فرانسه را ترک کند.

از سوی دیگر قطبزاده‌به خبرنگاران گفت آیت‌الله روح‌الله خمینی که قرار است از تبعید در فرانسه به تهران بازگردد عزیمت خود را برای دومین‌بار به تاخیر انداخته است.

او گفت این پرواز لغوشده است «ایرفرانس» که آیت‌الله هواپیمائی از آن کرایه کرده است برای فرود در فرودگاه تهران اجازه دریافت نکرده است و مقام های خطوط هواپیمائی فرانسه از شرایط ایمنی فرودگاه ناخشنود هستند.

او نگفت چه موقع رهبر ۷۸ ساله مخالفان‌ایران فرانسه را ترک می کند ولی گفت فردا صبح (امروز) اعلامیه دیگری انتشار خواهد یافت ،- منظور اعلامیه کمیته استقبال‌کننده است که منتشر شد.

قطب زاده‌در باره‌ی‌خونریزی جمعه گفت: «این آخرین تلاش رژیم برای جلوگیری از حرکت تاریخ است و مطمئنابه شکست می انجامد» گفته می شود که آیت‌الله خمینی‌نسبت به کشتارروز جمعه ابرازتاسف کرده است.

پاریس- آسوشیتدپرس - دکتر ابراهیم یزدی دیروز گفت در صورت ادامه بسته بودن فرودگاه «طرح های دیگری» برای ورود به ایران درنظر گرفته خواهد شد. وی جزئیات بیشتری را فاش نکرد اما به طور سربسته گفت او می تواند از طریق زمینی یا دریائی بایران بازگردد.

آیت‌الله خمینی گفت «دولت غیرقانونی و خیانتکار از بازگشت من جلوگیری کرده است. اما به محض بازگشائی فرودگاه به ایران بازخواهم گشت و به بختیار نشان‌خواهم داد که دولت او خطاکاراست و کسی زیربار آن نخواهد رفت. آیت‌الله خمینی گفت‌ملت عروسک‌ها و ماموران‌خارجی را تحمل نخواهند کردو زمان آنان بسر رسیده‌اند. من‌ازملت دعوت می کنم به مبارزه خود ادامه بدهد.

هرچند آیت‌الله خمینی از پیروان خود خواست آرامش ثبات‌و نظم را رعایت کنند اما وی امکان خشونت بیشتر را مردود نشمرد.

در پاسخ به این سئوال که آیا آیت‌الله العظمی فرمان جهاد را صادر کرده است وی‌پاسخ داد نه در حال حاضر.

خشم اطرافیان

دکتر یزدی و سایر نزدیکان آیت‌الله خمینی از این عقب‌نشینی در آخرین لحظه خشمگین بودند. آنها به مدت چند روز با شرکت ایرفرانس برای اجارمیک‌هواپیما مذاکره می کردند و میلیون ها ایرانی نیز در انتظار استقبال از وی بودند.

دکتر یزدی گفت چهارشنبه پیش فرستاده بختیار نامه وی را درباره به‌تاخیر انداختن بازگشتش به ایران به آیت‌الله العظمی تسلیم کرد اما این نامه حاوی چیز تازه‌ای نبود. این فرستاده که مهدی بیانی استاد دانشگاه است پس ازتسلیم‌نامه به پاریس بازگشت. دکتریزدی گفت نگرانی بختیار از اینکه بازگشت آیت‌الله خمینی به کشور باعث فاجعه خواهدشد یک داستان قدیمی است. آنها قبلا می گفتند خروج شاه از کشور منجر به فاجعه خواهد شد اما همه جهان مشاهده کرد که شاه رفت و اتفاقی هم نیفتاد. اکنون آنها ادعا می کنند که بازگشت آیت‌الله العظمی اوضاع فاجعه‌آمیزی ایجاد خواهد کرد.

در این حال ، صادق قطب زاده ،یکی ازنزدیکان آیت‌الله خمینی گفت آیت‌الله خمینی‌در بازگشت به ایران مبازه خودرا برای جمهوری اسلامی ادامه خواهد داد. قطبزاده گفت هیچ تغییری در مبارزه برای سرنگونی دولت شاپور بختیار نخست وزیر داده نشده‌است. وی گفت عقب‌نشینی صورت نگرفته است و تصمیم آیت‌الله خمینی در مورد بازگشت به ایران همچنان قاطع است . تازمانی که فرودگاه ها بسته باشد این یک مساله فنی خواهد بود. قطبزاده گفت آیت‌الله خمینی با همه‌همراهان خود به ایران بازمی گردد و قصد ندارد مخفیانه وارد ایران شود. قطبزاده که در حضور ۲۰۰ ایرانی و بیست خبرنگار خارجی سخن می‌گفت افزود در درگیری های جمعه پیش ۱۵ تن کشته و هزار تن دستگیر شده‌اند. وی گفت در اصفهان نظامیان به تظاهر ـ

(بقیه در صفحه ۱۰)

فرزندان شاه از آمریکابه مغرب رفتند

شاه: روزی که بخواهم سکوتم را خواهم شکست

لوبک ـ (تکزاس) ـ خبر گزاریها ـ چهار فرزند شاه ایران از جمله رضا پهلوی ولیعهد و مادربزرگ‌مادریشان فریده دیبا با یک هواپیمای اختصاصی ایرانی از شهر لوبک درتکزاس رهسپارمغرب شدند تا به شاه و فرح بپیوندند . رضا پهلوی‌چهار، پنج روز دیگر برای ادامه آموزش خلبانی‌اش به لوبک برمی‌گردد .

سفیر ایران در آمریکا اردشیر زاهدی و نیز چندین نفر دیگر و محافظان شخصی با همین هواپیما به مغرب عزیمت کردند .

به گزارش خبرگزاری فرانسه هم اکنون حدود سیصد تن‌ایرانی ،ازدرباریان، وفاداران به شاه و آشنایان دربار در شهر مراکش گرد آمده‌اند .

این گزارش حاکیست که شاه همچنان تلفنی با عده‌ای

(بقیه در صفحه ۲)

آیت‌الله شریعتمداری

شایعه کودتای ارتش یك توطئه‌حساب شده است

آیت‌الله‌العظمی‌شریعتمداری در دو اعلامیه که روزهای پنجشنبه و جمعه گذشته‌منتشر شد احتمال بروز کودتا در ایران را یک توطئه حساب شده برای تهدید و ارعاب ملت ایران خواند.

آیت‌الله‌العظمی‌شریعتمداری در اعلامیه دیگری که جمعه گذشته منتشر شد در پاسخ نامه کسب تکلیف روسا و بزرگان عشایر و قبایل آذربایجان آنان رابه‌حفظ جان و مال خود وحفظ امنیت منطقه در مقابل چماقداران و عمال دولت کرد.

در اطلاعیه نخست،آیت‌الله العظمی شریعتمداری متذکر شده‌است که :

بسم‌الله الرحمن الرحیم

« در این ایام از قول‌بعضی از جراید و خبرگزاریهاشنیده میشود که احتمال‌بروزکودتائی در ایران وجود دارد. این خبرنگران کننده‌واضطراب‌آور بنظر ما توطئه‌ایست حساب شده برای تهدید و ارعاب‌ملت مبارز و بپاخاسته مسلمان ایران زیرا بهیچوجه بنظر نمی‌رسد ارتشی که افراد آن را فرزندان ملت‌تشکیل‌داده‌اند و از خود ملت و برای ملت هستند علیه ملت کودتا کنند چراکه کودتا برعلیه ملت‌اصلا مفهومی ندارد ، ارتشی که وظیفه او حفظ سرحدات کشور و حراست از مملکت و مقابله بادشمنان خارجی ملت است هیچگاه زیربار چنین توطئه و نیرنگ سیاسی نمی‌رودوبروی خواهران‌و برادران‌خود آتش نمیگشاید، زیرا ارتش غیورو مسلمان ایران بخوبی میداند که‌فقط یک نوع کودتا در دنیا وجود دارد و آن ، کودتاعلیه حکومتهای فاسد و مستبد و خودکامه است نه بر علیه‌ملت لذا همانگونه که کرارا در مصاحبه‌ها و اعلامیه‌های‌خود هشدار داده‌ایم مجددا نیز اعلام میداریم که برادران ارتشی ما، مادام که در کنار مردم مسلمان وبرعلیه‌دشمنان اسلام‌و ایران‌هستند برادران‌ما بوده و درآغوش ملت‌صمیمانه جای دارند و برای مردم‌ایران بسیار عزیزند ولی چنانچه خدای ناکرده گول دسیسه و توطئه احتمالی را بخورند و بروی هموطن مسلمان خود آتش بگشایند مرتکب جنایتی بزرگ و گناهی عظیم خواهند شد که جزننگ و رسوائی در دوجهان ، چیز دیگری عاید آنان نخواهد شد .

لذا در این لحظات حساس و سرنوشت ساز بهمه طبقات مردم چه ملت مسلمان و چه ارتش مسلمان پدرانه نصیحت میکنم‌که اسلام،امروز بیش‌از هرزمان دیگر ما را به کلمه توحید و توحید کلمه دعوت میکند و باید همه اقشار ملت از نظامی و غیر نظامی یک دل و یک‌جان بسوی اهداف مقدس اسلامی خود پیش‌روند تابیاری خداوند قادر مهربان هرچه زودتر بیک‌نظام‌عادلانه اسلامی دست یابند.

وعدالله الذین امنوامنکم و عملوالصالحات لیستخلفنهم فی‌الارض کما استخلف‌الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی سهم‌ولیبدلنهم من بعد خوفهم امنا یعبدو ننی لایشرکون بی‌شیئا و من کفر بعد ذلک فاولئک‌هم‌الفاسقون

۲٦ صفرالمظفر ۱۲۹۹ـ ۵٫۱۱٫۵۷

سید کاظم شریعتمداری

همچنین در اطلاعیه دیگر آیت‌الله العظمی شریعتمداری خطاب به روسا و بزرگان عشایر و قبائل آذربایجان آمده است که :

(بقیه در صفحه ۱۰)

یک روزنامه ارگان حزب کمونیست شوروی نوشت

یك كودتای نظامی مشابه شیلی ایران را تهدید میکند

مسکو ـ خبرگزاری ها ـ یک روزنامه شوروی دیروز ژنرال آمریکائی هویزر رامتهم کرد که در تهران سرگرم تدارک یک کودتای نظامی مشابه کودتای نظامی شیلی است.

روزنامه «زندگی زراعی» یکی از ارگان های حزب کمونیست شوروی درتفسیری که به وسیله خبرگزاری تاس نیز نقل قول شد نوشته‌است: سیر رویداد ها در ایران چنان سریع است که هرروز می تواند چرخش شدیدتازه‌ای به بحران داخلی آن بدهد. بحرانی که ناظران غربی نیز در توصیف آن به عنوان «انقلاب» تردید به خود راه نمی دهند.

به نوشته روزنامه شوروی تهدید واقعی یک کودتای نظامی به شیوه کودتای‌نظامی شیلی همچنان برفراز ایران معلق است. و آنچه هم اکنون در ایران می گذرد از همین حالا از سوی محافل سیاسی تهران یک شبه‌کودتای نظامی توصیف شده است.

روزنامه شوروی می نویسد: «مقدمات سرکوبی جنبش انقلابی و استقرار یک دیکتاتوری اشکارا هوادار آمریکا با آگاهی واشینگتن و تحت رهبری ژنرال هویزر معاون سرفرمانده نیرو های آمریکائی در اروپا که هنوز در تهران به‌سر می بردفراهم می شود.»

«زندگی زراعی» می افزاید: «در همان حال محافل‌طرفدار آمریکا که نمی خواهند خود را فقط به دست ارتش‌بسپرند می کوشند به طور ساختگی پیرامون حکومت بختیاربلوکی از نیرو های ضد مردمی ایجاد کنند و به این بلوک ظاهر نوعی نفوذ را ببخشند».

به نوشته روزنامه شوروی ساواک به سهم خودتظاهراتی زیر حمایت ژاندارمری و ارتش ترتیب می دهد. اما ملت ایران قبلا هنگام تظاهرات و اجتماعاتی که در سراسرکشور با شرکت میلیونها تن تشکیل شده است حرف خودش را زده است. روزنامه‌شوروی در پایان می نویسد تلاشهای مقامها برای جعل اقدام هائی به سود رژیم مرده در زمینه این جنبش بزرگ ملی واقعا ترحم‌انگیز به نظر می رسند.

بنابه‌یك گزارش تائید نشده:

افسران آزادند ارتش را ترك گویند

بی‌بی‌سی ـ بدنبال خبر تظاهراتی که از طرف‌افسران جزء و خلبانان درپایگاه هوائی اصفهان که یکی از بزرگترین پایگاه هوائی ایران است و تقاضای آنها مربوط به بازکشائی فرودگاه‌مهرآبادبرای بازگشت آیت‌الله خمینی رسیده است گزارش تائید نشده‌ای از اصفهان حاکیست که سپهبد اکبر غفاری فرماندار منطقه اصفهان گفته است که آنها آزادند که خدمت ارتش راترک گویند اگر تقاضای خود راکتبا ارائه دهند.

موشه دایان وزیرامور خارجه اسرائیل:

بحران ایران، حاکم بر روابط مصر و اسرائیل است

پاریس ـ خبرگزاری ها ـ موشه دایان وزیر امور خارجه اسرائیل اظهار داشت بحران ایران از این پس مساله حاکم بر مذاکرات صلح بین اسرائیل ومصر است. دایان در یک مصاحبه با تلویزیون فرانسه گفت مساله اصلی باتوجه به رویداد های ایران و خاورمیانه اینست که بدانیم آیا مصریها همچنان آماده‌اندبه‌رغم مخالفت کشورهای عرب تندرو با اسرائیل به طور جداگانه صاح کند از نظر دایان مساله دوگانه‌است. وی خاطرنشان‌کرد در آنچه به‌مصر مربوط می‌شود من می توانم مجسم کنم‌که‌سادات و اطرافیانش که از آنچه در ایران می گذرد به زحمت افتاده‌اند به این نتیجه برسند که امضای یک‌قرارداد صلح جداگانه با اسرائیل ضررش بیشتر از نفعش خواهد بود. بنابراین آنها ممکنست از آن منصرف شوند مخصوصا اگر تمام کشورهای عرب و نه فقط کشورهای تندرو بلکه اردن و عربستان سعودی نیز با آن مخالفت کنند.

دایان گفت در آنچه به اسرائیل مربوط میشود ما می خواهیم قبل از تخلیه سینا مطمئن شویم که می توانیم این نفت را (که دیگر نمی توانیم از ایران به دست آوریم) خواه از مصر خواه از یک منبع دیگر خریداری کنیم.

امریکا، روزانه ۲۰۰ هزار بشکه نفت به ایران می فرستد

ارسال نفت، مداخله در ایران نیست ـ کارتر

واشینگتن ـ آسوشیتدپرس ـ جیمی کارتر رئیس جمهوری آمریکا گفت آمریکا درارسال سوخت به ایران قصدمداخله در امورداخلی ایران‌راندارد.

کارتر که در یک کنفرانس مطبوعاتی سخن می گفت در باره شکست سازمان اطلاعاتی آمریکا در مورد پیش‌گوئی «سقوط»، شاه گفت اوضاع سیاسی ایران بسیار حساس است و وی فکر می کند نمی تواند چیزی بگوید که بمردم ایران در حل مسائل خود بدون خونریزی های بیشتر کمک کند.

کارتر گفت ما قصدمداخله در امورداخلی ایران‌نداریم و مایل هم نیستیم که سایر کشور ها چنین کاری کنند.

آمریکاروزانه دویست‌هزار بشکه نفت به ایران می‌فرستد. کارتر گفت تصور نمی کنم که ارسال مواد سوختی به‌ایران مداخله در امور داخلی‌ایران باشد.

کارتر گفت مایل است هرگونه‌تغییر حکومتی‌درایران طبق قانون اساسی کشور و در نظم صورت گیرد.

به حمایت از همتاهای‌خود در واشینگتن

سفارت ایران در کانادا را بستند

اتاوا ـ آسوشیتدپرس ـ دیپلمات های ایرانی درکانادا در پیامی که برای وزارت خارجه خود فرستادند حمایت خود را از آیت‌الله العظمی خمینی رهبر مذهبی تبعیدی ایران اعلام داشتند. آنها همچنین در حمایت از همتا های خود در واشینگتن‌که علیه اردشیرزاهدی سفیرایران دست به اعتصاب زدند، سفارتخانه را بستند. احمد موسوی کنسول ایران در اتاوا گفت ما فکر می کنیم که رهبری و نفوذ آیت‌الله‌خمینی در حال حاضر مورد نیاز ایران است. وی افزودنظام سلطنتی دیگر در خدمت‌منافع مردم ایران نیست. موسوی که نفر دوم در سفارت ایران است افزود سخنگوی چهار دیپلمات دیگر است اما وی تاکید کردکه‌ازسوی‌سفارتخانه سخن نمی گوید. سفیرایران در کانادا که پسر عموی شاپور بختیار نخست وزیر ایران است برای یک سفر خصوصی اتاوا را ترک کرده است. موسوی گفت سفیراز فرستادن بیانیه به تهران آگاه است اما تصمیم درموردتعطیل سفارت، پس از خروج‌سفیر صورت گرفت.



فرستاده سادات برای میانجیگری به آمریکا رفته است

تیرگی مناسبات شاه‌باحکومت کارتر

پاریس ـ خبرگزاری ها ـ هفته نامه عرب زبان المستقبل که در پاریس منتشر می شود در آخرین شماره خود تاکید کرده است مناسبات شاه ایران و حکومت کارترتیره‌شده‌است و سادات رئیس جمهوری مصر ناگزیر شده است یک فرستاده مخصوص به آمریکا بفرستد تا بین شاه و حکومت آمریکا میانجیگری کند.

المستقبل از سوی دیگر نوشته است کارتر رئیس جمهوری آمریکا تلفنی باآیت الله خمینی گفتگو کرده‌است.

به نوشته این هفته نامه این گفتگو ۲٤ ساعت پیش ازملاقات رمزی‌کلارک وزیر دادگستری پیشین آمریکا در پنجشنبه‌هفته گذشته باآیت‌الله العظمی انجام گرفته است.

به نوشته المستقبل این خود شاه بود که از فرانسه خواست به آیت‌الله خمینی اجازه اقامت در فرانسه رابدهد تا وی به الجزایر یا لیبی نرود.

به گزارش القبس

ملاقات آیت الله خمینی با حافظ اسد و عرفات

کویت ـ خبرگزاریها ـ روزنامه کویتی‌القبس دیروز تاکید کرد آت‌الله خمنی‌رهبر مخالفان مذهبی ایران‌بزودی باحافظ اسد رئیس جمهوری جمهوری سوریه و یاسرعرفات رئیس شورای اجرائی‌سازمان آزادی‌بخش فلسطن ملاقات خواهد کرد.

به نوشته القبس ملاقات بین سه مرد در جریان توقف آیت‌الله العظمی در دمشق هنگام سفر بازگشتش به‌تهران انجام خواهد گرفت.

خواستار بازگشوده شدن فرودگاه تهران شدند

حمله دانشجویان به کنسولگری ایران در لندن

لندن ـ خبرگزاری‌ها ـ پنجاه تن از دانشجویان ایرانی مقیم انگلستان به کنسولگری ایران در لندن حمله کردند و طی‌یک تظاهرات پنج ساعته نشسته از حکومت تهران‌خواستندفرودگاه را برای بازگشت رهبرشان، آیت‌الله خمینی از تبعیدگاهش در پاریس برای استقرار جمهوری اسلامی بکشایند.

در جریان اشغال کنسولگری در لندن پلیس‌سه‌تن ازاعتراض کنندگان رابه اتهام حمله به افسران پلیس دستگیر کرد.

تظاهر کنندگان جوان ایرانی پس از درخواست لغو حکومت شاپور بختیار عکس های شاه را از دیوار های دفاتر کنسولگری کندند. و با دادن شعارهایی به طرفداری از آیت اله خمینی عکس ها را پاره کردند و عکس های بزرگی از رهبر ۷۸ ساله شیعیان که‌انقلاب ایران را علیه حکومت یک نقره شاه رهبری می کند به دیوارها نصب کردند.

پلیس گفت به کارکنان کنسولگری که تعداد آنها ۱۵ نفر است اجازه داده شد آرام ساختمان کنسولگری را ترک کنند. دانشجویان پس از گفتگو با هوشنگ مهدوی کفیل سفیر ایران در انگلستان به تظاهرات خود پایان دادند.

از سوی دیگر صادق قطب زاده یکی از نزدیکان آیت‌الله خمینی گفت از یک سال پیش حکومت انگلستان مخصوصا روش خصومت آمیزی نسبت به جنبش شیعه ایران پیش گرفته است.

اما چنین روشی نمی تواند بدون پاسخ باقی بماند.

آشوب ایران خطر بزرگی برای توازن سیاسی و اقتصادی جهان است

آمریکا هیچگاه متعهد مفیدتر از شاه‌نداشته است ـ کیسینجر

نیویورک ـ خبرگزاری ها ـ هنری کیسینجر وزیر خارجه سابق آمریکا در ضیافت شام حزب جمهوری خواه این کشور در نیویورک گفت آمریکا تا اندازه‌ای مسئول فشار هایی است که‌شما ایران‌را ازاین‌کشور بیرون راند.

کیسینجر گفت به رغم این حقیقت که اینکشور هیچگاه یک متعهد مفید تر ازشاه‌نداشته است، آمریکا نسبت به ایران غفلت کرد و یادآور شد آشوب کنونی ایران خطر بزرگی برای توازن سیاسی، اقتصادی و استراتژیکی جهان به شمار می رود.

او افزود ما (آمریکائی ها) به عنوان یک کشور تااندازه‌ای در تبدیل اوضاع ناآرام ایران به اوضاع انقلابی در این کشور مسئولیت داریم.

هر چند کیسینجراستادسابق دانشگاه هاروارد شاه را یک حاکم خودکامه خواند گفت تنها اشتباه او تمایلش به امروزی کردن بسیار سریع کشور عقب افتاده‌اش بود و همین تمایل سبب سقوطش شد.

وزیر خارجه سابق آمریکا تاکید کرد آمریکا نباید نسبت‌به ایران بی تفاوت باشد و افزودما در جهان آنقدر دوست نداریم که بتوانیم نسبت به سرنوشت کشورهایی که سالیان دراز از سیاست های ما پشتیبانی کرده‌اند بی قید باشیم.

آمریکا مانع بازگشت آیت‌الله خمینی به ایران است ـ تاس

مسکو ـ خبرگزاریها ـ خبرگزاری تاس امریکا رامتهم کرد می‌خواهدازطریق‌حکومت بختیار و مسئولان نظامی ایرانی، مانع بازگشت آیت‌الله خمینی به ایران شود.

خبرگزاری شوروی‌درخبری از نیویورک اظهار داشت این تمایل از زبان مطبوعات امریکائی که تاکید می‌کنند «پس‌از بازگشت خمینی‌یک کودتای نظامی در ایران‌روی خواهد داد» بیان می شود. خبرگزاری شوروی از سوی دیگر به‌نقل از منابع‌نیویورکی تاکید می‌کند اشغال فرودگاه های ایران ازطرف ارتش با اطلاع قبلی امریکا و به‌دستور مستقیم مشاوران نظامی امریکائی صورت گرفته است.

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا هشدار داد

دخالت نظامی شوروی پاسخ آمریکا را در پی دارد

واشینگتن ـ خبرگزاری ها ـ تام رستون سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا دراظهار نظر در باره تظاهرات‌خشونت آمیزی که روز جمعه درتهران و سایر شهر های ایران روی داد اظهار داشت آمریکامعتقد است آینده سیاسی ایران نبایستی در خیابان ها تعیین شود.

سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا افزود حکومت این کشور از اینکه این تظاهرات موجب کشته شدن عده‌ای شده‌است متاسف‌است. وی گفت: شرایط مسالمت‌آمیز بایستی از نو برقرار شود تا خود مردم ایران‌بتوانندبدون مداخله خارجی مشکل ها را در نظم حل و فصل کنند.

از سوی دیگر هارولد براون وزیر دفاع‌آمریکادیروز اظهار داشت هر مداخله‌نظامی شوروی در ایران ممکنست پاسخ آمریکا را دربی داشته باشد.

۸ نماینده ازرفتن به‌مجلس خودداری کردند

(بقیه از صفحه اول)

نمایندگان از نمایندگی خوانده شد، و همزمان آن اعلام شد که دکتر شیروانی نماینده‌تهران استعفایش را پس گرفته است، دیشب اعلام شد که یک گروه ۸نفری از نمایندگان بی آنکه استعفا دهند، تصمیم گرفته‌اند از حضور درمجلس خودداری کنند.

آنها برای نخستین بار نیز روز چهارشنبه در جلسه علنی شورا شرکت نکردند و دیشب نیز در یک تماس تلفنی با «آیندگان» تاکید داشتند که به عدم حضور درمجلس همچنان خواهند داد.

متن استعفای گروهی که روز چهارشنبه چهارم بهمن خوانده شد، در صورتی که تاقبل از ۱۹ بهمن پس گرفته نشود، قطعی می شود و آنان دیگر نماینده مجلس نخواهند بود. در این حال یک نماینده دیگر مجلس در جلسه روز چهارشنبه که شاپور بختیار نخست وزیر هم حضور داشت پیرامون حوادث حوزه انتخابیه‌اش از دولت سئوال کرد و تهدید کرد، در صورتی که تا ۱۵ روز به‌سئوال او پاسخ داده نشود، این سئوال و تهدید او استعفا تلقی شود و به این ترتیب بااین نامه، حتا مقررات آئین‌نامه داخلی مجلس را نیز نادیده گرفت و آنگونه که درنامه‌این نماینده آمده است اگر دولت تا۱۵ روز دیگر به پرسش وی پاسخ ندهد، اوعملا دیگر نماینده مجلس نخواهد بود.

بیش از ۲میلیون نفر درراه پیمائی دیروز شرکت کردند

(بقیه از صفحه اول)

دیروز تا میدان ۲٤ اسفند روی دست مردم حمل شد و از آنجا پس از طی مسیر های آیزنهاور و میدان آزادی به بهشت زهرا انتقال یافت.

روز گذشته‌درمیان‌راهپیمایان این شایعه پخش شد که ۱٦۰ نفر از همافران نیروی‌هوائی را تیرباران کرده‌اند. این تظاهرات در ساعت ۲ بعد از ظهر پایان گرفت. در خاتمه قطعنامه‌ی راهپیمائی در نقاط مختلف شهر توسط روحانیان خوانده شد. در این قطعنامه ضمن تاکید بر قطعنامه های تاسوعا، عاشورا و اربعین، طرد رژیم و برکناری نظام موجود و برقراری جمهوری اسلامی خواسته شده است.

در دنباله قطعنامه آمده است.

هرفرد یا سازمان دولتی در داخل و خارج از کشور که توطئه خائنانه و خسارت‌بار بازگرداندن شاه فراری را تعقیب کند جز تضییع وقت و اتلاف نیرو های انسانی و اقتصادی کشور و تشدید بغض و نفرت ملت نتیجه‌ای به‌دست نخواهد آورد و ملت ستم کشیده و آگاه ایران تحت‌هیچ شرائطی زیربار سنگین‌استبداد سیاه پهلوی نخواهد رفت.

همانگونه که رهبر جنبش حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی کرارا تاکید کرده‌اند هرکابینه که با حفظ رژیم‌گرچه بصورت شورای سلطنت به وسیله هرکس و هر گروه و با هر سابقه از جمله دولت غاصب کنونی تشکیل گردد از نظر ملت ایران غیرقانونی و محکوم است.

مردم ایران مشتاقانه و بیصبرانه در انتظار قدوم پیشوای محبوب و رهبر عظیم‌الشان دقیقه شماری می کند و هیچگونه بهانه وعذری را درمورد جلوگیری ازورود ایشان بکشور نمی پذیرد و برای رسیدن به این آرزوی مقدس خویش حق توسل بهر وسیله و هرشیوه را حفظ می کند.

مبارزات پیگیر و بی‌امان و همه‌جانبه ما تا رسیدن به نظام عدل اسلامی که هدف نهائی اعلام شده جنبش ملت ادامه خواهد داشت و در این راه از همه امکانات و شیوه های مناسب در مراحل و شرائط مختلف استفاده‌خواهیم کرد.

ما حمله وحشیانه دژخیمان رژیم بمردم را در تهران و سنندج و شهرستان های دیگر که منجر به شهادت و زخمی شدن جمعی از مردم دلیر و فداکار مسلمان گردیده و کشاندن نظامیان را با لباس مبدل بخیابان ها با شعار فریبکارانه حمایت از قانون اساسی محکوم می کنیم.»

گزارش خبرگزاریها

تهران ـ خبرگزاری‌ها ـ روز گذشته بیش از یک میلیون ایرانی در خیابان های تهران به راهپیمائی پرداخته و خواستار بازگشت رهبرمذهبی

(بقیه در صفحه ۱۰)

تهران ـ در تیراندازی ماموران نظامی به سوی تظاهر کنندگان ضد حکومتی ایران، عده‌ای از تظاهرکنندگان برای نجات خودروی‌زمین می خزند. در تیراندازی جمعه طبق گزارشها دستکم پنج تن کشته و دهها تن دیگر زخمی شدند. با بسته شدن فرودگاه مهرآباد تهران برای جلوگیری از بازگشت تاریخی حضرت آیت‌الله العظمی خمینی ازپاریس خشونت‌بار دیگر در ایران بالا گرفته است.
عکس رادیو ئی‌اپی

علت آن است که حقایق مربوط به مداخله‌ی امریکا در ایران را پخش می‌کنند

نارضائی آمریکا از بنگاههای سخن‌پراکنی شوروی

مسکو ـ خبرگزاری ها ـ خبرگزاری تاس در پاسخ به انتقاد آمریکا گفت بنگاه های سخن پراکنی شوروی تحولاتی راکه در ایران در جریان است «به‌طور واقعی و درستی» گزارش می کنند.

در گزارش تاس آمده است آنچه برای وزارت خارجه آمریکا خوشایند نیست این است که بنگاه های سخن‌پراکنی شوروی حقایق انکار ناپذیری‌را در باره مداخله بی‌وقفه و بی ربط آمریکا درامورداخلی ایران منعکس می کنند حقایقی که مطبوعات جهان از جمله برخی از نشریات آمریکا هر روزآنها را گزارش می دهند.

هفته گذشته هادینگ‌کارتر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا به آشکار به شوروی به خاطر گزارش های بنگاه های سخن پراکنی این کشوراز رویدادهای ایران و انتشار تفسیرهایی در باره اوضاع ایران درمطبوعات شوروی تاخت و گفت حکومت آمریکا درمورد این تبلیغات «کاملا منفی» به شوروی ها شکایت کرده‌است.

تاس یادآور شد آمریکا از رادیو اروپای «آزاد» و رادیوی «آزادی» حمایت می کند ولی آیا اصل آزادی مطبوعات تنها شامل حال آمریکاست؟

قطع نفت ایران مصرف کننده غربی را تهدید نمی کند

پاریس ـ خبرگزاری ها ـ کارشناسان بین‌المللی نفت‌گفتند مصرف کنندگان غربی نفت بر اثر تعلیق صدور نفت ایران با کمبود فوری عرضه مواجه نخواهند بود ولی دشواری ها ممکن است اواخر سال جاری بروز کنند.

مقام های‌سازمان بین‌المللی انرژی که ۱۹ کشور درآن عضو هستند ومقر آن در پاریس است با انتشار گزارش از موجودی نفت‌کشورهای‌مصرف کننده گفتند این کشور ها هنوز موجودیشان کاملا بالاتر از سطوح اضطراری است.

به گفته این مقام ها کشتی های حامل نفت ایران که ۲٦ دسامبر، آخرین تاریخ پیش‌از اینکه صدور نفت به طور موثر قطع شود، بنادر این کشوررا ترک کردند، تا اواسط یا اواخر ماه فوریه وارد بنادر اروپاو ژاپن خواهند شد.

مقام های یاد شده افزودند در ضمن سایر تولید کنندگان نفت برای جبران بخشی از کمبود تولید پنج میلیون بشکه‌ای ایران که‌به‌سبب‌آشوب های این کشور بوجود آمده است وارد عمل شده‌اند.

شاه

(بقیه از صفحه اول)

از رئیسان کشور های بزرگ غربی دوست در تماس است.

این گزارش می افزاید وضع روحی‌شاه بهبود یافته است. او اینک می خوابد و سردردهایش قطع شده است. شاه از پذیرفتن خبرنگاران که به مراکش رفته‌اند خودداری می کند و بیشتر اوقات را در سکوت‌می گذراند. اما به گفته یکی از نزدیکانش شاه گفته است: من امروز خاموشم. اماروزی که خودم بخواهم سکوتم را خواهم شکست.

شاه در واقع هنوز هیچ برنامه مشخصی ندارد. او منتظر پیامد های ورود آیت الله خمینی به ایران است.

گفته می شود شاه ایران ممکنست برای آنکه از مهمان‌نوازی ملک حسن دوم سوء استفاده نکرده باشد گاهگاهی برای اقامت نزد دوستش انور سادات برود.

آخرین گزارش هاحاکیست که فرزندان شاه وارد مغرب شدند.

خبرهای کشور

اعلام موجودیت «گروه راه مصدق»

«گروه راه مصدق» با پخش اطلاعیه‌ای اعلام موجودیت‌کرده است. این گروه با تاکید بر آخرین سخنان دکتر محمد مصدق درباره‌ی تلاش در راه کسب آزادی و اجرای بی کم‌و کاست قانون اساسی، کلید بیرون آمدن از بحران کنونی‌را دور نیفتادن از قانون اساسی و اجتناب از دیکتاتوری تازه دانسته است.

آیندگان به دلیل مشخص نبودن نام ونشان و بنیانگذاران «گروه راه مصدق» از چاپ تمامی اطلاعیه خودداری کرده است.

اعلامیه سازمان انتقال خون

تظاهر کنندگان نیازمند خون هستند نه نظامیان

سازمان ملی انتقال خون ایران در اعلامیه‌ای اعلام کرده استخونی را که مردم ایرانی داوطلبانه اهدا می کنند به اسرائیل فروخته نمی شود واین مردم هستند که‌در تظاهرات اخیر نیازمند خون بوده‌اند نه نظامیان.

در بخشی از اعلامیه سازمان ملی انتقال‌خون‌ایران آمده:

... همیشه شهامت این را داشته‌ایم که در بحبوحه‌ی تضاد های شدید اجتماعی از اصول وجدان پزشکی پیروی کنیم .. لذا هنگامی که‌انسانی به هرعلت‌احتیاج‌به‌خون‌داشته باشد بدون‌توجه به این که آیا مسلمان باشد یا مسیحی، ارتشی است یا کشوری، راستگوست یا دروغگو، با همان سرعت و دقت معمول خون جهت درمان او تهیه و ارسال می‌گردد، کسانی که با این اصل موافق نمی‌باشند مبانی اخلاقی پزشکی رادرک نمی‌کنند، این‌گونه اصول نمی‌تواند دستخوش تحولات سیاسی و عقیدتی باشد وتنها به اقتضای زمان مورد توجه قرار می‌گیرد.

گذشته از مطالب فلسفی واقعیت امر از این قرار است: ...این مردم هستند که در تظاهرات اخیر نیازمندخون بوده‌اند نه افراد لشکری ... شایعه دیگری که اخیرا اشاعه پیدا کرده است خونی را که مردم ایرانی داوطلبانه اهدا می‌کنند به اسرائیل فروخته‌می شود، بدیهی است که این شایعه دروغ محض است ...

در حالی که ماهنوز در بیمارستان‌های تهران و مراکز دیگر باکمبود خون روبرو هستیم چطور ممکن است علی‌رغم این نیاز خون را به یک کشور اجنبی بفروشیم؟

خاموشی ریشب اعتراضی بود به کشتار دانشگاه تهران

خاموشی‌ها کاهش می‌یابد

خاموشی های دوهفته اخیر بارفع نسبی مشکلات تامین سوخت نیروگاه ها در دو روز گذشته به کمترین حد خود رسید.

دیروز یکی از مسئولین صنعت برق در تماسی به آیندگان گفت: خاموشی ها در دوروز گذشته کاهش یافته و به نظر می رسد در هفته آینده اگر اشکال تازه‌ای پیش نیاید، مشکل خاموشی به طور کامل حل شود.

وی در باره خاموشی جمعه شب تهران، خوزستان‌واصفهان گفت این خاموشی که یک‌ساعت بیشتر طول نکشید، اعتراض به کشتار پریروز دانشگاه‌تهران بوده است.

همین مقام افزود که سوخت برای تمام نیروگاهها تامین‌شده و فقط دونیروگاه لوشان‌وشاهی باکمبود سوخت روبرو هستند.

نگرانی ژاپن از تاثیر ناآرامی ایران برطرح مشترك پتروشیمی

توکیو - حکومت ژاپن‌گفت از اینکه ممکن است ناآرامی سیاسی در ایران برطرح مشترک پتروشیمی ۳٫۲۵ میلیارد دلاری ایران - ژاپن اثر بگذارد نگران است.

وزیر تجارت ژاپن در یک کنفرانس مطبوعاتی در توکیو گفت حکومت این کشورقصد ندارد به شرکت های ژاپنی که در طرح پتروشیمی بندر شاپور شرکت دارند توصیه کند کارشان را معلق کنند.

یک سخنگوی گروه میتسوبی ژاپن‌که شرکتهای آن در قرارداد با شرکت ملی پتروشیمی ایران مشارکت دارند گزارش های مطبوعات محلی را در مورد متوقف کردن کار تکذیب کردند.

درگیریهائی میان موافقان و مخالفان اتفاق افتاد

در تظاهرات طرفداران قانون اساسی نامی از شاه نبود

پنجشنبه گذشته گروه هائی که تعداد آنها تا ۲۵۰ هزار تن تخمین زده می شد در تهران دست به تظاهرات و راهپیمائی گسترده به طرفداری قانون اساسی و سوسیال دموکراسی زدند - در تظاهرات طرفداران قانون اساسی نامی از شاه‌نبود ولی آنها پرچم های سه رنگ ایران و تمثال هائی از حضرت محمد و حضرت علی را حمل می کردند. آنها با شعارهائی که در آنها «استقلال، آزادی، قانون اساسی» زمینه اصلی بود از نخستین ساعات بامداد در خیابان های منتهی به میدان بهارستان به حرکت در آمدند. ومقابل مجلس اجتماع کردند. گروهی از آنها هنگامیکه با خبرنگار «بی.بی.سی» روبرو شدند شعار دادند «بی.بی.سی بیچاره، بازم بگو ساواکه». گروهی دیگرمی‌گفتندبی.بی.سی بی.بی.سی ای عامل جاسوسی ۵۰ سال دوشیدی، بازهم می خواهی بدوشی؟

شرکت کنندگان در مقابل مجلس، قطعنامه‌ای را صادر کردند که متن آن به شرح زیر است:

۱- شکل گرفتن هر حرکت سیاسی در جهت آینده و آزادی ایران از طریق اجرای قانون اساسی.

۲- تعظیم به شعائر دین مبین اسلام در عین تاکید بر میراث ها و دستاورد های ملی به ویژه تاکید بر آزادی های سیاسی و حقوق برابر میان زنان‌ومردان در تمام امور.

۳- به حرکت درآمدن دوباره چرخهای اقتصادی کشورمان و شکستن اعتصابات قبل از ویرانی مملکت.

٤- حفظ احترام و ارزش‌های بنیادی ارتش.پلیس‌وژاندارمری

۵- محاکمه و مجازات سریع متهمان به فساد.

٦- محکوم کردن فرد پرستی و تاکید بر آزادی گفتاروحرکت برای گروه های سیاسی مملکت تحت هر شرایط.

۷- حفظ احترام کامل به حقوق هموطنان اقلیت مذهبی مطابق باموادی مصرح در قانون اساسی.»

گروهی از شرکت کنندگان پس از خواندن قطعنامه، پس از پیمودن خیابان های شاه‌آباد و فردوسی به میدان سپه رفتند تادر آنجا به مناسبت پایان گرفتن اعتصاب کارکنان مخابرات و پست از آنها تشکر کنند و اندکی‌بعد ازساعت ۱۲ به تدریج متفرق شدند. در میان راه‌پیمایان، چند نفر می خواستند به‌نفع‌شاه شعار بدهند اما راه پیمایان، مانع شدند.

گزارش خبرنگار آیندگان که از نخستین ساعت‌های بامداد، شاهد این تظاهرات بود حاکی است که تا پیش از نیمروز، جز در دو سه مورد که از سوی گروه های مخالف، بر روی‌سر تظاهر کنندگان آجر و سنگ پرتاب شد، حادثه دیگری روی نداد.

تظاهرکنندگان، هر جا که با کامیون های سربازان ارتش ایران روبرو می شدند درحالی که پرچم ایران را در جلوی کامیون به اهتزار در می‌آوردند برای آنها دست تکان می‌دادند.

تظاهر کنندگان شعار های دیگری را نیز باخود داشتند: «ارتش برادر ماست، حامی ملت ماست» یا «درود بر شهدای آزادی» یا «قانون‌اساسی حافظ امنیت و استقلال ماست» «ملت ایران خواهان‌دقیق‌اجرای قانون اساسی است» «ما حکومت قانون را به حکومت فردی تبدیل نمی کنیم.» «این است شعار ملت - خدا، قرآن، محمد» - «خلیج فارس، خلیج فارس است.»

در اجتماع روزپنجشنبه اعلام شد که این نخستین پیام این گروه به ملت ایران است و گفتند که پیام های بعدی خود را در اجتماع های بعدی به آگاهی مردم می رسانند، همچنان که اشاره شد. پیش از ظهر عده‌ای در چند نقطه به شرکت کنندگان در تظاهرات طرفدار قانون اساسی حمله کردند و درگیری ها باعث زخمی شدن چند تن شد لیکن بعدازظهر جنگ مغلوبه شد و عده‌ای از طرفداران قانون اساسی با خشونت بسیار به مخالفان خود حمله‌ور شدند که درگیری های بعد ازظهر نیز چند مجروح به جای گذاشت. در بسیاری از محاله ها، حالتی غیر عادی حکم فرما بود زیرامردم به‌پیاده‌روها ریخته بودند و عده‌ای ازجوان ها باچماق مسلح شده بودند و ضمن رتق‌وفتق‌ترافیک، آماده‌ی مقابله بودند.

ساعت چهار بعد از ظهر پنجشنبه، دوکامیون پلیس در حالی که بر روی هر یک ازآنها دونفر، لباس شخصی، پرچم سه‌رنگ را برافراشته بودند و دو پلیس مسلسل بدست نیز به سوی پیاده‌روها قراول رفته بودند، در خیابان آیزنهاور حرکت می کردند امادر همان حال سربازان مسلح از درون یک کامیون‌نظامی، برای مردمی که در پیاده‌رو ایستاده بودند و برای آنها ابراز احساسات می کردند، دست تکان می دادند.

باعده‌ای از شرکت کنندگان در تظاهرات به طرفداری از قانون اساسی صحبت کردیم که جواب های آنها قابل توجه است.

تعداد مصاحبه شوندگان ۲۵ نفر و از ۱۰ گروه مختلف انتخاب شده‌اند. این افراد که ۹ نفرشان فقط خود را معرفی نمودند مشتمل بر ٦ مدیر عامل، ٤ کارمند، ۳ خانم خانه‌دار و ۵ بیکار (خود را بیکار معرفی کردند)، یکی‌کشاورز و ۵کارمند و یک کارخانه‌دار بودند. ۲۳ نفر از آنان درمقابل سئوال قانون اساسی چند اصل دارد و چه می گوید، اظهاربی اطلاعی کردند و ۲ نفر از آنان (یک کارخانه‌دار و یک آموزگار) بترتیب جواب دادند ۵۱ ماده و ۵۲ ماده - جواب این ۲۵ نفردر مقابل این سئوال که‌چه‌حکومتی مورد تائید و خواست شما است؟ نیز بدین قرار بود: یک نفر درخواست حکومت سلطنتی با وزارت بختیار را داشت و چهار نفر دیگر نیز درخواست حکومت‌سلطنتی‌دموکراتی‌همانند انگلیس را داشتند که قدرت در دست دولت باشد لیکن ۱۸ نفر درخواست حکومت جمهوری را داشتند اما تحول سیستم را از طریق قانون خواستار بودند و ۲ نفر گفتند فرقی ندارد ما طالب استقلال‌ملی هستیم. جالب توجه طبقه مشارکت کننده در پیاده‌روی بودند. افراد داخل گروه بیشتر پالتو پوست پوش و بسیار شیک و مرتب بودند و افراد اطراف گروه که بیشتر رل محافظ را ایفا مینمودند بیشتر شمایل‌کارگران‌را داشتند و هنگامیکه از یکی از آنان بنام تقی رحمانیان سئوال کردم که راه‌پیمائی تاسوعا وعاشورا و اربعین را دیده‌است یاخیر؟ جواب داد. بله، خودم در آنها شرکت کردم منتهی در این راه پیمائی طبق دستوربرای‌حفاظت و شعاردادن شرکت کرده‌ام.

تیمورخانی راننده‌اطلاعات براثر صدای گلوله سکته‌کرد

تیراندازی و اغتشاش در برابر روزنامه اطلاعات

حدود ساعت ۱٫۵ بعد ازظهر روز پنجشنبه تظاهراتی جلوی موسسه اطلاعات در خیابان خیام که روبروی اداره صنایع نظامی قرار دارد انجام گرفت که گفته می‌شدبعضی ازکارکنان اداره نیز در تظاهرات شرکت دارند.

بیدرنگ ابراهیم نعیمی پور عکاس روزنامه برای تهیه‌عکس از تظاهرات پجلوی در موسسه رفت و چندتن از کارکنان‌اداری اطلاعات نیز برای تماشای تظاهرات از موسسه خارج شدند در این موقع ۲ کامیون سرباز به محل تظاهرات حرکت کردند. ناگهان صدای مهیبی از اگزوز یکی از کامیون های نظامی بلند شد و تظاهرکنندگان و تماشاچیان بتصور آنکه شلیک مهیبی آغاز شده شروع به فرار در جهت های مختلف کردند و یک صحنه هرج ومرج کامل بوجود آمد و سربازها از کامیون ها پائین ریخته و شروع به تیراندازی کردند و ضمنا هرکس راکه سر راه خود می‌دیدند گرفته و داخل کامیون ها می ریختند آنطورکه خبرنگار ما گزارش داد جمعا ۱۹ نفر دستگیر شدند که ۹ تن از آنان اعضای موسسه اطلاعات از جمله نعیمی‌پور عکاس و حاج محمود تهرانی کارپرداز اداره بودند.

تیراندازی بشدت‌ادامه‌داشت که اللهوردی تیمورخانی راننده ۵۵ساله اطلاعات نیز سراسیمه خود را جلوی در موسسه‌رساند ولی بر اثر شدت صدای رگبار گلوله از هوش رفت بلافاصله تیمورخانی بداخل موسسه انتقال یافت ولی براثر شدت وحشت و ایجاد حالت سکته درگذشت. از طرف روزنامه بیدرنگ مراتب‌به فرمانداری نظامی اطلاع داده شد و درخواست آزادی کارکنان موسسه اطلاعات گردید ولی چون تاساعت ۹٫۵ شب ازقول هائی که مقامات فرمانداری نظامی برای آزادی آنها داده بودند خبری‌نشدناگزیر بانخست وزیر تماس گرفته شد ونخست وزیر قول‌دادکه‌دراین‌موردردستور فوری بدهد حوالی ساعت ۱۱ شب ۹ نفری که از کارکنان موسسه اطلاعات دستگیر شده بودند آزاد شدند.

مراسم تشیع جنازه و تدفین دوست شهید ما الله وردی تیمورخانی از طرف همکاران بستگان و گروه کثیری از مردم باشکوه فراوان.صبح دیروز در گورستان بهشت زهرا انجام شد. روحش قرین رحمت باد.

تشکر از همکاران

در پی بازداشت دو تن از اعضای هیات سردبیری آیندگان - مهاجرو کوران - توسط ماموران فرمانداری نظامی دیروز و دیشب‌ازسوی همکاران عزیز مطبوعاتی مادر روزنامه های کیهانو اطلاعات اعلام آمادکی کردند تا در انتشار روزنامه ما را یاری دهند. این نشانه کوچکی از پیوند قلمزنها و دوستان مطبوعاتی است که با هیچ معیاری ارزیابی نتوان کرد.

دست گرم و پرمحبت‌همه‌ی دوستانمان را در واحد های مطبوعاتی صمیمانه می‌فشاریم و تشکر می کنیم. هیات سردبیری «آیندگان» و همه‌ی همکاران قلمزن در آیندگان، از محمد علی سفری دبیر سندیکای خبرنگاران و نویسندگان که عصر دیروزبه آیندگان آمده بود خواستند حامل این تشکر و سپاس‌ما به دوستان مطبوعاتی ما در سایر واحد های مطبوعاتی باشد. باشد تا از این رهگذر، دیگران، باردیگر یقین کنندکه زنجیر پرتوان پیوند قلمزنان پاره کردنی نیست، و کم‌شدن و زخمی شدن، هراندازه مختصر هر حلقه، جایگزین های پرتوان‌ترو صمیمی‌تر دارد.

ساعت ٤بعداز ظهر امروز

مراسم بازگشائی مدرسه‌عالی ایران‌زمین

نمایندگان دانشجویان‌مدرسه عالی ایران‌زمین طی‌اطلاعیه‌ای از همه دانشجویان این‌مدرسه عالی تقاضا کردند که برای شرکت در مراسم بازگشائی مدرسه شرکت کنند. قرار است دانشجویان، مدرسه عالی ایران زمین را ساعت ٤ بعد از ظهر امروز بگشایند.

نامه يك زن یهودی ایرانی به‌آیندگان

هموطن، ماهم خونمان قرمزاست

● ما آیت‌الله خمینی را به‌عنوان یك رهبر انقلاب می‌ستائیم. اوست که خونهای منجمد شده‌در رگهای ایرانی را به حرکت درآورد و خواب چندین ساله بی‌تفاوتی و بی‌خبری را ازدیده‌ها برگرفت

در روز های زنده و پرشور انقلاب و درلحظاتی‌که‌خواهران و برادران هموطن سینه‌هاشان آماج تیر خانمانسوز استبداد بود و در ساعاتی که قلب‌هایمان برای همصدا شدن با عزیزانمان می طپید گروهی از ما در خانه نشسته بودیم، همچون سپندی برآتش،پرصداوبیقرار .چرا؟.. که ما مسلمان نیستیم ویهودی را در میان آنان راهی نیست. مگر نه‌اینکه اینجا وطن ماست؟ خاک ما؟ سرزمین ما؟ جائی که‌در آن چشم گشوده‌ایم؟ ... هر صبح را بامید روزی بهتر و هر روز را باآرزوی آینده‌ای روشن‌تر آغاز نموده‌ایم.

ما معنای فقر را می دانیم، ما آزادی را می شناسیم و با شما هم فریادیم، فریادی که سال هادر گلویمان بیصدا مانده است.

ما خاک وطن را ترک نخواهیم کرد. ما میخواهیم بمانیم و در این لحظات‌حساس کنار هموطنانمان برای آزادی مبارزه کنیم.

کلام ما، کلام شماست - هدفمان رسیدن به آزادیست، ما را بخود راه دهید. ماهمه برادریم، ما صدامان یکی است، ماهم در این راه قربانی داده‌ایم و خون‌مان نیز قرمز است.

به اسلام سر تعظیم فرود می آوریم زیرا حضرت محمد (ص) رهبر حق و آزادیست. قرآن برادری و برابری را اشاعه می دهد تا بدانجا که عیسی به دین خود موسی به‌دین‌خود. آزادی رامرزی نیست، نه نژادی می شناسد نه رنگی و نه ملیتی. پس چرا اقلیت های مذهبی در چنین شرائطی بایستی خود را پنهان کنند؟ چرا از آشکار ساختن دین خود واهمه کنند؟ مگر نه‌اینکه حضرت آیت‌الله خمینی برادری خودرابه‌یهودیان اعلام نموده‌اند؟ مگر نه‌اینکه حضرت آیت‌الله طالقانی نمایندگان مارا بامحبت وگرمی پذیرفته و از همه اقلیت های مذهبی که ایران‌راترک کرده‌اند خواسته‌اند که به وطن‌مراجعت کنند؟ پس‌چرا عامه مردم مارا از خود طرد می کنند و کافر می خوانند؟

خدای بزرگ پیامبران را برای رهبری‌خلق‌بخدمت گمارد، پیغمبر ما فرستاده خداست وما نیز خلق خدائیم، این مسئله را چگونه باید به‌عامه هموطنان عزیز تفهیم کرد؟... مگر مشکل همه ما یکی نیست؟ مگر نه این است که ماهم ایرانی هستیم؟

ما آیت‌الله خمینی رابعنوان یک رهبر انقلاب می ستائیم. اوست‌که خون های منجمد شده در رگ های ایرانی را بحرکت در آورد و خواب چندین ساله بی تفاوتی و بی خبری را از دیده‌ها بر گرفت ولی بسیار باعث تاسف و تاثراستکه‌عامه مردم از دستورات این رادمرد بزرگ سرباز زده و علیرغم افکار و نظرات ایشان ما را از خود جدا می دانند تابه آن حد که وحشتی درمیان ما بوجود آورده و خواب از چشمانمان ربوده و مارا از آینده‌مان بیمناک نموده‌اند.

ما می خواهیم بدانیم آیا در سرزمینی که بدان تعلق داریم آینده‌ای‌هم‌برایمان وجود خواهد داشت؟ و یاآیا برای همیشه فرزندانمان از بودن‌در وطن وآب‌وخاک‌خویش محروم خواهند بود و دردی بالاترازبی وطنی میشناسیم؟

آیا نهضت ملی و اسلامی موجود ماراپذیرا خواهد بود؟ آیا اقلیت های مذهبی می توانند در فعالیت های گوناگون اجتماعی سهمی داشته ویامانند هر ایرانی دیگرازمزایای‌ایرانی بودنشان برخوردار و بمتکالیف میهنی‌شان مکلف بمانند؟

آیا دیگر در کوچه و خیابان مورد حتاکی و بی حرمتی قرار نخواهند گرفت؟

در این بحران هر قدمی در راه آزار به هموطن یکقدم دور شدن از نهضت و نیل به هدف آزادی است. هر خشم و شتمی باعث سستی پایه های ایمان و اعتقادی استکه‌باخون ایرانی مسلمان و غیر مسلمان عجین شده‌است.

بیائید همبستگی را حفظ کنیم تا پایان راه.

امکان ندهیم درگیری های عامیانه کوچه و بازار ندانسته رکود چنین انقلابی عظیم و استثنائی را باعث گردد.

پروانه حنوکا

تظاهر کنندگان شیراز: وکلای شیراز غیر قانونی‌اند

شیراز- خبرنگار آیندگان- از سوی جامعه روحانیت شیراز و بیش از ۱۰۰ هزار نفر از مردمیکه دیروز (شنبه) در تظاهرات این شهر شرکت داشتند اعلام شد وکیلان شیراز در مجلسین غیرقانونی و وکیل حقیقی مردم این شهر نیستند.

حجت‌السلام علی موحد در اجتماع مردم با قرائت پیام آیت‌الله خمینی این مساله راعنوان کرد و سپس قطعنامه ۸ ماده‌ای سراسری خواندکه به تائید جمعیت رسید.

انتشار دومین شماره «اولدوز روزنامه‌سی» درتبریز

تبریز- خبرنگار آیندگان - روز گذشته دومین شماره روزنامه ترکی بنام «اولدوز روزنامه‌سی» منتشر شد که حاوی مطالب و گزارش های خبری و شعرهای ترکی‌است.

حمله به یك کامیون نظامی

تهران - خبرگزاری ها - رادیو ایران گزارش دادچندمرد که لباس نظامی به تن‌داشتند و با مسلسل‌های از نوع کاشینکف مسلح بودند بامداد جمعه به یک کامیون نظامی در تهران حمله کردند.

رادیو به نقل از یک منبع نزدیک به فرماندهی نظامی تهران تصریح کرد در جریان این حمله هشت نظامی زخمی شدند که حال سه تن از آنان وخیم است.

نظام ناعادلانهٔ مالیاتی: بزن بر سر ناتوان دست زور!

اعتصاب کارکنان اداره های دولتی در نهضت مردم ایران سهم انکار ناپذیری دارد. از اعتصاب موثر و پرقدرت کارکنان صنعت نفت تا اعتصاب به ظاهر کم اهمیت سازمان ـ های کوچک ...

یکی از مقاومترین گروه‌های اعتصابی، کارکنان وزارت‌امور‌اقتصادی و دارائی هستند که با اعتصابشان در همگامی با نهضت، کوشش فراوان کرد. اهمیت اعتصاب کارکنان دارائی که از ۱۵ مهر ماه آغاز شد و بی وقفه ادامه یافت، در این بود که از گرفتن مالیات های غیر قانونی و ناعادلانه از مردم، جلوگیری شد.

کارکنان دارائی در تهران و شهرستان‌ها‌باوجود‌حمله‌ی مکرر ماموران انتظامی به محل کارشان، از موضع خود عقب نشینی نکردند و همچنان برخواسته های سیاسی خود پا فشاری می کنند. همزمان با ادامه اعتصاب، کارکنان و ادارات امور اقتصادی و دارائی، به‌افشاگری درباره‌ی مالیات‌های غیر عادلانه پرداختند، مالیات هائی که فشار آنها، بیشتر بر گروههای کم درآمد تحمیل می شود.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، وزیر‌ـ های دارائی وقت از جمله، علی امینی، هوشنگ انصاری، جمشید آموزگار، و ... هرکدام در زمان وزارت خود متممی بر قوانین ممیزی مالیاتی افزود و نکات زیر، برجسته ترین نکات در میان مالیات های غیرعادلانه است:

در قانون های مالیات های مستقیم مصوب ۲۸ اسفند ۱۳٤٥ آمده است: روسا و اعضای ماموریت های سیاسی خارجی در ایران و روسا و اعضای هیات های نمایندگی فوق‌العاده دول خارجی‌نسبت به حقوق دریافتی از دولت متبوع خود به شرط معامله متقابل و همچنین روسا و اعضای هیات های‌نمایندگی سازمان ملل متحد و موسسات تخصصی آن‌در ایران نسبت به حقوق دریافتی از سازمان و موسسات مزبور در صورتیکه تابع ایران نباشند، از پرداخت مالیات معاف هستند.»

باتوجه به چپاول ثروت‌های مردم ایران به وسیله‌ی بیگانگان، این معافیت مالیاتی برای آنها، خنده آور است.

در بخشی دیگر از قوانین، کلیه موقوفه ها و موسساتی که تمام سرمایه آنها متعلق‌به بنیاد پهلوی است، سازمان‌شاهنشاهی‌خدمات اجتماعی، شیرو خورشید و ... از پرداخت مالیات معاف شده‌اند. با توجه به درآمد های کلان این تشکیلات در ظاهر عام‌المنفعه که تنها مبلغی اندک از آنها به مصرف واقعی و عنوان شده‌اش می رسد، تعلق معافیت مالیاتی به آنها، نشانی جز حفظ منافع آنها و تحمیل فشار به مردم عادی، ندارد.

اکثرا سازمان هائی مشمول معافیت مالیات شده‌اند که وابستگی های ویژه و آشکاری با قانون گذاران وقت داشته‌اند و ذکر همه‌ی آنها در این گزارش نمی‌گنجد.

برنامه ریزی و درآمد های مالیاتی

قانون مالیات های مستقیم و غیر مستقیم در اواخر سال ۱۳٤٥ به تصویب مجلسین شورای ملی و سنارسید. پس از طرح ریزی قوانین مزورانه، یورش استثمارگرانه به سوی گروه های کم درآمد از سوی وزارت دارائی آغاز شد و مالیاتهایی که از مردم به طور ناعادلانه گرفته شده است رقم قابل توجهی را نشان می دهد.

پولی که دولتها به عنوان مالیات مستقیم از مردم گرفتند و این پول به مصرف رفاه مردم نرسید، نشان می دهد که در طرح‌قوانین مالیاتی، به تنها موضوعی که توجه نشده، رفاه مردم است.

بانک مرکزی ایران ترازنامه‌ی مقایسه‌ی درآمد نفت و مالیات را با ذکر درصد آن از سال ۱۳٤٦ تا ۱۳٥٦ به شرح زیر اعلام کرده است.

سال	درآمدنفت‌به میلیارد ریال	درآمدمالیاتی‌به میلیارد ریال	درصد
٤٦	٤٥	٤٠ر۳	۷٥درصد
٤۷	٦۱ر۸	٥٠ر٥	۸۲ درصد
٤۸	۷٠ر۱	٥۸ر۲	۸۳درصد
٤۹	۸۳ر۸	۷۱ر۳	۸٦درصد
٥٠	۱٥٠ر۳	۸۲ر۷	٥٦درصد
٥۱	۱۷۸ر۱	۱٠۳ر۷	٥٦درصد
٥۲	۳۱۱ر۲	۱۳۲ر٥	٤۸درصد
٥۳	۱۲٠٥ر۲	۱٥۸ر۸	۱۳درصد
٥٤	۱۲٤٦ر۸	۲۷۳ر٤	۲۲درصد
٥٥	۱٤٠۹ر۱	۳۱۳	۲۹ درصد
٥٦	۱٤۳٦ر۱	٤۲٠ر۸	۳٠درصدتقریبا

بموجب این جدول در سال ٤٦ درآمد مالیاتی بالغ بر ٤٠ر۳ میلیارد ریال بود که این رقم برابر ۷٥ درصد درآمد نفت در همان سال است و در سال ٤۷ با وجود افزایش درآمد نفت این نسبت به ۸۲ درصد رسید. سیر صعودی مالیات این‌نسبت را به ۸٦درصد در سال ٤۹ رسانید و مبلغ آن ۷۱ر۳ میلیارد شد که این مبلغ از درآمد نفت در سال ٤۸ مبلغ ۱ر۲ میلیارد ریال فزونتر بود. در سال ٥٠ درآمد مالیات نزدیک به درآمد نفت درسال ٤۹ بود و در سال ٥۱ از مرز صد میلیاردریال تجاوز کرددرسال٥۲ باافزایش‌ناگهانی قیمت نفت، درآمد نفتی‌دولت‌دراین‌سال‌نسبت‌به‌سال٥۲چهار برابر شد و با وجود این نه تنها دولت دروصول مالیات تخفیف اساسی قائل نشد، بلکه‌میزان مالیات همچنان سیر صعودی مداوم خود را حفظ کرده بطوری که در سال ٥٦ مقدارمالیات هم بنوبه خود بیش از ۳ برابر مالیات در سال ٥۲ شد و به رقم نجومی ٤۲٠ر۸ میلیارد ریال بالغ شد. این مبلغ از طرفی برابر با مجموع درآمد نفتی پنج سال دولت از سال ٤٦ تاپایان سال ٥٠ و از طرف دیگر ۸٤ برابر درآمد حاصل از فروش گاز در سال ٥٦ بوده است‌که با این مبلغ یعنی ٤۲٠ر۸ میلیارد ریال (درآمد مالیاتی) می توان تعداد ٤۲٠٠،٠٠٠ خانه کارگری در شهر ها هر یک بمبلغ ۱،٠٠٠،٠٠٠ ریال و یا تعداد ۷٠٠،٠٠٠ خانه روستایی هر یک بمبلغ ٦٠٠،٠٠٠ ریال و یا تعداد ۲۸٠،٠٠٠ مدرسه روستایی هر یک بمبلغ ۱،٥٠٠،٠٠٠ ریال و یا تعداد ٤۲،٠٠٠ درمانگاه مجهز بکلیه وسایل پزشکی هر یک به مبلغ ۱٠ میلیون ریال تاسیس کرد.



● کارکنان وزارت امور اقتصادی و دارائی، همزمان با اعتصاب خود به افشاگری دربارهٔ مالیاتهای غیر قانونی و ناعادلانه پرداختند.

● رقم درآمد مالیاتی در سال ۱۳٥٦، بیش از ۳ برابر مالیات سال ٥۲ و برابر با مجموع درآمد نفتی از سال ٤٦ تا ٥٠ است.

معافیت های دیگر

به موجب ماده ۲ قانون مالیات ها، شاه، شهبانو و ولیعهد از پرداخت مالیات معاف هستند، در حالیکه با توسل به این قانون تا به حال هیچ یک از افراد خاندان سلطنت به دارائی مالیات پرداخت نکرده‌اند.

نیرو های مسلح نیز از پرداخت مالیات بر حقوق معاف شده‌اند. شرکت هلیکوپتر سازی ـ شرکت هائی که در سواحل و جزایر خلیج فارس به منظور انجام خدمات و تدارک نیازمندی های خارجی و تعمیر کشتیهای ایرانی و خارجی که بوسیله‌ی تعمیرگاه های ثابت یا شناور تاسیس می شود، شرکت های‌خصوصی کشتیرانی ایرانی و شرکت های خصوصی هواپیمائی ایرانی، درآمد حاصل از فروش کشتی و هواپیمامتعلق به‌شرکت های‌خصوصی مانند باربری آبادان، فارس، ایرج، سوسن، ایران، شرکت هواپیمائی هلیکوپتر سرویس، هواپیمائی ار سرویس و هواپیمائی‌پارس‌ار نیز دیگر شرکت هائی هستند که صاحبان آنها تابحال به دارائی مالیات نپرداخته‌اند. ازاین نمونه ها فراوانند.

یکی از صد ها نمونه‌ی اجحاف دیگرکه در زمینه‌ی مستغلات به افراد کم درآمداعمال می شود، مربوط به ماده ۱۱٠ مکرر است: « واحد های ۱٠ طبقه یا بیشتر نسبت به‌درآمدی که از فروش و اجاره واحد های مذکوردریافت می کنند، از تاریخ اختتام به مدت ۱٠ سال از پرداخت مالیات معاف است.» با توجه به این ماده آنهائی که سرمایه‌ای سرشار برای برپائی بنائی بیشتر از ۱٠ طبقه را دارند، مالیات نمی پردازند و مسلما از اجاره‌ی ساختمان خود هر ماه پول کلانی به جیب می زنند.

در حالی که به موجب ماده ۱۱۱وتبصره‌ی الحاقی آن « کسانی که یک یا چند اطاق از محل سکونت خود را به اجاره واگذار کنند تنها درصورتی از پرداخت مالیات معاف خواهند شد که اولا هیچگونه در آمدی نداشته باشند و ثانیا اجاره دریافتی از ٥٠ هزار ریال در ماه تجاوز نکند.»

تناقص و بیداد را می بینید؟

برآوردی که دولت در بودجه‌ی خود از طریق دریافت مالیات‌از گروه‌های مختلف‌مردم کرده، به این شرح است:

● درطرح قوانین مالیاتی، کمترین توجهی به رفاه افراد کم درآمد نشده است.

مالیات بر مستغلات ۸ر٦ میلیارد ریال
مالیات بر شرکت های دولتی ۱۲٠میلیارد ریال
مالیات بر اصناف ۱۸ر۸ میلیارد ریال
مالیات بر حقوق ٥٠ میلیارد ریال
مالیات بر شرکت های خصوصی ۲۳ میلیارد ریال
مالیات بر ارث ۲ میلیارد ریال
مالیات بر مصرف (مالیات غیر مستقیم) ۲۷۳ میلیارد ریال
جمع ٤۹٥ر٤ « میلیارد » ریال

توجه به ارقام بالا نشان می دهد که طراحان بودجه، برای تامین هزینه ها تنها چشم به مالیاتهائی که از مردم کم درآمد می گیرند، دوخته‌اند. در حالی که در پیش‌بینی بالا برای مالیات برارث سهم کمتری در نظر گرفته شده است. زیرا ثروتمندان هستند که ارث بیشتری بجا می گذارند و گرفتن مالیات بیشتر ازبازمانده‌ی‌آنها، ظلم‌برباز‌ماندگانشان است!

با وجودی که در بودجه سال ٥۷ مبلغ ۷٥میلیارد ریال‌افزایش مالیاتی‌نسبت‌به سال ٥٦ بچشم می خورد اولا منابعی نظیر ـ بهره ـ اراضی بایر ـ سرقفلی و مجموع درآمد که‌این منابع عموما متعلق به ثروتمندان و سرمایه‌ـ داران می باشد، سهم چندانی در تامین‌بودجه مالیاتی ندارند.

ثانیا فشار مالیاتی بر منابعی استوار گردیده که پرداخت کنندگان آن عموما از فقیر ترین و محرومترین قشر جامعه شهری می باشند (کارمندان ـ کارگران) مثلا مالیات برحقوق که در سال ٥۷ نسبت به سال٥٦رشدی برابر با ۸۹ درصد داشته و ۲٥ برابر مالیات برارث در سال ٥۷ است.

کارکنان دارائی می گویند: « میزان مالیات بر ارث بسیار مضحک تعیین شده و اگر بخواهند مالیات برارث قانونی از خانواده های سید ضاءالدین طباطبائی، منوچهر اقبال، فرمانفرمائیان، آنتوان آیسا و ... افراد مشابه دریافت کنند دیگر نیازی به دریافت مالیات سنگین از افراد کم درمد نیست. به‌این ترتیب کسانی که می بایست واقعا پرداخت کنندگان مالیات باشند به طور مستقیم و با استفاده از مزایای قانونی مالیاتها ازپرداخت معاف شده‌اند، و آنجائی که خود را مجبور به پرداخت مالیات دیده‌اند در شرایط اختناق و فساد حاکم برجامعه با استفاده از نفوذ شخصی و با تکیه بر عوامل فساد در وزارت دارائی، تا حد امکان از پرداخت مالیات فرار کرده‌اند.

این گروه افراد معلوم الحال وقتی که ناچار به پرداخت مالیات بشوند با انتقال آن به مصرف کنندگان محروم‌وکم‌درآمد ادعای هیات حاکمه را در زمینه‌ی تعدیل ثروت ناشی از اجرای قانون مالیاتها نقش برآب کرده‌اند.

امید است پس از به ثمر رسیدن جنبش مردم ایران قوانین اصولی و منطقی مالیاتی طرح ریزی و اجرا شود.»



۱٥ آبان ٥۷ ـ با کنار گذاشته شدن « شریف امامی »، و شکست او در نجات رژیم عمر کوتاه بهار ایران با روی کار آمدن دولت نظامی « ارتشبد ازهاری »، و دیگر ژنرال های سالخورده‌ی ارتش سپری شد. در حالی که شایعه‌ی نخست وزیری « اویسی » افسر خشن ارتش (که در قتل عام ۱٥ خرداد ٤۲فرماندهی گارد سلطنتی را داشت) قو ت بیشتری داشت‌ـ سیل سربازان برای موضع‌گیری به خیابان ها سرازیر شد آغاز اعتصاب ۸٠٠ نفری کارکنان رادیو تلویزیون بخاطر اعتراض به روی کار آمدن دولت نظامی و لغو تعهد بی طرف نگهداشتن رادیو ـ تلویزیون ـ کارکنان بانک ملی و مرکز و صندوق پس انداز تهران مجسمه‌ی شاه را به عنوان اعتراض به رژیم پائین کشیدند و در محوطه‌ی بانک به‌تظاهرات و بجای آوردن نماز جماعت پرداختند ـ بازار ها درسراسرکشورتعطیلی نامحدودی رابخاطر اعتراض به روی کار آمدن دولت نظامی آغاز کردند ـ مدارس و دانشگاه های کشور که عملا توسط دانش آموزان و دانشجویان‌کشور تعطیل شده بود، از جانب دولت رسما تعطیل شد ـ در تظاهرات اصفهان یک تن کشته و٥ تن زخمی شدند ـ آموزگاران مشهد دست‌بیک اعتصاب غذای ٤۸ ساعته زدند ـ عده‌ای از بلند پایگان پیشین دولت از جمله: « ارتشبد نصیری، منوچهر آزمون، داریوش همایون، روحانی، ولیان، شیخ‌الاسلام زاده ـ نیک‌پی‌و ... هویدا » طبق ماده ٥ حکومت نظامی توسط فرماندار نظامی کشور بازداشت شدند ـ روزنامه نگاران به سبب اشغال نظامی دفتر روزنامه ها اعتصاب کردند.

۱٦ آبان ٥۷ ـ در راه پیمائی عظیم زنجان بخاطر اعتراض به روی کار آمدن دولت نظامی و شدت یافتن مقررات حکومت نظامی، ٤ تن با شلیک ماموران از پا درآمدند، وبیش از ۱٠٠ تن زخمی شدند. در میان کشته شدگان و زخمی ها، چند نظامی نیز به چشم می خورد. مشابه همین حادثه‌ی خونین در همدان اتفاق افتاد، و ضمن آن ٤ نفر کشته و ۲۷نفر مجروح گردیدند.

۱۷ آبان ـ در تظاهرات سی هزار نفری مردم نجف آباد، دراثردخالت نظامیان‌دستکم ۲٠ تن کشته و عده‌ی بی شماری زخمی شدند ـ مردم کرمانشاه نیز طی تظاهرات پرشوری‌برپا کردند و در پی حمله‌ی ماموران، یک تن‌کشته و ده تن بشدت آسیب دیدند ـ هم چنین درآمل، بدنبال تظاهرات خیابانی گسترده، یک تن کشته و ۳ نفر زخمی شدند.

۱۸ آبان ٥۷ ـ دهها هزار نفر از مردم تهران در گورستان بهشت زهرا گرد آمدند تا یاد شهدای روز « ۱۳ آبان » را گرامی بدارند‌ـ در تظاهرات مجدد نجف آباد، که برای دومین روز متوالی انجام شد، ٥ نفر بدست نیرو های ارتش از پا درآمدند، و عده‌ی زیادی زخمی شدند ـ در تظاهرات اعتراض آمیز اصفهان، یک نفر کشته شد ـ در کرمانشاه ماموران پلیس به داخل محوطه‌ی یک دبیرستان که دانش آموزان به تظاهرات پرداخته بودند، یورش بردند وعده‌ی زیادی را مجروح کردند‌ـ ماموران حکومت نظامی در آمل، بدنبال تظاهرات جوانان‌این‌شهر، شروع به‌تیراندازی کردند، و در نتیجه ٤ تن کشته و بیش از ده تن مجروح شدند بسیاری از دختران آمل جزو زخمی شده ها بودند.

۲٠ آبان ـ در آمل برای سومین روز متوالی تظاهرات پراکنده‌ای روی داد. در این تظاهرات ٤ تن کشته و ۹ نفر زخمی شدند.
ـ کارمندان وزارت فرهنگ و هنر با صدور اعلامیه‌ای دست به اعتصاب سیاسی زدند، خواست آنها، همان خواست های سیاسی ملت ایران ذکر شده بود.

۲۲ آبان ـ کارکنان شرکت مخابرات تهران، کارمندان امریکائی این شرکت را از ساختمان ها و کاخ مخابرات بیرون کردند.

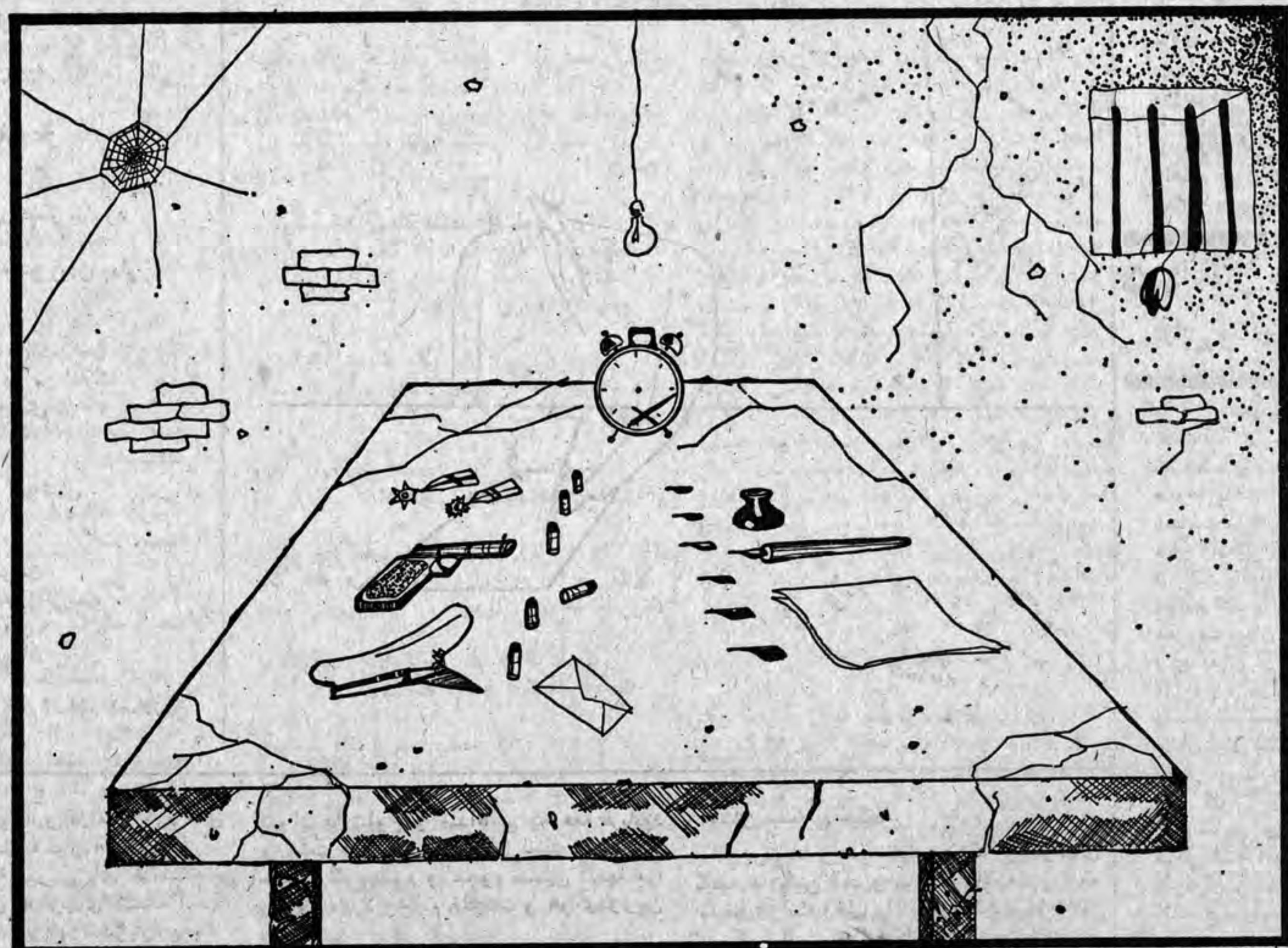
۲۳ آبان ٥۷ ـ « بنی احمد »، نماینده‌ی تبریز در مجلس شورای ملی. استعفای خود را از مجلس پس گرفت.

۲٤ آبان ٥۷ ـ کارکنان مرکز آمار دست به اعتصاب با خواسته های سیاسی زدند. این گروه اعلام داشتند که تا محو حکومت استبدادی به اعتصاب خود ادامه خواهند داد.

۲٥ آبان ـ در تظاهرات پراکنده‌ی اصفهان، سه‌سرباز در اثر انفجار نارنجک کشته شدند.

۲٦ آبان ٥۷ ـ دانشجویان ایرانی در فیلیپین تظاهراتی به عنوان مخالفت با شاه برپا داشتند. در این تظاهرات که به دخالت نیرو های پلیس این کشور روبرو شد. عده‌ای از مردم فیلیپین نیز شرکت داشتند.

۲۷ آبان ٥۷ ـ در تظاهرات پراکنده‌ی مردم اصفهان، بدنبال کشته شدن یک نفر و زخمی شدن دونفردیگر، مردم به یکی ازسینما های بزرگ این شهر « سپاهان » حمله کردند و آنرا به آتش کشیدند ـ قضات دادگستری آمل قضات سراسر استان مازندران را به نشانه‌ی مخالفت با دولت نظامی، دعوت به اعتصاب کرد ـ نخستین اعلامیه‌ی هیات مدیره سندیکای نویسندگان و روزنامه نگاران کشور منتشر شد. در این اعلامیه، انتشارروزنامه های فرمایشی که قصد شکستن اعتصاب مطبوعات را دارند تقبیح شد. از جمله‌روزنامه ها و مجله هایی که در این اعلامیه از آنها اسم برده شده « آتش، دنیا، بورس، جوانمردان، مهر ایران، ستاره اسلام، اراده آذربایجان و مجله های تهران اکونومیست، کاریکاتور خواندنیها و ... بودند.



طرح از: ابراهیم کاشانی

فرهنگ زیر زمینی در ستیز با اختناق ـ۷

● « عصر عمل »: مجموعه نوشته هایی است از سازمان چریک های فدائی خلق ایران، که در آن موضع این سازمان‌درباره‌ی شکل مبارزه مشخص شده است. از جمله در قسمتی از گفتار در مخالفت‌بااستالینیست ها، نوشته شده: « استالینیست ها، استالین را معمار ساختمان سوسیالیسم و پدرپشریت می دانند، و همین برخورد را نسبت به‌«مائو» و ... دارند. در برخورد با فضائل « مائو » چنان غلو می کنند که گوئی اگر مائو نبود خلق کبیر ۸٠٠ میلیونی چین به پشیزی نمی ارزید. « لین‌پیائو » نیز روزگاری جزء فرشتگان مقرب بود، و حالا در جهنم هیزم کشی می کند.»

● « جامعه شناسی ماکس‌وبر »(ترجمه‌ـ احمد شرف): شرحی است از زندگینامه و افکار «وبر»، یکی از جامعه شناسان آلمان در حول و حوش سالهای انقلاب اکتبر.

● « کمون پاریس »: مجموعه‌ی ۳۷نطق و خطابه است که « مارکس ـ انگلس ولنین » درباره‌ی جنگ داخلی فرانسه (کمون پاریس) گفته و نوشته‌اند.

● « مسائل انقلاب و سوسیالیسم »: بررسی تئوری های چریکی در ایران «مسئله‌ی ایجاد حزب و مبارزه، مسلحانه در تجربه‌ی چین، تجربه‌ی ویتنام، مسئله‌ی تصرف‌قدرت در کوبا، « رژی‌دبره » و انقلاب در انقلاب »، از جمله مطالب این کتاب است.

● « حج » (دکتر علی شریعتی): نوشته‌ای است در تجلیل از « حج » به عنوان یک فریضه‌ی اجتماعی مثبت و گردهم‌آیی سیاسی.

● « یادداشتهایی بر چه باید کرد »: مقاله‌ای است در سه فصل: ۱ ـ سیر پیدایش جنبش روسیه ۲ـ جمعبندی نظریات وانتقادات لنین به « اکونومیسم » به عنوان انحراف‌مسیر از سوسیال دموکراسی روس ۳ ـ پرداختن به آموزش های جهانشمول رساله.

● « سرمایه‌داری در قرن بیستم » (ی. وارگا): مترجم کتاب در پیشگفتار اثر، تذکر داده است که گرچه ممکن است صحت برخی از مطالب این کتاب مورد ایراد باشد، ولی از نقطه نظر هشدار های انسانی‌اش قابل مطالعه است.

● « باغبان »: منظومه‌ای است به زبان ترکی در رثای « حسین خان باغبان » همرزم مجاهد « ستارخان »، که در ۱۲۸۷شمسی به‌شهادت رسید. سراینده‌ی‌کتاب(م.شبستری) است.

● « زوال شخصیت »: « ماکسیم گورکی »، نویسنده‌ی اثر، در این نوشته نشان می دهد که چگونه تکامل تولید، تکنیک، مذهب، زبان، و ادبیات با دست انسان های ساده و طی کار خلاق آنها صورت می گیرد.

● « اقتصاد به زبان ساده »، (تالیف مجاهد شهید ـ محمود عسکری زاده): مبنا و گردش اقتصاد به زبان علمی در این کتاب بررسی و با اقتصاداسلامی‌مقایسه شده است.

● « متجاوزین »، (تیبورمرای ـ نویسنده‌ی مجارستانی): مشاهدات و گزارش هایی است از جنایت های امریکا به کره شمالی در ۱۹٥۲ که معروف به جنگ‌میکربی بود، زیرا هواپیما های امریکائی، مگس ها را به میکرب وبا آلوده می کردند و برای مسموم کردن آب آشامیدنی مردم، برسرآنها فرو می ریختند.

● « در آستانه پیروزی » (اورل‌میخائیلی): مقاومت و ستیز خلق های رومانی در برابر قدرت فئودالی «بویاردها»، و مدافع‌جهانخوار آن، در قالب داستانی انقلابی بیان شده: داستان اینگونه به پایان می رسد: « نگاه ها متوجه پرچم هایی بود که برسر دست هزار ها نفر به اهتزاز درآمده بود، این جمعیت هرآن، زیاد تر می شد و پرچم های آنان تا افق دور دست موج می زد.»

● « تکامل »، (سازمان مجاهدین خلق): سیر تکامل بشر از ابتدا تاکنون از دو دیدگاه مداقه‌ی نظر قرار گرفته. ابتدا از موضع‌عینی، و دیگر از دید قرآن.

● « انسان کامل »، (در زمینه‌ی فلسفی علمی) نوشته‌ی « لئوشائوچی »، نایب رئیس حکومت مرکزی چین و یکی از رهبران انقلابی این کشور است در باب روش هایی که یک انسان برای کامل شدن باید برگزیند.

● « سیاست شعر، سیاست هنر »، (گلسرخی): مجموعه مقاله هایی است در انتقاد از شیوه های فرمایشی هنر و ادبیات این دیار، و ضربه هایی که بر پیکر هنر خلقی وارد آمده است.

● « چه باید کرد ؟ »، (لنین): مبحث اصلی این رساله عبارت است از بررسی سه مسئله: ۱ ـ خصلت و مضمون تبلیغات سیاسی ۲ ـ وظایف تشکیلاتی ۳ ـ نقشه‌ی بنیان‌گذاری یک تشکیلات مبارز برای سراسر روسیه ـ در آن واحد ـ در نقاط مختلف.

● « اقتصاد توحیدی »، (بنی صدر): کندوکاوی است در چگونگی اقتصاد اسلامی و زیربنای توحیدی آن.

● « هجدهم برومرلوئی‌بناپارت »(انقلاب کبیر فرانسه): « مارکس »نگارنده‌ی این‌کتاب، نمونه‌ی تاریخ نویسی را از موضع ماتریالیسم تاریخی نشان می دهد، و در حکم ادامه‌ی اثر دیگر وی « مبارزه طبقاتی فرانسه » است.

● « تاریخ مختصر تحولات جامعه شناسی »، (دکتر بوتول): خلاصه‌ای است از ایده ها و نظریه های فلاسفه و اقتصاددانان مختلف درباره‌ی جامعه شناسی از نقطه‌ی آغاز تاکنون.

● « دو مقاله اقتصادی »، (سازمان مجاهدین خلق): در مقاله‌ی نخست، اوضاع اقتصادی دهه‌ی [illegible] ایران‌با طرح آماروارقام بازرگانی بررسی شده، و در مقاله‌ی دوم، شکل مطلوب جامعه‌ی اقتصادی‌آینده‌از دید نویسنده، ترسیم شده است.

مردی که از ۲۵ سالگی مبارزه را شروع کرد

مروری برزندگی سیاسی آیت‌الله‌خمینی

پاریس ـ آسوشیتدپرس ـ هنگامی که آیت‌الله العظمی خمینی ، رهبر روحانی قیام ایران ، درپائیز گذشته ازعراق خارج شد وبه فرانسه رفت ، حمله‌های وی به‌رژیم‌شاه‌بی‌وقفه ادامه یافت . بیانات وی چنان شدیداللحن‌بود که مقام‌های وزارت خارجه به‌وی گفتند ایشان به عنوان میهمان فرانسه ،باید تاحدی ازخود خویشتن‌داری نشان دهد . شاید فرانسه نمی دانست باچه مردی طرف است . آیت‌الله خمینی از ۱۹٤۱ به‌بعد به رژیم سلطنتی ایران حمله می‌کند و به زندان افتاده است. در خانه‌اش تحت نظر قرار گرفته و تبعید شده است و بنظر نمی‌رسد اکنون که پیروزی نزدیک است ساکت بماند.

یکی‌از شیفتگان آیت‌الله خمینی می گوید «اویک رهبر واقعی است زیرا اوتسخیرناپذیر است . او فراتر از مجازات و حکومت هاقرار دارد» .

امروز که‌شاه رفته است و رژیم شاپور بختیار نخست‌وزیر متزلزل بنظر می‌رسد سرنوشت ایران‌دردست های آیت‌الله روح‌الله موسوی خمینی قرار دارد . از اقامتگاه خود در حومه پاریس ،اوکنترل نفترا در فاصله ٤۰۰۰ کیلومتری در اختیار دارد . در جریان اعتصاب های ایران ، اپراتورهای تلفن تنها برای برقراری تماس بین‌آیت‌الله خمینی‌و پیروانش کارمی‌کنند .

روح‌الله خمینی در سال ۱۹۰۰ در شهر خمین متولد شد. خانواده وی مذهبی بود و پدرش مصطفی نیز آیت‌الله بود. پنج ماه‌پس‌از تولد وی ، پدرش بوسیله یک‌رهبر فئودال کشته شد و کودک خردسال بوسیله مادر و عمه سرسخت‌اش که‌قاتل مصطفی را تا زمان دستگیری و اعدام تعقیب کرد پرورش یافت . خمینی هیچ فکری جز پیوستن به روحانیت نداشت و درسن ۲۵ سالگی ، او آنقدر پیرو داشت که توجه رهبران سالخورده‌تر مذهبی ایران را بخود جلب کرد.در۱۹٤۱ ،اونخستین اقدام خود را به‌عنوان یک ناراضی سیاسی‌به عمل آورد و در مقاله‌ای که به رضاشاه حمله می‌کرد نوشت«دستورات رضاشادیکتاتور... ارزشی ندارند و همه آنها رابابد سوزاند.» خمینی سپس پیام سیاسی خود را به مردم شناساند : ایران که در سلطه انگلیس بود ، در چنگ خارجیان افتاده بود. مردم استقلال نداشتند. سیاستمداران فاسد ثروت های کشور را غارت می‌کردند. در همان سال ، متفقین ایران را اشغال کردند، رضاشاه خلع شد و محمدرضا پهلوی ،شاه شد.

از نظر خمینی ، پهلوی تجسمی از رضا شاه بود و بابدبینی به‌آن می‌نگریست . این بدبینی در سالهای پس‌از جنگ ، به هنگامی که‌شاه اصلاحات ،امروزی کردن سیستم کشاورزی ، غربی کردن زنان و حمایت از موسساتی نظیر بانکها ووام های بابهره وفیلم های امریکائی ، آغاز کرد مبدل به‌یقین شد.

مخالفت خمینی رساتر شد. اونوشت «شاه ایران را به‌خارجیان فروخته است و اسلام‌در آستانه نابودی است.»

در ژوئن ۱۹٦۳ ، در پی‌شورش های خونین ضدشاه ، خمینی دستگیر شد و اورا در یک سلول نمناک زندانی کردند.نزدیکان او ادعا کردند فریادهای زندانیان را ازطریق لوله‌ای به‌سلول او منتقل می‌کنند تا روحیه آیت‌الله ضعیف شود . اما خمینی روحیه خود راحفظ کرد و سرانجام از زندان آزادشد واین دستوررا ازشاه دریافت کرد «شما می توانید درباره هرچیزی به استثنای شاه، اسرائیل که درآن زمان از حامیان‌پروپا قرص شاه بود ـ واینکه اسلام درآستانه نابودی است ، سخن بگوئید» .

به‌گفته دوستان وی ، آیت‌الله پاسخ داد «پس چه‌چیزی برای سخن گفتن باقی‌می‌ماند.»

پس‌از آن اورادرخانه‌اش تحت نظرقراردادند. ده ماه بعد ، در ٤ نوامبر ۱۹٦٤ به‌خمینی گفته شد از کشور خارج شود. خمینی به‌ترکیه رفت وباردیگر درخانه‌اش تحت نظر قرار گرفت .

پس‌از چند ماه، که درخلال آن پیروان آیت‌الله خواستار آزادی اوبودند، ترکهاگفتند خمینی باری بر دوش آنهاست و اورا به ایران بازگردانند. شاه درآن زمان باعراق‌یک‌جنگ سرد به‌راه انداخته بود. عراقی‌ها از پذیرفتن چنین مخالف برجسته‌ای مانند خمینی خشنود شدند و به‌وی و خانواده‌اش درنجف پناه دادند.

حمله‌های خمینی به‌شاه آرام گرفت ،نجف شهر دورافتاده‌ای بود که وسائل مخابراتی نداشت .

اما پیروانش درایران به‌اووفادارماندند و خطرزندان رابه‌جان خریدند و درخانه هابه نوارهای ضبط شده‌وی درعراق گوش فرا می‌دادند. درجریان تبعید درنجف ، پسر خمینی که ٤۸ ساله بود درنجف کشته شد . علت رسمی مرگ وی ،حمله قلبی ذکر شد. خمینی معتقد بودکه ماموران ایرانی‌پسرش را کشته‌اند . نزدیکان شاه این اتهام رابه‌شدت تکذیب کردند و ادعا کردند خمینی کینه شخصی نسبت به‌شاه دارد . در حالیکه قیام ایران به‌صورت یک انقلاب تمام‌عیار در می آمد، شاه باردیگر کوشید خمینی را اذیت کند. او از عراقی ها ، که اکنون باشاه دوست‌شده بودند خواست او را بیرون کنند . عراقی‌ها پذیرفتند و مرد روحانی رابه‌کویت‌فرستادند . کویت او را نپذیرفت . آیت‌الله‌خمینی‌سرانجام در اکتبر گذشته به‌فرانسه رفت . در اینجا ، ده‌ها دانشجو ، روحانی و روشنفکر ایرانی به او پیوستند ، ارتباط با ایران برقرار کردند و ترتیب مصاحبه ها را برای آیت‌الله دادند. حمله های خمینی به خارجیان در ایران ، درخواست های وی از پیروانش برای مبارزه علیه شاه ازطریق اعتصاب هاو تظاهر کنندگان متوقف نشد.

فرانسه نتوانست نحوه زندگی خمینی‌را تغییر دهد . او به زبان های خارجی حرف نمی‌زند و کلبه خود راتنها برای خواندن‌نماز ترک می‌کند. او زندگی فقیرانه‌ای‌دارد وغذا های معمولی ایرانی صرف می‌کند.

هرچند ۷۸ سال از عمر آیت‌الله خمینی می گذرد اما اوسالم‌بنظر می رسد و محکم گام برمی‌دارد .

یک گزارش خواندنی در بارمبازگشت آیت‌الله‌خمینی و تلاشهای بختیار

بسته شدن فرودگاه‌را چه کسی دستور داد؟

پاریس ـ آسوشیتدپرس ـ درست پیش از طلوع خورشید در پنجشنبه گذشته تلفن حسن نزیه رئیس کانون وکلای ایران در هتلی در پاریس به صدا درآمد و شاپور بختیار نخست وزیر ایران به نزیه گفت ازآیت الله خمینی درخواست کن بازگشت خود را به تهران به مدت دوتا سه هفته به تاخیر اندازد تامن آرامش را حفظ کنم .

نزیه ٥٦ ساله فوراً تلفنی با اقامتگاه آیت‌الله العظمی‌خمینی در حومه پاریس تماس گرفت و با ابراهیم یزدی یکی از نزدیکان اصلی آیت‌الله خمینی گفتگو کرد . دکتر یزدی گفت دیگر دیر شده است و آیت‌الله خمینی تصمیم خود را گرفته است و هیچ چیز نمی تواند آن را تغییر دهد .

سه ساعت بعد ، ارتش‌ایران فرودگاه های کشور را بست و بازگشت ظفرمندانه آیت‌الله خمینی به تاخیر افتاد .

به گفته نزیه و سایر منابع ، این آخرین فصل از نمایشنامه ایران است : آیت‌الله خمینی در یک طرف و ارتش طرفدار شاه در طرف‌دیگرودولت متزلزل بختیار در این‌میان و نزیه که می کوشد این درگیری انفجار آمیز رابه یک پایان مسالمت آمیز برساند.نزیه قاضی‌پیشین و رئیس کانون وکلا دو هفته است که در پاریس بسر می برد و پنج بار با آیت‌الله خمینی ملاقات کرده است .او می کوشد ماموریت خود رابی اهمیت‌جلوه دهد و تاکید می کند که به طور غیر رسمی به پاریس آمده است . او می گوید میانجی نیست و بختیار او را به‌پاریس نفرستاده است و می افزاید به توصیه دوتن‌از مخالفان‌نیرومند نخست وزیر ، کریم سنجابی رهبر جبهه ملی و آیت‌الله محمود طالقانی متحد اصلی‌آیت الله خمینی در تهران به پاریس رفته است .

ایرانیان آگاه نزیه را یک چهره مهم در پشت صحنه سیاست ایران تلقی می کنند . هواداران او می گویند نزیه احتمالا یکی از اعضای دولت انقلابی آیت‌الله خمینی است . نزیه ، یکی از مخالفان قدیمی شاه‌که‌دوبارتوسط پلیس مخفی، ساواک ، دستگیر شده است دوست شخصی بختیار است اما معتقد است که او باید استعفا دهد و به‌آیت‌اله خمینی اجازه بازگشت به ایران رابدهد .

نزیه جمعه‌پیش‌باچندخبرنگار خارجی ملاقات کرد وهدف های آیت‌الله خمینی رابر شمرد و کوشید نگرانی های غرب را از جمهوری اسلامی‌آیت‌الله‌العظمی و محکومیت های خارجیانی که ایران را غارت کرده‌اند ، بر طرف‌کند . نزیه گفت از گفتگو‌هایش باآیت‌الله خمینی به دو نتیجه رسیده است . آیت‌اله باهیچ حکومتی که سلطنت را از بین نبرد مصالحه نخواهد کردو وی اصولا خواستار هیچ مقام حکومتی برای خود نیست .

به گفته منابع ایرانی ، آیت‌الله خمینی که خواستار جمهوری اسلامی در ایران‌است بی میل ترین افرادبرای دردست گرفتن یک چنین جمهوری‌است. کارشناسان امور ایران می گویند روحانیون به طور سنتی ترجیح می دهند که نقش وجدان ملت را بازی کنند نه‌نقش فعالی را در حکومت . امابه گفته همین منابع ، نزدیکان آیت‌الله خمینی مانند دکتر یزدی می خواهند قدرت رادر دست بگیرند و آنها به‌آیت‌الله العظمی بسیار نزدیک هستند . در بین آنها نیز درمورد شکل جمهوری اسلامی اختلاف‌نظرهائی وجود دارد .

نزیه گفت آیت‌الله خمینی می خواهد با نیروهای مختلف که‌در ایران فعالیت می کنند رودررو تماس بگیرد .

وی افزود آیت‌الله خمینی مرد بسیار آگاهی است و می خواهد از نظریات دیگران نیز آگاه شود .

در یکشنبه پیش ، آیت‌الله خمینی احساس کرد که دیگر نمی تواند انتظار بکشدو اعلام کرد به ایران باز می گردد . نزدیکان وی نیز از جمله های روزانه به بختیار خودداری کردند و حتا به نحوی مصالحه جویانه سخن گفتند و خود آیت الله خمینی نیز از انتشار بیانیه خودداری کرد .

نزیه گفت این امر باعث شد تا بدین فکر افتد که از بختیار بخواهد به‌پاریس‌بیاید ومستقیما با آیت‌الله خمینی معامله کند . سپس فرودگاه ها به روی آیت‌الله العظمی بسته شد وهمه چیز تغییر کرد .

نزیه گفت بختیار تلفنی بمن گفت بسته شدن فرودگاه ها کاز او نیست و ارتش چنین‌تصمیمی گرفته است . اما او همچنین گفته است که فکر می کند کنترل اوضاع رادر دست دارد . ازاو پرسیدم اکنون نیز میتواندچنین ادعائی بکند در حالی که نتوانسته است جلوی ارتش را در اشغال فرودگاه ها بگیرد . نزیه‌افزودآیت‌الله‌خمینی‌اطمینان دارد که بسته شدن فرودگاه ها بدستور بختیار بوده‌است .نزیه افزود به عقیده وی دیگر هیچ فایده‌ای در ترتیب دادن یک ملاقات بین بختیار و آیت‌الله خمینی‌وجود ندارد .

نزیه گفت آیت‌الله خمینی در سخن از جمهوری اسلامی کاملا لزوم یک زندگی آزاده منش در کشور آگاه است . وی افزوداز‌آیت‌الله العظمی‌پرسیدم آیابه عقیده ایشان زن باید چادر سرکند ودر خانه بماند پاسخ داد از نظر او زن باید در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور شرکت جوید . نزیه گفت به عقیده آیت‌الله مساله قطع روابط دیپلماتیک با هیچ کشوری مطرح نیست . از جمله ما از آمریکا به جای خریدن اسلحه ، تجهیزات کشاورزی و غیره خریداری خواهیم کرد .

۳٦ نفر درگرگان مجروح‌شدند

گرگان ـ خبرنگار آیندگان ـ روز گذشته مردم گرگان به قصد راهپیمائی در مسجد «بیارجمند» این شهر اجتماع کردند اما قبل از اینکه به خیابان ها بیایند ماموران انتظامی مخالفت خود را با راهپیمائی مردم اعلام کردندو باپرتاب گازاشک‌آور و تیراندازی اجتماع کنندگان را متفرق ساختند.

درپی این ماجرا جامعه فرهنگیان طی‌انتشار اعلامیه‌ای از مردم گرگان خواست در دبیرستان واتقی گردآیند و راهپیمائی خود را انجام دهند که در اینجا نیز با مخالفت ماموران مواجه شدند.

ماموران انتظامی سپس در نقاط مختلف شهر به حرکت درآمدند و مبادرت به‌تیراندازی کردند که‌منجر به زخمی شدن ۳٦ نفر و کشته شدن یک نفر شد.

تیراندازی ماموران‌انتظامی گرگان تا شب‌هنگام ادامه‌یافت و براساس گزارش خبرنگار ما درمیان زخمی شدگان یک کودک ۲ ساله نیز دیده می شود.

بودجه عمرانی شهرک «مالمیر» چه شد؟

بودجه‌ای که از سوی دولت در چند سال پیش برای عمران و آبادی شهرک مالمیر در سربند اراک اختصاص یافت معلوم نیست بچه مصرفی رسید و همه‌ی طرح های عمرانی در این شهرک که قرار بود با اعتبار فوق تکمیل و تحویل شود نیمه‌کاره بحال خود رها شده است .

ضمنا شرکت تعاونی روستائی در این شهرک اجناس را گران می فروشد و تبانی مسئول شرکت بنام غلامحسین محمدی باپاسگاه ژاندارمری «توانشت» باعث شده است که‌هیچ شکایتی در مورد سوء استفاده در این شرکت تعاونی بگوش مسئولان امر نرسد .

کشاورزان و خوش‌نشینان شهرک مالمیر اراک

اعلام همبستگی ۸ نفر از اعضاء انجمن شهراهواز

اهواز ـ اطلاعیه زیر از طرف هشت نفر از اعضاء انجمن شهر اهواز منتشر شد :

مردم شریف و خیرخواه اهواز چون‌تنی چند از اعضاء انجمن شهر اهواز در طی جلسات گذشته با تبلیغات عوام‌فریبانه و روحیه غیرمردمی و عدم همکاری و همگامی که با خواست ملت مبارز ایران مغایر بوده مبادرت می ورزیدند بنابراین بمنظور همراهی با موج دشمن‌شکن مردم ایران امضاء کنندگان زیر با اعلام پشتیبانی قاطع و بیدریغ از ندای‌حق‌طلبانه ملت قهرمان ایران به رهبری روحانیت مترقی و پیشرو و ضمن تائید خواست اساسی و بنیادی ملت به عنوان همبستگی با اعتصاب شکوهمند مظفر نموده کارکنان قهرمان نفت ـ فرهنگیان و دانشگاهیان مبارز ،سازمان آب و برق ، مطبوعات ، بازاریان ، صنایع فولاد ، راه‌آهن ـ استانداری ـ دادگستری ـ دارایی ـ شهرداری و سایر موسسات ملی و دولتی به صفوف ملت ایران آنجا که جای واقعی وحقیقی همه ما است می پیوندیم . بنابراین مابرگزیدگان مردم شریف اهواز با این افتخار تحقق آرمانهای مقدس ملی از انجام تشکیل جلسات انجمن شهر خودداری خواهیم کرد .

حاج رحیم پورمحجی ـ دکتر غلامرضا ایرانی ـ حاج عبدالرحیم نمکی ـ عبدالرضا خادمی ـ منصور سلامی ـ سدعلی منصوری ـ اردشیر مجتبائیان ـ هادی الهی

مسعود رجوی، ازبنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق:

بتی رفته، اما بت‌پرستان هنوز هستند

● عقیده هرکس وجهاد و مبارزه هرکس یاهرگروه محترم است

مسعود رجوی زندانی از بند رسته و عضو سازمان مجاهدین خلق در یک برنامه سخنرانی که در دانشگاه تهران ترتیب یافته بود شرکت کرد .

در این اجتماع چند هزار نفری با وجود ریزش برف و هوای سرد ، عده‌ای در بیرون سالن اجتماع کرده بودند . مسعود رجوی دراین سخنرانی خطاب به تمامی مبارزان آگاه و همه مردم ایران هشدار داد که از تفرقه بپرهیزند و نگذارند که عوامل داخلی ، پیروزی بر دشمن خارجی رابه عقب بیاندازند . مسعود رجوی‌چنین آغاز سخن کرد :

بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران و بنام تمام شهدای خلق و بویژه شهدای دانشگاه شهیدانی که‌بما آزادی بخشیدند . آزادی‌خجسته آزادی ، گفتم آزادی یعنی روح ، جوهر وماهیت انسانی آن چیزی که شهدابخاطرش جان باختند، اسرا بزندان افتادند ، تبعیدیان مهاجرت کردند و خلق قهرمان قیام کرد ، آزادی ـ این آنچیزی است که شمابه ما بخشیدید،خواهران ،برادران، بایستی بعرض‌تان برسانم که قراری نبود من صحبتی داشته باشم هم‌به علت بیماری و هم‌به علت‌کثرت بازدید های این روزها ، یعنی محبت های شما خواهران و برادران ،توی راه که می آمدم فکر کردم که طبعا چیزی ندارم جز کمی حرف دل و کمی درددل و کمی هم گزارش مربوط به ۱٤ سال فعالیت سازمان و ۷ سال زندان بخصوص چیزی که صحبت کردن را برایم‌مشکل میکند ، بیان آن احساسی است که فی‌الواقع در قلبم و قلب تک‌تک برادرانم وجود دارد .

لحظاتی هستند که فکر نمی کنم نه تنها من ، بلکه هیچ‌کس توان وصف آنها را داشته باشد ، مثلا لحظه دستگیری لحظات رنج وعذاب لحظه‌ای که باشهیدی وداع میکنید ، لب های تبدارش را می بوسید و طنین قبلش را می شنوید لحظه‌ای که با فریاد شکنجه خواهرتان و یا برادرتان از خواب می پرید و یالحظه‌ای که خبر شهادت خواهر و یابرادری را میشنوید ویا لحظه‌ای که خلق قیام می‌کند و شما را آزاد می کندو به آغوش خلقتان باز می گردید چیزی که در خواب هم نمی دیدید ، البته شاید شعرا ،ادبا، بتوانند این لحظات را وصف بکنند ، گنجه‌ای ها ، گرمارودی ها بتوانند این لحظات‌را وصف کنند . وقتی ما رفتیم تنها رفتیم با چشم های بسته ما را بردند بردست ها و پاهایمان چیزی جز زنجیر نبود اما وقتی برگشتیم در آغوش مردمانمان بودیم و بردستهایمان گل بود و برچهره‌هایمان بوسه ، آیا میشود این لحظات را وصف کرد . جای شهیدان خالی ، آنهائی که درمیان مانیستند ، نه...نه.. هستند ، حتما هستند ، اگر مزارشان ناپیداست میلیون ها مزار در سینه تک‌تک مردمان این سرزمین دائما در حال طپش است ، چرا که شما ، مردم هم با آنها بودید ، وقتی آنها شکنجه میشدند ، این خلق ایران بود که فریاد میکشید ، وقتی درمقابل جوخه‌های اعدام قرار می گرفتند ،این مردم‌ایران بودند که اعدام میشدند ، شماهر رگهای آنها جاری بودیدو آنها الان در سینه‌های شما هستند پس شهیدان هستند ، وقتی مارفتیم آسمان تیره‌و تار بود . گهگاه ستاره‌ای در کسوت یک شهید میدرخشید ولی پاسداران شب بسرعت پائینش می‌کشیدند ، ولی امروزآسمان غرق ستاره‌هاست همه‌جا شهید ، کاروان کاروان شهید وقتی رفتیم پائیز بود زمستان بود .

تک‌تک‌لاله‌هایی که دست های سیاه آنها را پرپر می کرد اما امروز همه چهره شهر های ما لاله‌زار است ، این جوان ها ، زنها و مردها که هر روز برکف خیابان ها افتادند و میافتند مادر زندان بطور تصادفی توانستیم فیلم چند دقیقه‌ای از کشتار دانشگاه راکه من فرزندش هستم ، ببینیم ، خروش رادیدیم ، فریاد را دیدیم، شهدا را بچشم دیدیم ـ آنروز دیگر دانشگاه تنها دانشگاه نبود ، شهادتگاه شده بود.

دانشگاه های مایک لحظه در سیاه ترین زمان ها از خروش‌بازنیایستادند و نمی ایستند تبلور شرف این مردم بودند.

آنقدر دامنه کار شما وسعت داشت که طنین‌اش از میله‌ی فولادی و از دیوار های بتونی می گذشت و بماروح‌میداد روحیه‌میداد وزنده‌مان میداشت . آخر آنها می خواستند ما بپوسیم ، شما چه که نکرده‌اید و چه‌افتخاری امروز نصیب من شده است که درمقابل آگاه ترین و صمیمی ترین پیشاهنگان این مردم بتوانم تعظیم را نثار کنم ، نه گارد،نه چماق بدست‌ونه‌رگبار نتوانست فریاد دانشگاه راخاموش کند ،چرا ؟ برای اینکه مظهرحیات این خلق بود ، مظهر زندگیش بود ، مگر نه اینست که حیات چیزی‌نیست جز عقیده و جهاد ، درود بر دانشگاه بهمین دلیل ما هم‌امروز برای زیارت آمدیم به دانشگاه مردم ، نشانه‌اش هم هجوم تمام مردم از عموم خلق و اقشار خلق و کارگران دلیر که تاریخ هیچ وقت فراموش نخواهد کرد که درچه‌روزهای حساسی سرنوشت ایران در دستشان بود ، نفتی ها ، برقی ها و اصولا عموم اقشار و طبقات مردم .

آری مسئولیت شما زیاد هست و خیلی هم زیاد است گفتیم برای زیارت آمدیم و هنوز طنین لااله‌الاالله رادر گوشمان داریم تمام خلق ایران دارد و تمام تاریخ ایران خواهد داشت تمام جهان شاید این صحنه کشتار را دید و گریست ولی آیا میدانید تفاوت گریه شما با سوزجگر فرزندانتان در زندان چه بود ، آخر ما در بند بودیم ، فریاد کشیدن هم مشکل بود ، گاه گریستن هم مشکل بود چه میشد کرد ، بما گفته بودند خلق ، کدام خلق ؟ آنهایی که در زیر شکنجه ها خلق را می‌طلبیدند . خدا و خلق را بیاری می طلبیدند.

ـ گفتند کدام خلق . بمانید و بپوسید ، اینجا جزیره‌ثبات‌است،اینجا بهشت سرمایه‌داران خارجی شده بود ، اینجاصحنه جشن های باصطلاح جاودانگی رژیم شده بود ، می گفتند تمام شد ، دیگر خبری نیست خبری هم نبود ، در ظاهر خبری نبود ولی بیخبری هم نبود و الا این تحولات عظیم یکسال و دوسال اخیر یک لحظه که ایجاد نشدند ، پس همه خبر داشتند، همه درد داشتند و همه با فرزندان مبارز و مجاهدشان همدردی داشتند ، بله گفتند ، کدام خلق ، ولی ما می گفتیم : آیا صبح نزدیک نیست

از پشت میله ها و از پشت پنجره ها نگاه می کردند ، فرزندان شما ، برادران شما و خواهران شما زمزمه می کردند ، آیا صبح نزدیک نیست ؟

پس این یاری خدا کجاست ، مگر میشود خورشید را کشت ، مگر می شود باد را از وزیدن بازداشت ، و باران را از باریدن . مگر می شود اقیانوس را خشک کرد ، مگر میشود بهار را از آمدن بازداشت و مانع روئیدن‌لاله‌ها شد ، و مگر می شود ملتی را تابه‌ابد اسیر نگه داشت .

مگرمی‌شود خلقی را تا به‌ابد در زنجیرنگه داشت نه ... نه ...

چرا ؟ زیرا خواست خداست ، اراده خلق است ، سنت تاریخ و قانون اجتماع است میعاد خداست ، میعاد تخلف ناپذیر،بله سنت‌خداست ـ سیر تاریخ است .

بشارت همه انبیا ، پیام‌آوران ، مصلحین و انقلابیون بزرگ جهانی ، این است، خلق پیروز می شود ، آینده تابناک است همه قوا و استعداد های فرزند انسان از شامگاه امکان قطعا به بامداد تحقق خواهد پیوست یک روزبما گفتند که قم قیام کرده این زنان و مردان انقلابی قم قیام کردند . شهید دادند ، درود برقم .

بعد نوبت به تبریز رسید ، خاطره ستار و باقر زنده شد ، تبریز قهرمان، تبریز آزادی‌ستان قیام کرد ، در روزنامه هاخواندید گفتند،عده‌ای از آن طرف مرز آمدند و رفتند عجب ، ۳٦ میلیون نفر شبها از آن طرف مرز می آیند به‌این طرف و صبح هم غیب می شوند ، معلوم نیست چطوری ، مثل اینکه دوران ، دوران جادوگران است ، بعد در روزنامه‌هایشان اعلام کردند که، تمام شد دیگر خبری نیست، اما یکی‌یکی نوبت رسید به شهرها ، جهرم ، شیراز ، یزد ، اصفهان ، مشهد ، همدان ، کرمان و ... قیام کردند درود براین شهر ها درودبر شهدا وبعد در ۱۷ شهریور تهران بزرگ به عهد خود وفا کرد .

ایکاش ما میبودیم در مقابل آن صفوف و شنیدیم که مادرانمان ، خواهرانمان بودند که با گلوله های امریکایی و انگلیسی سینه و سرهای آنها شکافته شد آیا آن لحظه را می شودوصف کرد ، احساس می کنید که فرزندانتان در آن لحظه درچه حالتی بودند . درود برتهران‌بزرگ. ولی کشتار فایده‌ای نکرد . زیرا شما دانشجویان نشانه طلوع صبح بودید ، نشانه پایان شب بودید . نشانه نسل جدیدی بودید ، بله کشتار فایده‌ای نکرد یک پارچه خون و آتش شده بود همه شهر ها و روستا های ایران ، حتی ما هم از پشت دیوار های بتنی ، گاه شعار ها را می شنیدیم ، موج اعتصابات ، موج اقدامات‌متهورانه انقلابی ، سراسر کشور را فرا گرفت ، بله ما می شنیدیم ، جانبازیها ، فداکاری های کارگران نفت و برق و مخابرات و همه کارگران را ، بازار را و دانشگاه را ، بله این خلق و شما بودید که اسیرانتان را می خواستید و مساله مساله این اسیر و آن اسیر نبود .

حرمت مردم خدشه‌دار شده بود ، قدسیت آزادی خدشه‌دار شده بود ، در آن روز ها ما در زندان چه می توانستیم بکنیم ، جزاینکه چند روزی نان را برخودمان حرام کنیم و دست به اعتصاب غذا بزنیم . و بالاخره یک روز خواندیم و شنیدیم که بت‌شکسته شد و تندیس‌ها فروکشیده شدند و خلق اولین قدم پیروزی را برداشت‌درود به خلق قهرمان و درود به شهدای خلق قهرمان نکته‌ای را که باید تاکید کنم و لابد همه میدانید و بخصوص پیشاهنگ میداند ، اینست کماهنوز در آغاز راهیم ، بتی رفته ، ولی بت‌پرستان‌هنوز هستند ، امپریالیستها هنوز هستند ، از آن‌سوی دریاها مدام برای ما نقشه می کشند ، طرح می ریزند ، هشیاری بسیار زیادی‌می‌خواهد ،احساس مسئولیت بسیار زیادی می خواهد .

میدانید امروز دوتا مساله مهم ما داریم ، یکی خارجی یعنی ، امکان هجوم امکان‌یورش‌و کودتا و همه آن طرحهای ضدانقلابی فاشیستی که میدانیدویک داخلی‌در داخل صفوفخودمان، در این شکی نیست که علی‌رغم همه فراز ونشیب ها ، همه نوسانها ، این کشتار و کودتانخواهد

(بقیه در صفحه ۱۱)

درگذشتگان

با نهایت تاسف درگذشت مادر عزیزمان شادروان صدیقه گرگری (منفردزاده) را به اطلاع دوستان و نزدیکان میرساند . ساعت ۲٫۳۰ تا ٤٫۳۰ روز دوشنبه ۹ بهمن در سالن شماره ٥ (پنج) بهشت‌زهرا و ساعت ۲ تا ٤ روز سه‌شنبه ۱۰ بهمن در مسجد فخرالدوله واقع‌در دروازه شمیران یادش را گرامی خواهیم‌داشت.

ابوالقاسم ـ فرزانه ـ اسفندیار ـ بهمن ـ فریدون ـ علیرضا و نادر منفردزاده و خانواده های تمجیدی ـ رجبی ـ یکانی ـ فاطمی ـ پزشکی ـ اسماعیل‌زاده ـ رکوعی ـ احمدی .

همدردی

سرکار خانم سهیلی

بدین وسیله فوت استاد گرامی شادروان سلیمان فاتحی را صمیمانه تسلیت می گوئیم .

سعید هومانی

ناگزیری واقعگرایی در ادبیات

آشنایی با کتاب: «نگاهی به تاریخ ادبیات جهان (تاریخ رئالیسم)»
تالیف: ماکس رافائل
ترجمه‌ی: محمد تقی فرامرزی
انتشارات شباهنگ تهران
تابستان ۱۳۵۷

تاریخ رئالیسم «کتاب پر ارزشی در زمینه‌ی تاریخ ادبیات جهان است. ماکس رافائل بکمک پژوهشهای علمی‌خود که‌زاییده‌ی تلاش های مستمر و تحسین برانگیز اوست، نشان می دهد که در طول تاریخ، اندیشمندان - نویسندگان و شعرا - متوجه‌ی تاثیر واقع‌گرایی در ادبیات بوده‌اند. اما چگونگی‌زایش و پویش این مکتب تاریخی طولانی و پرفرازو نشیب دارد. از ابتدای بوجود آمدن تفکر، که نتیجه‌ی تحول ابزار های تولید و بدنبال آن زبان بوده است؛ انسان کنجکاو، در دنیای عینی پیرامون خود در فکر استفاده از راه ها روشنایی‌بود، تاآرمان‌هایش را بثمربرساند. همخونی مذهب و هنر در مراسم تعبدی - جادویی، مبین آنست که انسان های اولیه بنابه باور های ابتدایی خود بر آن بودند تا بر نیرو های مافوق قدرت خود فایق آیند و آنهارا «رام»، و در مسیر هدف ها و آرزو های محدودشان بکار گیرند؛ نقوش ماموتها بر دیواره های غارها بدین سبب بوده تاباترسیم هیاکل غول آسایشان، روحشان را تحت‌تسلط خود درآورده بتوانند بعدا آنها را شکار کنند. در هر صورتبندی Formatjon تاریخی، تفکر جامعه انطباقی شالوده‌ای با روابط تولید و فرهنگ ناشی از آنها داشته است. با دریافت آنکه تفکر در مراحل تحولی خود بمثابه‌تابع‌رویدادهای‌عینی جامعه‌است،نظریه‌ی علمی ماکس رافائل قبول خاطر خواهدافتاد که«هنر در سراسر تاریخ، یار باوفای انسان بوده، همراه با تکامل وپیشرفت فکر بشر تکامل یافته وپیشرفت کرده است.» ص ۸

هنر که قسمتی از کالبد معنوی جامعه است، همراه دیگر شکلهای روبنایی جامعه تابع دگرگونی ها و تحولات شکلهای تولیدی اجتماع است. پس در هر نظام تولیدی درهر جامعه‌ی معینی هنر پیشرفت و هدفی دارد که عملکرد و تعارض آن بیرون از اندیشه‌ی کلی جامعه نخواهد بود: مثلا در صورتبندی برده داری، در روم و یونان، اندیشه‌ی مسلط بر جامعه تقدیس عمل برده دار ها، توجیه‌قوانین وحشیانه‌ی آنها و اصرار بر پابرجایی این نظام داشت. لذا هنر این دوره ریشه ورنگ و رویی برده دارانه داشت. نمایشنامه ها صرفا به بیان جنگها، مدح پیروزی ها و موضوع های غیر واقعی پرداخته، زندگی برده ها را آنقدر ناچیزو بی‌اهمیت می‌شمردند که آنرا لایق انعکاس در آمفی تئاتر ها نمی دانستند. بر شعر ها و داستان های این زمان، سایه های خوب و بد مذهبی وایدآلهای ماوراءالطبیعه‌ای سیاهی می زد. آشکاراست که این سنت های فرهنگی - ادبی از کجا جانبداری و چرا اشاعه داده می شوند.

❀هر اندازه که روش های تولید مترقی تر از گذشته می‌شود، جهان بینی و میراث فرهنگی انسان غنی‌تر می‌شود.

هر قدر که روش های تولید مترقی تر از گذشته می شد. میراثهای فرهنگی هم غنی‌تر گشته، جهان بینی انسان گسترده تر و نیاز - هایش متعالی تر می شد. پس در هنر، واقع‌گرایی فورا و بدون پسزمینه های اجتماعی بوجود نیامده، بلکه همراه تحول فرهنگ های جوامع انسانی تکامل یافته است. ماکس‌رافائل پیدایش واقعگرایی را از موقعی می داند که مردم پی بردند «اعمال و افکار انسان از هیجانهای سرکش یا نقشه‌ی الهی ناشی نشده بلکه از علتهای واقعی، یا اگر دقیق‌تر گفته باشیم، از علتهای مادی سرچشمه می گیرند» ص ۱۲ او آثار واقعگرایانه‌ی قبل از آنرا، مقدمه‌ای بر واقعگرایی اصلی و خلق آنها را ناآگاهانه می داند. علت آنکه این آثار ازلحاظ واقعگرایی بالغ و کامل نیستند بدین علت است که هنرمند خالق آنها از جهان بینی واقعگرا، منطقی و تحلیل گرایانه برخوردار نبوده بلکه متاثر از هنجار های فرهنگی موجود جامعه‌اش می بود. مثلا غول‌ادیبی چون شکسپیر، با آنکه شاهکار هایش سهم بزرگی در میراث ادبیات جهانی دارند و با تصویر بی ایمانی لیرویاآتللو به بشریت، آنرا تماما نتیجه‌ی تضاد های خود زندگی می داند اما»...

جهان‌بینی شکسپیر نیز از مفاهیم عرفانی و خیالی مبرا نیست «ویا» سروانتس بادن‌کیشوت خود تصویر کاملی ازاسپانیای‌آن زمان ارائه نمی دهد.» ص ۱۹

چرا آثار پیش از دوره واقعگرایی‌اصلی و ستیزنده، دارای نواقص و ضعفهایی از این دست هستند؟

پاسخ روشن است: هنرمندان آن زمان ناتوان از درک علتها، تضاد ها و باور های جامعه‌ی محل زیست خود بوده و اگر در یک زمینه به آگاهی ابتدایی از بعضی از تفاوت - های طبقاتی جامعه می رسیدند آنرابر زمینه‌ای منقوش از رنگ های تند خیالپردازانه‌ی حدس و گمان رقم می زدند. با آنکه شکسپیر برای ترسیم جامعه بمثابه‌ی پیکار منافع متضاد مادی، مجبور بود به مطالعه‌ی تحلیلی آن بپردازد - که چنین هم کرد و شالوده‌ی واقع‌گرایی را پی افکند - اما هنوز این تلاش تا طلوع آن واقعگرایی سرزنده و ستیزنده که طبیعت ثانوی انسان بود، فاصله‌ی زیادی داشت. هنرمند پیروی واقعگرایی احتیاج‌چند وسیله و همراه مهم داشت.

❀«اعمال و افکار انسان از علت های واقعی سرچشمه میگیرد»

او می باید بتواند دنیا را بطور صحیح بشناسد، تاریخ را درست درک کند. علت تضاد های طبقاتی را دریابد و با مردم‌زمانش همراه باشد. با این شرایط او می تواند به شناخت سالمی از انسانها نایل آید و شخصیت های واقعیی بیافریند که قابل قبول منطق جدلی تاریخی باشند. لازم است در این مورد از مولف مدد بگیریم که نگرش چندتن ازهنرمندان معروف جهان نسبت به تاریخ چگونه بوده‌است و بسیاری از آنها تاریخ را چرا مجموعه‌ای از هرج و مرجها یا تقدیر از پیش تعیین شده‌و یا سیرتسلسلها می دانستند. نیچه بنابه جهان بینی منحط خود که: تاریخ چیزی جز تکرار نیست، اصرار می ورزد که سعی نکنیم شکل کنونی بردگی را درهم بکوبیم چرا که در تمام تاریخ این بردگی به شکل های گوناگون ظاهر شده است. او در اظهار نظر درباره‌ی کارگران و در دفاع از حکام بورژوازی، در کتاب «غروب خدایان» می نویسد: «کارگررا برای مبارزه آماده کرده‌اند. به او حق تشکیل اتحادیه و حق سیاسی برای رای دادن‌داده‌اند، پس دیگر جای تعجب نیست که او زندگی‌خود را ناگوار بداند... کسی که می خواهد برده داشته باشد ولی با وجود این آنها را مثل یک استاد آموزش می دهد یک احمق تمام عیار است» ص ۱۵۳ چنین است که نیچه در حد یک نژادگرای منحط از نقش تعیین کننده‌ی‌ابر مرد ها - زرتشت - در تاریخ جانبداری کرده، نقش تاریخی توده ها را فراموش می کند. هگل که حد واسط اندیشه‌ی ایدآلیستی‌قبل از نیمه‌ی قرن نوزدهم و ظهور تحول اندیشه‌ی علمی بعد از آن است عقیده دارد که تاریخ یک جریان صرفا منطقی و نه یک جریان مادی است. جهان‌بینی مادیگرایانه ایدآلیستی او خبر از سقوط اندیشه های جزمی پیش از خود وظهور جهان بینی علمی و ستیزنده‌ی بعد از او می‌داد که مددرسان واقعگرایی هنر طرفدار انسان است.

اثبات این موضوع که جهان‌بینی علمی چگونه بوجود آمد و بازگویی‌اش در این مقاله بیهوده است. ماکس رافائل عقیده‌دارد از آن موقعیکه اعتقاد به تاریخ بمثابه‌ی مجموعه‌ای از روند های قانونمند شکل گرفت واقعگرایی به راه صحیحی افتاد و نتایج خارق‌العاده‌ای ببار داد که «سرخ و سیاه»، «ژان کریستف»، «جنگ و صلح»، «مادر» و «باغ آلبالو» مختصری از محصول آن‌هستند. او می نویسد درک درست و منطقی از تاریخ که تاریخ، تحول مستمر تولید مادی است - توسط ایدئولوگها و نویسندگان بورژوازی تخطئه شده و بوسیله‌ی شعور بورژوازیی که «دیگر نمی خواهد و نمی تواند تاریخ را بمثابه‌ی یک روند بنگرد و از درک مفهوم و مضمون دگرگونیهای جهان عاجز است سرکوب می گردد. ص ۱۶۶

در رابطه با موضوعات یاد شده‌ی بالا، باید تاکید کرد که هنرمند نیازمند شناخت درست از مردمی است که درباره‌اشان می نویسد. اما این شناخت چگونه بدست می آید؟

او باید علت مادی تضاد ها و تفاوتهای اجتماعی را بشناسد. چگونه بدین قطب نما دست خواهد یافت؟ فلسفه‌ی علمی متحول را مطالعه کند و با مردمی که درباره‌شان می نویسد آشنایی نزدیک داشته باشد. مولف ثابت می کند تا «موفقیت تولستوی در ارائه‌ی شاهکار هایی که در ادبیات قرن نوزدهم‌تازگی داشت ناشی از نزدیکی او به توده های تحت ستم و شناخت درست او از حرکت های اجتماعی بود که در مرحله‌ی انقلاب بورژوا دموکراتیک منجر بیک انقلاب سوسیالیستی می شد. این نزدیکی به مردم در تقویت‌کیفیت حماسی واقعگرایی، کیفیتی عظیم که تدریجا در ادبیات واقعگرای قرن نوزدهم اروپای‌غربی بدست فراموشی سپرده می شد، موثرافتاد «و همینطور:» این میراث تولستوی بودکه‌در ادبیات، گورکی را زایاند و اصلا بدون شیوه‌ی هنری‌تولستوی واقعگرایی‌سوسیالیستی ادامه نمی یافت و حتی بدون این سنت بسیاری از شخصیت های ادبیات شوروی آفریده‌نمی شدند...» ص ۲۱۰

مولف علت ضعفها و کاستی های بعضی از آثار واقعگرای قرن نوزدهم را در فرهنگ هنرمند و آشفتگی جهان بینی او می داند. در مقایسه‌ی بالزاک با استاندال چنین نتیجه گیری می کند: «گو اینکه بالزاک هنرمندی است که ادبیات واقعگرا را «ادبیات عقیدتی» نام می نهد اما فرق او با استاندال در آنستکه بالزاک در «درخت سیزدهم»، در شناخت‌برخی از جنبه های مهم زندگی با شکست مواجه می شود. استاندال تضاد های اجتماعی را زنده تر و در واقع به مراتب زننده تر و کوبنده تراز بالزاک آشکار کرد. علت این امر آنست که استاندال به مثابه‌ی یک نویسنده‌ی‌دموکرات

❀جهان بینی شکسپیر نیز از مفاهیم عرفانی و خیالی مبرا نیست.

به بررسی جامعه می پرداخت و این حقیقت که جامعه‌ی بورژوایی دشمن منافع حقیقی مردم است، در نظر او امری مسلم بود تا در نظر بالزاک که تحت تاثیر جنبه های محافظه کارانه‌ی جهان بینی‌اش تصویری نسبتا تیره‌و تار از زندگی‌داشت.» ص۱۳۵ بعد ازتولستوی که ادبیات در هر زمینه‌ای برای شناخت درست تر از انسان و یافتن موثر ترین مفاهیم برای ادراک ضرورت رزمندگی علیه موانع ارتجاعی رفاه و پیشرفت زندگی تلاش ورزیده است، هنرمند واقعگرای دریافته است که می باید از مناسب ترین اصول رهبری خواننده بسوی «نیکی» (از دیدگاه رومن‌رولان) استفاده ببرد. ماکس رافائل می آورد: «واقعگرایی سوسیالیستی در کشور های سرمایه‌داری نیز بنیانی محکم می گیرد. آراگون، الوار،نکسو، پراتولینی و پابلونرودا که جملگی نویسندگانی با نظریات سوسیالیستی هستند منطقا به اتخاذ شیوه‌ی واقع گرایی سوسیالیستی روی آورده‌اند. زیراجریان‌های اخیراجتماعی رادر چارچوب شیوه های خلاق پیشین، منجمله شیوه‌ی واقعگرایی انتقادی، نمی توان‌شناخت و مجسم کرد.» ص ۲۳۰

در تحلیلی کلی واقعگرایی، از چند مرحله گذشته است: (۱) واقع گرایی ابتدایی - آمیخته - به رنگ و بوی رمانتیسیم و پندار گرایی (۲) واقع گرایی بورژوایی، که ترقی سرمایه‌داری را شکل طبیعی تکامل اجتماعی دانسته است (۳) واقعگرایی انتقادی - که بانگرش گزارش گونه و تحلیل گرایانه‌تعارضات اجتماعی را نشان می دهد. و بالاخره (۴) واقعگرایی سوسیالیستی.

از نوابغ واقعگرایی سوسیالیستی‌گورکی است. مولف عقیده دارد که هنر گورکی: «که تجلیل از آزادی انسان است، هنری است اساسا بشر دوستانه. انسان گرایی گورکی که با انسان گرایی انعکاس بسیاری از واقع گرایان انتقادی وبویژه تولستوی متمایز است، یک انسان گرایی فعال است.» ص ۲۴۲

کتاب «تاریخ رئالیسم» می تواند در دانشکده های ادبی کشورمان بعنوان کتاب آموزش تدریس شود و جای خالی طولانی خود را پرکند. مترجم در ترجمه - همانطور که قبلا با ترجمه های‌ارزشمندو بجای‌خودنشان داده است - از زبانی یکدست و دقتی امینانه بهره‌مند بوده است. گاه در کتاب با واژه‌های تازه و اصیل زبان فارسی روبرو می شویم. مثلا: عفوانه‌ویانمسار. همینطور اشعار ترجمه شده در کتاب ظرافت و زیبایی نهفته در قلم مترجم را می رساند.

نمونه:

پیامبران دروغین مدعی‌اند که ما به ساحل
دور دست آرزوهایمان رسیده‌ایم
میگویند سرزمین موعود، همینجاست،
وراهی درازو بس دراز در پشت ما است.

«پتوفی»

هاشم حسینی

محمد علی سپانلو

یک نام

به یاد گمشدگان سیاسی

طرح از کامبیز درمبخش

درست پنج سال گذشت
زگمشده اثری نیست.
جز آخرین کتاب که خوانده است
(نهاده چوب الفی درمیان اوراقش)
و یک پیام که برتکه کاغذی دیدند:
«نمی‌توانم حاضر شوم، عزیز، گرفتارم»
از او نشانه نمانده است.
و مادری که در آن صبح های بی پاسخ
بر آستانه دروازه، بانگهبانان
عتاب و پرسش داشت،
به اشک و نفرین این پنج سال را سر کرد،
و عکس نوجوانی او
که در ستون گمشدگان هیچگاه چاپ نشد
همیشه یک عبث تلخ را مکرر کرد:
درست پنج سال گذشت.
ز لابلای ستون های روزنامه عصر
ستون کوچک اعدامیان
مدام ازوسط بوق پیشرفت ها
رژه رفتند،
و قبرهای تازه بی لوح
گاهگاه
پس از گذار ضوابط
(ادای فوری خرج گلوله دولت)
به حکم قرعه
به وراث واگذار شدند
درست پنج سال شبح راه رفت
و آخرین ظهورش
در آن شب سپید
کنار شیشه پیدای کافه قنادی بود.
بخار کوچک فنجان شیر کاکائو
نزول برف سر بام ها وراهگذر
و چشم هایی پر اشتیاق، پرسنده
که چلچراغ درخشان به مردمک هایش
ستاره هایی الماس گون سفر می‌داد
شنید:
«ساعت هشت دوشنبه.. حتما، حتما..»
حتما..»
پس از گذشتن این پنج سال
خیال بیرنگش درکافه نخستین ماند،
فقط نسیم گذشت
و گرد استخوان گمشده‌ای را
به چلچراغ کدر افشاند..
خیال کن شبحی بود
کز او نمانده اثر
به غیر نامی

در بولتن حقوق بشر.
تهران ۴ر۸ر۵۷

مـــرد

برای صفرخان

از مرد می نویسم،
مردی که سی بهار
از عمر خویش را
در شهر مانده است
بی آنکه شهر را
حتا
یک روز دیده باشد...

★ ★ ★

مردی‌ست روستائی.
در شهر بی قراران
دستانسرای رنج وشکیبائی
این مرد چارشانه
با قامتی رشید
باسینه‌ئی فراخ
و بازوان شکوه آئین
مردی‌ست ماندگار.
در مهد بی شکیبان
ایوب روزگار
پیشانی بلند پرآژنگش
آئینه تمام نمائی‌ست
از رنج های زندان
در سردسیر سخت سترون
گرم ومقاوم است صفرخان.

★ ★ ★

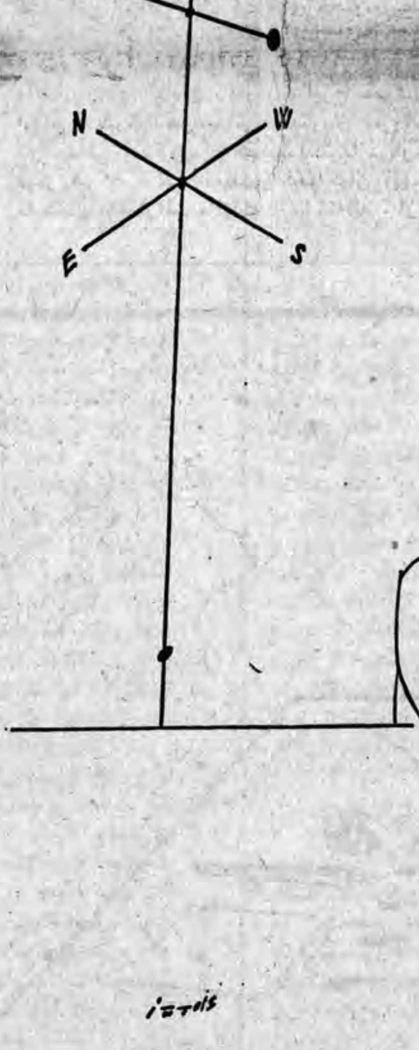
این مرد آذری
باچهره‌ئی به رنگ گل زیتون،
وآن دوتا فرشته مخمل‌پوش
در چشمخانه هاش.

مردی‌ست بی نقاب
در این شتای ساکن
همسنگ آفتاب،
از سی بهار پیش
مغرور وبی نیاز
چون سرو سرفراز
استاده برچکاد زمستان.
در گرمسیر عشق
رمز تفاهم است صفرخان.

★ ★ ★

این مهر شب نورد
بی‌آنکه خم به ابروی خاطر بیاورد
سی‌سال آزگار
- بی لحظه‌ئی امید به شوریدن بهار
برزمهریر قرن -
استاده استوار.
او ریشه بسته درگره خاک
و آغوش خود گشوده بر افلاک،
جا برده در پناه وجودش
بسیار ببر بندی سرکش،
بیتوته کرده است،
یک آسمان غرور در آغوشش.
در این ظلامخانه
شیدای روشنائی‌ست.
در اوج کامکاری اهریمن
چون آیه‌های سبز اهورائی‌ست،
بی خوف ازمهابت توفان
مرد تداوم است صفرخان

اصلان اصلانیان



دل مشغولی های دوربین بدست تنها

پنج تومانی را که میدهم به دور و اطراف نگاهی میکند و میگوید چند دقیقه‌ای صبرکنم و بسراغ بعدی میرود، از پشت تیغه آجری تازه کشیده که با خطوط موازی درانتها به سنگهای دودزده و نئونهای درهم پیچیده میرسد هیچ دیده نمیشود. پشتم را به دیوار میدهم و معطل میمانم. به اشاره پسرک بطرف دریچه کوچک آهنی میروم و با دیگران که ده نفری هستیم وارد راهرو تاریک میشویم، بوی آشنا که حالا بابوی نم درهم شده به دماغم می‌نشیند، همان بوی‌کاشیهای نفت‌کشیده که با کوران و جریان تندهوا ازته راهرو هجوم میاورد و از همان روز ها که ازمدرسه قاچاق میشدیم چون یاد عزیزی در مغزم‌ته‌نشین شده است.

راهرو تاریک باعکسهای ساکت وبی حرکت، از زیر سقف تا پایین، رنگی و سیاه و سفید، براق ومات‌بانوشته ها و هفت‌تیرها و کلاهها و اسبهائی که رم کرده‌اند و بانوک پنجه های براق سوار راوعده دشت میدهندو سرخپوست ها و مردک خوب آفتاب زده که ازخاطره ها پرواز میکند و از میان دره های خشک و آفتاب سوخته «فورد» میگذرد.

انگار به دخمه دیرینی پای گذاشته‌ام که همه‌چیز آن متعلق به قرنهای گذشته است ومن‌دو روغریب مانند روحی که‌دوباره به جهان پای گذاشته در دورترین، گوشه های ذهنم از هرکدام چیزی بیادم میاید. من پای در دخمه تنگ وقدیم «رمفلینی» گذاشته‌ام که‌عکس هایش در زیرتنفس سنگین آدمها محو میشدند:

این «کوپر» است، این همان پنجره‌ای است که روبه حیاط بود، این همان دختری است که روبان زردبسر دارد، این همان ولگردیست که عاشق بچه هاست، اینهم‌همان شیطان پیر است با آن چشمهای باشکوه که‌با خانمش از شانگهای آمده...

به کجا آمده‌ام، این دالان زمان است یا نقبی تاریک که مرا به وسوسه دیدار دوباره تمام کودکی‌ام تا بامروز میخواند چه‌جذبه‌ای در پشت این راهرو انتظارم را میکشد. با عبور از این دالان قدم در دنیای رنگ و نور میگذارم و وسوسه های گنگ جهانی که برمردمکهایم جاری میشود و تلالو نور، تپشهای سینه‌ام را تندتر میکند.

صدای تخمه‌ها که در میان دندانها می‌پکند با صدای آدمها و پچپچ ملایم درمیان تاریکی بگوش میرسد. سالن پراست و همه غرق درجذبه، سرخ پوست هلهله‌کشان میگذرد و از روی اسب لخت بی‌سازو برگ خود را بروی سرباز میاندازد، و وقتی او را خلاص میکند کنار دستی‌ام نفس بلندی میکشد و از پاکت تخمه های تازه‌ای برمیدارد.

بیرون که میایم هوا هنوز سرد است و دیوار ها شلوغ و صداهایی که همه فریادند و مشت هایی که به آسمان است، در میان جمعیت گم میشوم و هجوم سنگین آدمها مرا با خود میبرد، دستم خالیست و هوای‌دوربین میکنم.

نفس جمعیت رویم سنگینی میکند، یاد روز هایی می‌افتم که در رو صندلیها باشعله های آتش» میسوختم و با هر قهرمان «نبرد الجزیره» میمردم و وقتی پای از سالن بیرون میگذاشتم سردی خیابان ساکت و خلوت برپیشانی گر گرفته‌ام می‌نشست.

بهرگوشه که نگاه میکنم چون پرده‌ای شلوغ است که در آن فقط انعکاس فریاد و آتش است و ماشینهایی که در میان انبوهی از دودگم شده‌اند. و سربازانی که چون کودکانی بدنبال کودکان دیگر میدوند و با قنداق تفنگ هاشان بهرجا که میرسند میکوبند و شلیک میکنند.

بیاد رفیقی میافتم که میخواست بادوربین شلیک کند، هرثانیه‌ای بیست و چهاربار و دلش میخواست نعره‌اش را سوار برذرات‌نور به آنسوی دنیا رهسپار کند ولی در میان دیوار های‌سرد و نمور زندان ماند و انعکاسش را فقط خودش و جلادانش شنیدند و ان دیگری که دیروز با چشمهای گود افتاده و غریبه ورنجور در آغوشش کشیدیم، و از روز هایی گفتیم که میخواست دیوار ها را بانور نقاشی کند.

همه میخواستیم شلیک کنیم ولی همه را چرخ حادثه در میان پنجه های قدرتمندش پیر کرد و آن دیگران هم که در کنار حادثه راه رفتند پیه آوردند و حالا دوربینها روی دست هاشان سنگینی میکند.

پرده ها را دوسیاه پوشاند و درهای گیشه ها پایین آمد و تیغه ها بالارفت و همه ما قبل ازآنکه رهایی‌را مزمزه کنیم صداهایمان در گلوشکست و دستهایمان لرزیدن گرفت و من ماندم و من، بادوربین و حسرتی که از دیدن دیوار های سیاه روی دلم سنگینی میکند.

حالا هربار که دوربین در دستم درمیان این تنش سهمگین جمعیت گم میشوم و بدنبال دستهایی که روبسوی آسمان فریاد میزنند و مشتهایی گره کرده که مهربرپای شهادتنامه آزادی میکوبند، خود را چقدر تنها می‌بینم و عکسها چه سهمگین و پرشور برچشمانم هجوم می‌آورند، تمام اینها سهم من نیستند و من که باید گوشه‌ای از آنرا برای پسرانمان بگذارم چه تنها ودل مشغول دوربین رابردوش وچشم‌امیگذارم، چقدر غصه‌ام میگیرد وقتی بیاد آن روز ها میافتم که برای نمایش دورغ هایی که از قول ما به ریش تاریخ میبستندچه اریکه هایی بلند بزیرپای دوربین میساختند و برچه پایه های رفیعی آنها را به دروغگویی و امیداشتند و حالا من تنها و دل مشغول بلندترین جایی که می‌یابم شانه بغل‌دستی‌ام و دستهای قوی پسرکی است که مدام از من میپرسد فیلم را برای چه‌کسی میگیرم؟

- برای خودم، برای دلم - برای پسرم که روزی اینها را ببیند و به‌نامش‌افتخار کند.

حسن قلی‌زاده.

آیندگان خیابان شاه ـ چهارراه فروردین روبروی مسجد سجاد

تلفنخانه : ۹ـ ۶۶۳۱۷۱
هیات‌تحریریه : ۶۴۱۲۹۴ آگهیها : ۶۶۹۶۴۴
اقتصادی : ۶۶۴۷۴۹
ورزشی : ۶۶۷۶۳۷ نیازمندیها : ۶۴۸۴۷۴
تحریریه شهرستانها : ۶۴۱۶۱۵

گفتگوی اوریانا فالاچی با شاه ـ بخش سانسور شده‌ی کتاب مصاحبه با تاریخ (۲)

شاه : دنیای غیر کمونیست با از دست دادن ایـران همه چیز را از دست خواهد داد

همانگونه که در بخش اول این گفتگو به آگاهی رساندیم ، گفتگوی حاضر در سال ۱۳۵۳ (اکتبر ۱۹۷۳) یعنی پیش از تشکیل حـزب رستاخیز و بهبود روابط ایران و عراق انجام گرفته است . در ضمن یادآور می شویم که این گفتگو بخشی از کتاب « مصاحبه با تاریخ » اوریانافالاچی است که درنسخه‌ی‌فارسی‌ازآن سانسور شده است.

★ ★ ★

س : ولی یک لبخند شما کمیابتر ازیک ستاره افتان است . اما شما عالیجناب ، هرگز نمی خندید ؟

ج : فقط زمانیکه چیز خنده داری اتفاق می افتد . نه من از آنهائی نیستم که بخاطر چیزی مسخره بخندم شما باید بفهمید کـه زندگی من همیشه مشکل و خسته کننده بوده است . کافی است ۱۲ سال اولیه حکومـت مرا به خاطر بیاورید . رم ۱۹۵۳ ...مصدق.. به خاطر می آورید ؟ منظورم ناراحتی‌های شخصی خودم نیست بلکه منظورم ناراحتـی های من شاه است . قبل از اینکه یک مرد باشم ، من یک شاه هستم ، زندگی یک شاه همه‌اش یک ماموریت است که باید آنرا با اتمام رساند وبقیه‌اش بحساب نمیاید .

س : خدایا باید ناراحتی بزرگـی باشد . میخواهم بگویم ، شخص خیلی باید احساس تنهائی بکند تا به جای‌مردی شاهی کند.

ج : تنهائیم را انکار نمی کنم که بینهایت عمیق است . شاهی که بابت هر حرف و یا کاریکه انجام می دهد و می داند که نباید به کسی حساب پس بدهدمسلما خیلی تنها است. ولی بطور کلی تنها نیستم، بلکه‌نیروئی مراهمراهی می کند که دیگران نمی بینند . قدرت من ، قدرت خدایی است . و درضمن دستور های مذهبی دریافت میکنم . من خیلی خیلی مذهبی هستم . بخدا اعتقاد دارم و همیشه نیز گفته‌ام اگر خدا وجود نداردباید اختراعش کرد . آن بدبختی هایی که خدا ندارند خیلی مرا رنج می دهند بدون خدا نمی شود زندگی کرد . من از سن پنـج سالگی با خدا زندگی میکنم یعنی از زمانی که بخوابم آمد.

س : عالیجناب ، چه دیدند ؟

ج : دیدن که چه عرض کنم خوابنما شدن .

س : چه چیزی ؟ چه کسی ؟

ج : از پیغمبران . آه ، مرا خیلی متعجب میکند که شما نمی دانید . همه می دانند که چندین بار خوابنما شده‌ام . درکتاب خودم نیز در این مورد نوشته‌ام . درکودکی دوبار خوابنما شده‌ام یکبار در پنجسالگی و یکبار درشش سالگی .
آه ... میترسم که شما مرا درک نکنید .

س : عالیجناب ، در حقیقت ، من‌واقعا نمی فهمم خوب شروع کرده بودیمولی حالا ... این داستان خوابنما شدن در واقع برای من روشن‌نیست .

ج : برای اینکه شما بدان اعتقـاد ندارید نه بخدا ونه بمن . خیلی‌هاباور ندارند . حتی پدرم نیزباور نمی کرد. هرگز باور نمی کرد وهمیشه مسخره می کرد . خیلی ها با احترام از من سئوال می کردند که آیا هرگز در این مورد شک نکرده‌ام و شاید یک فانتزی وروبا بوده ، یک رویـای بچه‌گانه .ومن جواب میدادم خیر .

س : نه ، عالیجناب ، راستی دردوران کودکی فقط خوابنما شده‌اید یا اینکـه درسن بلوغ نیز برایتان اتفاق افتاده ؟

ج : گفتم که فقط در کودکی . در سن بلوغ فقط خواب‌دیدم . به فاصله های یک سال یادوسال همچنین در سن هفت یا هشت سالگی مثلا دوبار خواب درعرض پانزده سال دیدم.

س : چه خواب هائی ، عالیجناب ؟

ج : خواب هائی مذهبی که بر روی اعتقادات من پایه گذاری شده‌اند . خواب‌هائی که می دیدم می بایستی بعد از دو یا سه ماه اتفاق بیفتند و دقیقا بعد از دو یا سه ماه واقعا اتفاق می افتادند ، ولی چگونه‌خواب هائی بودند نمی توانم به شما بگویم، خواب های شخصی نبودند بلکه در مورد مسائل داخلی بودندو بنابر این اسرار دولتی . اما اگرمن بجای کلمه خواب ورویا کلمه هشدار را بهکار برم شاید شما بهتر درک کنید . من به از پیش خبردار شدن اعتقاد دارم. کسانی هستند که به از نو بوجود آمدن اعتقـاد دارند و من نیز به از پیش خبردار شدن . من مرتب از پیش خبردار می شوم . شامه من‌قویست حتی روزیکه از فاصله شش پایی به من تیراندازی کردند ، شامه من بود که مرانجات داد وقتی قاتل فشنگ هایش را بروی من خالی می کرد من با رقص پـای صائقوار بکسورها خود را نجات دادم . ثانیه‌ای قبل از اینکه قلب مرا نشانه بـرود خود را آنچنان جابجا کردم که فشنگبـه شانه من اصابت کرد ، یک معجزه ، من به معجزه اعتقاد دارم . اگر خوب فکر کنیـد پنج فشنگ به من اصابت کرده بود ، یکـی به صورت ، یکی به شانه ، یکی به سر ، و دوتا به بدنم ، ویکی در لوله هفتتیر گیـر کرده بود باید به معجزه اعتقاد داشت . من با حوادث بیشمار هوائی روبرو شده‌ام ولی همیشه سلامت بیرون آمده‌ام آنهم به خاطر یکمعجزه ، خواست خدا و پیغمبران. شما را ناباور می‌بینم .

س : بیشتر از ناباوری قاطی کرده‌ام من خیلی قاطی کرده‌ام ، عالیجناب ، برای اینکه .. به بینید ، برای اینکه خود را نزد شخصی می بینم که‌پیش بینی نمـی کردم . من هیچ چیزی درباره این‌معجزه ها و این خوابنمائی ها نمی دانستم. من آمده‌ام که در باره نفت ، کشورتان و خودتان صحبت کنم ، همچنین در باره ازدواج هایتان طلاقهایتان .. برای تغییر ندادن مطلب ، اما این طلاقها باید درام های سنگینی بوده باشند ؟ حقیقت دارد، عالیجناب

ج : مشکل است گفتنش ، برای اینکه زندگی من در ماه سرنوشت نگاشته شده و زمانیکه می بایستی احساسات خـود را جریحه دار کنم ، خود را با فکر اینکه فلان دردخواست سرنوشت بوده. آرامش‌داده‌ام . زمانیکه باید وظیفه‌ای انجام داد بر ضـد سرنوشت نمی شود شورید . و در یکشاه احساسات شخصی به حساب نمی آید یک شاه هرگز برای خودش گریه نمی کند . حق ندارد . شاهی وظیفه است . ودر من همیشه احساس وظیفه خیلی قوی بوده .
زمانیکه پدرم گفت ، تو باید باشاهزاده فوزیه ازدواج کنی ، من حتی فکر مخالفت کردن و یا اینکه بگویم نمی شناسمش را نکردم . چون وظیفه من بود ، فوری قبول کردم . یکی شاه است ویکی نیست . اگـر شاه است باید تمام مسئولیت ها و سنگینـی شاه بودن را به گردن بگیرد بدون آنکـه افسوس بخورد.

س : عالیجناب، مسئله شاهزاده فوزیه را بگذاریم کنار ومسئله شاهزاده ثریا را در نظر بگیریم . خودتان به عنوان همسر انتخاب کردید . پس رها کردنش یک درد نبود ؟

ج : خب .. چرا ... برای یک مدت زمانی ، چرا . حتی می توانم بگویم بـرای مدتی یکی از بدبختی های بزرگ من بود . اما خیلی زود حق پیروز شد و از خودم این‌سئوال را کردم برای کشورم چه باید بکنم ؟ و جواب این بود همسر دیگری‌پیدا کردن و تقسیم سرنوشت با او و درخواست جانشین تاج و تخت . می توانم بگویم من احساسات خود را روی مسائل شخصی متمرکز نمی کنم بلکه روی مسائل شاهـی متمرکز میکنم . من خود را آنگونه تربیت کرده‌ام که برای کشورم و تاج و تخـتم نگران باشم نه برای خودم . از بعضی چیز هاحرف نزنیم : ازطلاقهایم و غیره . مـن بالای هرچیزی ، خیلی بالاتر ازبعضی چیزها هستم.

س : طبیعتا . عالیجناب اما چیزی هست که نمی توانم از سئوال کردنش خود ـ داری نمایم . عالیجناب ، حقیقت دارد که شما همسر دیگری اختیار کرده‌اید ؟ از روزیکه جراید آلمانی خبـر آن را درج کردند ..

ج : مزخرفات ، نه‌خیر ، بعد از اینکه روزنامه فلسطینی (المحار) به دلایل سیاسی آنرا چاپ کرد آژانس فرانسوی آن را منتشر کرد . یک دروغ شاخدار و خجالت آور . به شما می گویم آندختریکه درعکس بعنوان همسر چهارم من معرفی شده ، دختر خواهر دوقلوی من است (در ضمن دخترخواهرم عروسی کرده و یک بچه دارد ، بله بعضـی جراید خیلی کار ها می کنند تا آبروی مرا ببرند و ازطرف مردم بی وجدان حمایـت می شوند اما چگونه می توانند بگویند که من آنهم منیکه قانونی درست کردم که بیشتر از یک همسر نمی توان داشت ، مخفیانـه دوباره ازدواج کرده‌ام ؟ باور کردنی نیست، غیر قابل تحمل است ، خجالت‌آور است .

س: عالیجناب ، اما شما مسلمان‌هستید. مذهب شما اجازه می دهد که همسردیگری بگیرید بدون اینکه شهبانو را نفی کنید.

ج : بله مسلم است . مذهبم به من اجازه داده ، به شرطیکه ملکه بمن اجـازه بدهد . ولی راستش را بگویم حالت هائـی وجود دارند که .. مثلا وقتی همسری(زنی) مریض است با اینکه نمی خواهد به‌وظایف همسریش احترام بگذارد ، وبنابر این باعث بدبختی شوهرش ... یاالله ... آدم باید بیشعور باشد که باور بکند ، شوهر چنین چیزی را تحمل کند . آیا ، زمانیکه در اجتماع شما چنین اتفاقی می افتد ، یک مرد معشوق یا معشوقه هائی نمی گیرد ؟ خب، در عوض در اجتماع ما یک مرد می تواند همسردیگری به شرطیکه همسر و دادگاه‌اجازه بدهند اختیار کند . بدون این دو اجازه که قانون من برپایه آن بنا شده ازدواج مجدد صورت نخواهدگرفت . بنابراین من درست من باید قانون شکنی نموده ومخفیانه‌ازدواج کنم ؟ و باکی ؟ بادختر خواهرم ؟ گوش‌کنید، برای چنین چیزی حتی حاضر نیستم مباحثه کنم حاضر نیستم حتی لحظه‌ای در باره آن صحبت کنم .

س : چشم ، دیگر در این باره صحبت نمی کنیم . میگوئیم که شما همه را تکذیب می کنید ، عالیجناب ، و..

ج : من هیچ چیز را تکذیب نمی کنم، من‌حتی زحمت تکذیب کردن را به خود نمی دهم. من حتی نمی خواهم اسمم برای‌تکذیب گفته شود.

س : اما چطور ؟ اگر شماتکذیب‌نکنید، همچنان خواهند گفت که شما عروسـی کرده‌اید .

ج : قبلا از طریق سفارتخانه هایـم تکذیب کرده‌ام.

س : و هرگز هیچکس باور نکرده‌است بنابر این لازمست که از طرف شماتکذیب گردد ، عالیجناب .

ج : اما عمل تکذیب ارزش‌مرا پائین می آورد ، به من توهین می شود ، برای این که این مسئله برای من هیچگونه ارزشـی ندارد . بنظر شما آیا درست است که‌پادشاهی مثل من ، پادشاهی با مسائل من خود را اینقدر پائین بیاورد آنهم به خاطر تکذیـب عروسیش با خواهرزاده خودش؟ تهوع آور است تهوع‌آور است . به نظر شما درسـت است که پادشاهی ، پادشاه‌ایران، امپراطور ایران وقت خود را صرف اینگونه چیز هـا بکند ؟ برای حرف زدن ازهمسر هایش ، از زنان ؟

س : عجیب است ، عالیجناب ، اگر پادشاهی باشد که‌همیشه در موردروابطش با زنان صحبت می شود، او درستشما هستید . وحالا مرا شک برمی دارد که در زندگی شمازنها هیچ بحساب نمی آید.

ج : فکر میکنم که این مطلب را خوب درک کرده‌اید . برای اینکه چیز های دیگری در زندگی من ارزش دارند . چیز هائیکه در من اثر گذاشته‌اند چیز های دیگری‌بوده‌اند. مسلما نه ازدواج هایم و نه زنان . زنـان ،

شاه :
● کمونیست ها را زندانی سیاسی نمی‌شناسیم .
● گاهی اوقات شاه‌مستبدی‌هستم
● چپـی هـا روزنامه هـای بیـن‌المللـی‌را تسخیر کرده‌اند
● درایران اعدام بعضـی هـا لازم است .

می دانید .. به بینید ، اینطوری فرض کنیم . من آنها را بی ارزش نمی دانم، و در واقع انقلاب سفید من پیش از همه به نفع آنها شده است . برای اینکه حق مساوات و مسئولیت داشته باشند برایشان مبارزه‌کرده‌ام. تا جائیکه آنها را وارد ارتش کردم‌وتعلیمات نظامی شش ماهه به ایشان دادم و بـرای مبارزه با بیسوادی آنها راروانه دهـات کرده‌ام . فراموش نکنیم که من فرزند مردی هستم که حجاب را در ایران‌از زنان برداشت. نمی توانم رک نباشم وبگویم که تحت نفوذ یکی از آنها بوده‌ام . هیچکس نمی توانـد مرا تحت نفوذ قرار دهد ، هیچکس . یـک زن حتی کمتر . در زندگی یک مرد ، زنان برای زیبائیشان و زن بودنشان به حساب می آیند و... مثلا داستان‌جنبش زنان . این طرفداران چه می خواهند چه می خواهید؟ می گوئید مساوات اوه ، نمی خواهم بـی ادب معرفی بشوم اما ... قانونا مساوی هستید اما معذرت می خواهم ، نه ازلحاظ توانائی .

س : نه عالیجناب ؟

ج : نه هرگز یک میکل آنژ یا یک باخ نداشته‌اید . حتی یک آشپز بزرگ نیز نداشته‌اید . اگر می خواهید بگوئید صرف نداشته جواب می دهم : می خواهیم‌شوخی کنیم ؟ شاید برایتان صرف نداشته یک آشپز بزرگ به تاریخ بدهید ؟ هیچ چیز بزرگـ نداده‌اید . هیچ چیز .بمن بگوئید : در تمام مصاحبه هایتان با چند زن آشنا شده‌اید که قادر باشند حکومت کنند؟

س : حداقل دو نفر ، عالیجنـاب . گلدامایر و ایندیراگاندی .

ج : نمی دانم ... فقط می توانم بگویم که زنان وقتی حکومت می کنند از مردان سرسخت‌تر هستند . خیلی بیرحمتر ، خیلـی بیشتر تشنه خون هستند . وقتی قـدرت دارید ترحم ندارید . به کاترینا مدیچی فکر کنید به کاترین روسیه ، به الیزابت انگلیس، لوکرس بورژیا با زهرهایش ، دسیسه‌هایش، دسیسه باز هستید، بدخلق هستید .

س : مرا متعجب کردید عالیجنـاب ، برای اینکه اگر روزی شاهزاده ولیعهدقبل از سن بلوغ به تخت بنشیند شهبانو به عنوان نایب السلطنه حکومت خواهنـد کرد .

ج : اوه ، بله اما یک شورای‌مشاوران نیز خواهد بود که او باید با آن مشورت بکند . اما من هیچ اجباری برای مشورت با کسی راندارم و باهیچکس مشورت نمیکنم ، تفاوت را می بینید ؟

س : می بینم . درهر صورت همسر شمانایب‌السلطنه خواهدبود . عالیجناب و شما که این تصمیم را گرفته‌اید مسلم می دانید که او قادر است حکومت بکند .

ج : اوه .. در هر صورت ، زمانی این تصمیم را گرفتم که میدانستم او قادر بچنین کاری هست و .. ما اینجا ننشسته‌ایم که فقط در این مورد صحبت کنیم . نه ؟

س : مسلما خیر . در واقع من هنوز از شما در مورد مسائلی که بیشتر برایم جالب هستند سئوال نکرده‌ام ، عالیجناب مثلا : وقتی سعی میکنم با مردم در مورد شماصحبت کنم خود را در سکوتی ازترس فرو میبرند . عالیجناب حتی سعی میکنند اسم شما را بیان نکنند . چرا؟

ج : تصور میکنم احترام زیادی برایم قایل هستند . در واقع با من اینگونه رفتار را ندارند . زمانیکه از آمریکا برگشتم توی یک ماشین‌روباز تمام طول شهـر را از فرودگاه تا قصر را حداقل نیم میلیون نفر دیوانه‌وار برایم کف می زدند و هیجـان شورانگیزی داشتند . هورا می کشیدند و شعار های میهنی می دادند و اصلا تـوی سکوتی که شما میگوئید نمی رفتند . هیچ‌چیز از زمانیکه من پادشاه شدم و اتومبیل مراملت برای پنج کیلومتر روی دست بردند عوض



اوریانافالاچی : شاید هم من در لیست سیاه حکومت ایران قرار داشتم.

نشده است بله : فاصله مکانیکه برای ادای سوگند رفته بودم تا منزلم پنج کیلومتر بود. ومن توی همان اتومبیل بودم . چه‌منظوری از این سئوال داشتید ؟ که همه مخالف من هستند ؟

س : خدا مرا حفظ کند ، عالیجناب . منظور من همان بود که گفتم : در تهران آنچنان از شما میترسند که حتی جرات بیان نام شما را ندارند.

ج : و چرا باید یک خارجی در باره من حرف بزند ؟ منظور شما برایم کامـلا واضح نیست .

س : منظور من اینست که خیلی هـا شما را یک دیکتاتور میدانند .

ج : آنرا لوموند مینویسد . وچـه ارزشی برای من دارد ؟ من برای ملتم کار می کنم نه برای لوموند .

س : بله ، بله آیا انکار میکنید از اینکه یک شاه مستبد هستید ؟

ج : نه ، از بعضی جهات شاه مستبدی هستم . گوش کنید : برای رفرم ها نمیشود مستبد نبود . مخصوصا در کشور هائـی نظیر ایران که فقط بیست و پنج درصد از مردم خواندن و نوشتن می دانند . نبایـد فراموش کردکه‌بیسوادی غم‌انگیز است . حداقل ده سال لازمست تا آنرا ریشه کـن کرد . منظور من ریشه‌کن کردن افراد زیـر پنجاه سال است . باور کنید : در کشوریکه سه چهارم جمعیت آن بیسواد است باید از طریق استبداد و زور رفرمها را انجام داد وگرنه هرگز پیشرفت نخواهدکرد . اگر من سختگیری نمی کردم ، حتی انقلاب کشاورزی را نمی توانستم بانجام برسانم و تمام برنامه انقلابی من از بین میرفت اگر یک دفعه انقلاب من با شکست روبرو میشد چپگرا ها دست راستیها را در عرض چند ساعت از بین می بردند و انقلاب سفید با آن مدفون میشد ، میبایستی کاری بکنم که کردم . مثلا : دستور داده بودم که ارتش به‌سوی کسانیکه مخالف تقسیم اراضی بودند تیراندازی کند . بنابراین در ایران دمکراسی وجود ندارد ؟

س : عالیجناب ، وجود دارد ؟

ج : بله حتم داشته باشید ، از بعضی جهات در ایران دمکراسی وجود دارد بیشتر از کشور های اروپائی شما . بگذریم ازاینکه دهقانان صاحبان زمین هستند ، که کارگران در سود کارخانه ها شریک هستند ، کـه کارخانه های عظیم صنعتی بدولت تعلـق دارند نه به شخصیها ، باید بدانید انتخابات از دهات شروع میشود و در سطح مشاوران محلی و شهرداری‌ها انجام می گیرد .قبول، در پارلمان فقط دو حزب وجود دارد . آنها احزابی هستند که لوایح دوازده گانه انقلاب سفید را قبول دارند و چند حزب بایدوجود داشته باشند که عقاید انقلاب سفید رامعرفی کنند ؟ درواقع این احزاب هستند که می توانند به اندازه کافی رای بیاورند . دیگران حتی نمی توانند یک نماینده انتخاب کنند . درهرصورت ، من مایل نیستم بعضی ازاحزاب کوچک نماینده داشته باشند . من نمی‌خواهم که حزب توده آزاد باشد . کمونیست ها در ایران غیر قانونی هستند . غیر از خراب‌کردن خراب کردن ، خراب کردن چیز دیگری نمی خواهند وبه‌جای اینکه به کشور و شاهشان قسم بخورند به کس‌دیگری قسم می خورنـد آنها خائن هستند ومن باید دیوانه باشم که به ایشان اجازه بدهم که وجود داشتـه باشند .

س : عالیجناب شاید من منظورم را خوب بیان نکردم . منظور من دمکراسی است که ما در غرب داریم ، یعنی‌رئیسی که بهر کسی اجازه می دهد هرگونه می خواهد فکر کند و برپایه پارلمانی استکه حتی احزاب کوچک نیز میتوانند نماینده داشته باشند.

ج : آنرا نفهمیدید ؟ من آن دمکراسی را نمی خواهم . من نمی‌دانم با چنیـن دمکراسی چکار باید بکنم ، نفهمیدید ؟ همه‌اش را به شما می بخشم ، می توانید بـرای خودتان نگهدارید . دمکراسی زیبای شما . بعد از چند سال متوجه خواهید شد که این دمکراسی زیبای شما ، شما را به کجا می برد.

س : شاید کمی شلوغ است ، امالااقل راهیست که به بشر و به آزادی فکریش احترام قائل میشود

ج : آزادی افکار . آزادی افکار ! دمکراسی ! دمکراسی ! باکودکان پنجسالـه که‌اعتصاب می کنند . ودر خیابان ها راه می‌افتند ؟ این‌دمکراسی است؟ آزادیست ؟.

س : بله ، عالیجناب

ج : برای من خیر و اضافه میکنم ، در این اواخر ، چقدر در دانشگاهایتان درس خوانده‌اید .اگر اینگونه در دانشگاه هایتان ادامه تحصیل بدهید ، چگونه میتوانید بـا تکنولژی امروز همگام باشید ؟ و با کمبود آمادگی فکر نمی کنید که نوکر آمریکائی‌ها خواهید شد یا تبدیل به یک کشور طبقه سه یا چهار بشوید ؟ دمکراسـی ، آزادی ، دمکراسی اما این کلمات چه مفهومی دارند ؟

س : عالیجناب ، معذرت می خواهم‌اگر بخودم اجازه می دهم . به عقیده من این مفهوم را دارند . مثلاجمع نکردن بعضـی کتابها از کتابفروشی های تهران زمانیکه نیکسون وارد ایران میشد میدانم که کتاب من در مورد ویتنام، زمانیکه نیکسون وارد ایران شد ازکتابفروشیها جمع شده بود. وبعد از عزیمت او دوباره اجـازه فروش آن داده شد.

ج : چطور ؟

س : بله ، بله.

ج : نکند اسم شما توی لیست سیـاه منست ؟

س : اینجا در تهران ؟ نمی‌دانم شاید، من توی لیست سیاه همه هستم.

ج : اوه ... پس برای چه شما را در قصر خودم پذیرفته‌ام و شما اینجاپهلوی من نشسته‌اید ...

س : عالیجناب ، برای اینکه لطف شما است .

ج : اوه ... برای اینکه مسلم است که‌اینجا دمکراسی وجود دارد ، آزادی ...

س : مسلم است ، عالیجناب میخواهم چیزی از شما بپرسم . میخواهم بپرسم : اگر بجای اینکه ایتالیائی باشم، ایرانـی بودم ودر اینجا زندگی میکردم وهمانطور که فکر می کنم و مینویسم فکر میکردم و می‌نوشتم . یعنی اگر از شما انتقاد مـی کردم ، مرا به زندان میانداختید ؟

ج : ممکنست . اگر همانطور که فکر میکنید و می نویسید با قوانین ما مطابقت نداشته باشد دادگاهی میشدید.

س : بله ، هان ؟ و در ضمن محکوم میشدم ؟

ج: فکر میکنم ، بله. طبیعتا . اماالین بین ما باشد . فکر نمی کنم در ایران به من انتقاد کردن و حمله کردن ساده باشد . برای چه چیز باید بمن انتقاد کنید ؟ برای سیاست خارجی من ؟ برای سیاست نفتی من ؟ برای تقسیم اراضی بین دهقانان ؟ برای‌اینکه‌اجازه داده‌ام کارگران در سود ویژه کارخانه ها شریک شوند وچهل و نه درصد سهـام کارخانه ها را بخرند ؟ برای مبارزه با بی سوادی و بیماری ؟ برای پیشرفت کشوری که کمی بود یا هیچ ؟

س : عالیجناب ، خیر، خیر نه برای‌این. من بشما حمله میکنم . . به‌بینم . اینطوری: به خاطر اختناقیکه برسر دانشجویان و متفکرین در ایران می آید . به من‌گفته‌اند که زندانهایتان آنچنان بر شده‌اند کـه دستگیر شدگان جدید را در میدان هـای نظامی نگهداری ـ ند ، حقیقت دارد ؟ اما چقدر زندانی سیاسی در ایران‌وجه د دارد ؟

ج : بطور دقیق نمی دانم . باید دید منظور شما از زندانی سیاسی چیست ؟ اگر مقصودتان کمونیستها می باشد آنهارازندانی سیاسی نمی شناسم . برای اینکه حزب توده غیر قانونی است . بنابراین ، برای من یک توده‌ای زندانی سیاسی نیست بلکه یکمجرم معمولی است . اگر منظورتان کسانیست که با حمله های مسلحانه ، پیران ، زنان وبچه های بیگناه را می کشند ، آنها را نیز زندانی سیاسی نمی دانم . در واقع به آنها رحـم نمی کنم . اوه من همیشه کسانی را که‌بجان من سوء قصد کرده‌اند وسعی کرده‌اند مرا بکشند رحم کرده‌ام ولی هرگز نسبت بجانیانی که شما آنها را پارتیزان مینامید و یا کسانی که به کشور خیانت کرده‌اند یک ذره ترحم نداشته‌ام . این آدمها قادرند حتی فرزند مرا بکشند و بر ضد امنیت کشور برخیزند. آدم هائی هستند که باید ازبین بروند .

س : در واقع آنهارا تیرباران میکنند، حقیقت دارد ؟

ج : مسلما ، آنها که کشته‌اند تیرباران می شوند . نه بخاطر اینکه‌توده‌ای هستند ؛ بلکه آنها تروریست هستند توده‌ایها محکوم به زندان های کوتاه و طویل‌المدت مـی شوند . اوه ، من می توانم تصور کنم که شما در مورد حکم اعدام و غیره چگونه‌فکر می کنید . اما بعضی قضاوتها مربوط مـی شوند به نوع تربیت ، فرهنگ ، آب و هوا نه اینکه چون در بعضی کشور ها خـوب است برای دیگر کشورهانیز خوب باشد . دوعدد تخم از یکسیب را بردارید یکی را در تهران و دیگری را در رم بکارید . درخـت سیبی که در تهران رشد خواهد کرد هرگز با درخت سیبی که در رم رشدمیکند یکسـان نخواهد بود . در ایران اعدام بعضی‌اشخاص لازم است .

س : زمانیکه به شما گوش می دادم سئوالی برایم پیش آمد . از خودم‌پرسیدم، شمادر مورد مرگ آلنده (رئیس جمهوری مقتول شیلی) چه فکر میکنید .

ج : فکر میکنم مرگ او به ما یک درس می دهد . انسان باید یک چیزی باشد یاچیز دیگری . یا از اینطرف یا از آنطرف. اگر می خواهید کاری‌انجام داده و پیروز شوید راه میانه یاقول و قرار ، امکان‌ندارد. انسان یا باید انقلابی باشد یا معرف قانون، امکان ندارد کسی هم انقلابی باشد و هـم معرف قانون . اگر آلنده می خواست بـا عقاید مارکسیستی‌اش حکومت کند پس چرا بهمان منوال عمل نکرد ؟ زمانیکه کاسترو به قدرت رسید ، حداقل ده هزار نفر را به‌قتل رساند : وشما باو گفتید « آفرین ، آفرین، از یک لحاظ واقعا آفرین بر او برازنده‌است چون هنوز قدرت را در دست دارد . بنابر این منهم هستم . وهنوز هم تصمیم دارم در قدرت باقی بمانم وبا زور خیلی چیز ها را انجام دهم تا جائیکه ثابت کنم سوسیالیزم‌شما به‌آخر رسیده ، پیر شده ، عقب مانده . تمام شده . صدسال پیش از سوسیالیزم صحبت می شد ، صدسال‌پیش در باره‌اش نوشته می شد . امروز با تکنولژی مدرن مغایرت دارد. بیشتر من بدست می آورم تا سوئدیها ، در واقع نمی بینید که حتی سوسیالیست هـای سوئدی در حال شکست خوردن هستند .آه سوسیالیزم سوئدی ... حتی جنگلها وآبها را ملی نکرده . ولی من چرا .

س : عالیجناب ، باز هم برگشتیم بـه نقطه‌ای‌که من خوب درک نمی کنم . منظور شما اینست که از جهتی شما سوسیالیست هستید و سوسیالیزم شماپیشرفته‌تـر و مدرنتر از سوسیالیزم سوئدیست ؟

ج : مسلما . برای اینکه این نـوع سوسیالیزم به این معنی است که یک نـوع امنیت برای کسانی است که کار نمی کنند و آخر ماه مانند کسانیکه کار می کنند حقوق دریافت میکنند . ولی سوسیالیزم انقلاب‌سفید من درعوض تولید کار است. یکسوسیالیزم نو، و ... باور کنید: در ایران ما خیلی پیشرفته‌تر از شما هستیم و به هیچ چیز احتیاج نداریم که از شما یاد بگیریم . اما شما اروپائیها هرگز این چیز ها را نمـی نویسید برای اینکه روزنامه های بین‌المللی ازطرف چپی ها پر شده آه ، از دست چپی ها . حتی کلیسا را در دست گرفته . حتی کشیشها را .حتی آنها هم تبدیل به‌عناصری شده‌اند که فقط میخواهند خراب کنند، حتی در کشور های آمریکای لاتین ، دراسپانیا ، بنظر غیر قابل قبول می آید ، ازکلیسایشان سوء استفاده میکنند . از بی عدالتـی و مساوات حرف می زنند ، آه ... ازدست این چپ . خواهید دید ، خواهید دید کـه شما را به‌کجا خواهند برد ...

س : عالیجناب ، امروز بدترین همسایه شما کیست ؟

ج : هرگز نمی شود گفت ، برای اینکـه نمی دانم کی بدترین همسایه است . ولی فعلا در حال حاضر مجبورم بگویم عراق .

س : عالیجناب مرا متعجب کردید ازاین که گفتید عراق بدترین همسایه شمـا است . منتظر بودم که شوروی را نام ببرید .

ج : شوروی ... با شـــوروی روابط سیاسی و بازرگانی خوبی داریم . با شوروی قرارداد لوله‌کشی گاز داریم . بشوروی گـاز می فروشیم . از شوروی تکنیسین میاوریم . جنگ سرد تمام شده است . مسئله اساسی با شوروی همچنان پابرجاست . ایران بایدشک اساسی را بخاطر داشته باشد : کمونیسـت شدن یا نشدن ؟ هیچکس نمی‌تواند اینقـدر دیوانه و احمق باشد که امپریالیزم روس را انکار کند . سیاست امپریالیستی در شوروی‌ـ همیشه وجود داشته و امروزخطرناک‌تر است چون بمکتب کمونیستی وابستگی دارد .منظورم اینست که مبارزه با کشور هائـی که فقط امپریالیست هستند ساده تر از مبارزه بـا کشور های کمونیستی و امپریالیستی تواما می باشد . رویای رسیدن به اقیانوس هند و خلیج فارس همیشه در روسها وجود داشته و ایران آخرین‌باروئیست‌برای وسیدن بـایـن رویا . اگر آنها (روسها) بخواهند باین بارو حمله کنند ، وجود ما بستگی به مقـاومت و خواست ما دارد . بنابراین مسئله مقاومت تا امروز هم چنان برای ما باقی است.

س : حقیقت دارد که ایران امروز از نظر نظامی خیلی قوی است؟

(بقیه درصفحه ۸)

دیدگاهها

پاسخ دکتر قاسم افتخاری استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران به دکتر سید عبدالرضا حجازی

جهنم تاریکی بنام اختناق

در این روز های پر هیجان که ملت ستمدیده ایران ، پس از هفتاد و پنج سال مبارزه مداوم و دادن هزاران قربانی از بهترین فرزندان خود در راه برچیدن بساط استبداد و استثمار و برقراری عدالت ، دموکراسی و آزادی ، هردم گام بلندی برمی‌دارد و موانع سر راه خود را یکی پس از دیگری به سرعت پشت سر می گذارد ، گروهی بر آنند که از این احساسات برانگیخته برای اعمال نظرات خودشان و بستن دهان دیگران سوء استفاده کنند و این امر باعث تاسف تاسف ونگرانی عمیق فرزانگان و آزادگانی است که در دوران طولانی اختناق همواره بطور مستقیم یا غیر مستقیم زیر شکنجه روانی بوده‌اند و به امید آزادی روز شماری کرده‌اند . برای این ملت داغدیده چقدر دردناک است که پس از اینهمه مبارزه و انتظار ، آزادی را لمس نکرده دوباره آن را در معرض فراریه‌بینند زیرا مسلم استکه آزادی وتحمیل عقاید ضد و نقیض یکدیگرند وهردو نمی توانند در آن واحد و درمکان واحد وجود داشته باشند . کوشش در تحمیل حتی بهترین و انسانی ترین فلسفه یا سیستم حکومتی به‌دیگران برقراری اختناق اجتناب ناپذیر میکند و اختناق هم به‌نوبه خود به جهنم تاریکی تبدیل می شود که در آن ستمها ، شکنجه ها ، فساد ها و حق‌کشی های مغایر با روح فلسفه یا سیستم تحمیلی لاجرم جریان فزاینده‌ای پیدا میکند . این نه تنها ابتدائی‌ترین درس تاریخ بشریت است بلکه ما خود بهترین شاهد زنده این حقیقت بوده‌ایم.

آقای دکتر مصطفی رحیمی در نوشته فاضلانه و درعین حال فروتنانه خود ، که در روزنامه آیندگان مورخ ۲۵ دیماه انتشار یافت ، کوشیده‌اند با منطقی بسیار محکم‌این نکته مهم را به رهبر بزرگ این‌نهضت یاد ـ آوری کنند ولی آقای دکتر سید عبدالرضا حجازی در پاسخ مجولانه خود که در دو شماره روزنامه آیندگان مورخ ۲۶ و ۲۷ دیماه درج گردید ، عمدا یا سهوا نکته‌اصلی مطلب ایشان را نادیده گرفته و به سبب یک موعظه به برشمردن محاسن فلسفه‌اسلام و جمهوری اسلامی پرداخته است و در این پاسخ مغرورانه سبکی به کار برده است که بنده مجبور به رعایت نظم‌وقافیه آن می کند.

آقای دکتر حجازی مینویسد : « برای بی بنیادی ریشه های آنچه در مقاله طولانی خود نوشته‌اید کفایت می‌کند گفته شود از یکسو آگاهی چندانی به مفاهیم مترقی اسلامی ندارید و از کنار ساحل اقیانوس فرهنگ علمی اسلامی می گذر نکرده‌اید .» البته همانطوریکه بنده اشاره کردم بحث اصلا بر سر معایب و محاسن فلسفه اسلام یا بزرگی و کوچکی فرهنگ علمی آن‌نیست. حقیقت اینست که اکثریت قریب به اتفاق‌مردم ایران مسلمانند وهمه‌مسلمانان به فرهنگ اسلامی خود می‌بالند وحقیقت دیگر آنکه این امر اختصاص به مسلمانان ندارد و پیروان هر مذهب ، هر ایدئولوژی وهر مکتب‌فلسفی خود را وارث بزرگترین و انسانی ترین فرهنگ عالم می دانندونجات خود و تمام بشریت راتنها در گرو پیروی همگانی ازآن می بینند. جای‌تعجب است آقای دکترحجازی که خود را در اقیانوس فرهنگ علمی‌اسلامی غوطه‌ور می دانند چطور به این واقعیت پیشپا افتاده پی نبرده‌اند و واقف نیستندهر اندازه‌ایکه یکفرد فلسفه یا ایدئولوژی خود را کامل و بی عیب قلمداد می‌کند بهمان‌اندازه تعصب خود را نمایان میسازد و تعصب‌راهی است بی بازگشت به سوی اختناق و ستم و حق‌کشی.

آقای دکتر حجازی در همانجا میگویند: « شما چندان مقصر نیستید و این رژیم پر اختناق ایران بوده است که نگذاشته‌جامعه ما در ارتباط با ایدئولوژی اسلامی و جهان بینی آن قرار گیرد .» کاملا درست است . ولی آیا این تنها ایدئولوژی اسلامی بودکه رژیم پر اختناق جلو ارائه آن راگرفته بود ، همه ایدئولوژیهای مترقی سرنوشت یکسانی داشتند و این طبیعی است که پس‌ازبرچیدن بساط اختناق همه ایدئولوژیها باید فرصت عرضه و ارائه خود را داشته باشند و نه اینکه یکی از آنها با عجله خود را درمسند حاکمیت قرار دهد . سئوال من این استکه

آیا همچو عملی با عدالت اسلامی سازگار هست ؟

در بحث از سوسیالیسم آقای دکتر حجازی می پرسند : « کدام سوسیالیسم را می گوئید و می‌خواهیدملت مسلمان ایران را به سوی آن سوق دهید ؟ اگر منظور سوسیالیسم علمی است، آنکه مرحله گذرا و پل‌عبور به‌کمونیسم است و شما خود را «شیعه» معرفی کرده‌اید و تشیع منافات دارد باکمونیسم .» در این‌بیان تخطئه آمیز آقای دکتر حجازی نکات تاسف انگیز بسیاری‌نهفته است و بنده تنها به‌چندتای آنها اشاره میکنم. اولا این استدلال که کمونیسم با تشیع‌منافات دارد و پس نباید حرفش را زد درست‌همان بهانه رژیم استبداد است که‌باعلم کردن آن بساط اختناق خودرا بر سراسر خاک این کشور گسترد وهرمخالف روحانی و غیر روحانی خود را با همان استدلال به سیاهچال ها یا گورستان ها فرستاد و درست برای برچیدن همان بساط است که ملت ایران و آقای دکتر حجازی به رهبری حضرت آیت‌الله خمینی بپا خواسته‌اند . ثانیا درهر اجتماعی طرد یاتکفیر تنها یک ایدئولوژی کافی است که آن جامعه را بسوی اختناق و تمام عوارض ناشی از آن‌سوق دهد زیرا که‌همه رژیم‌ها وبویژه رژیم در حال انهدام ایران ، چنانکه دیدیم ، همه مخالفان خود را به ایدئولوژی تکفیر منسوب وسرکوب کرده‌اند گیرم که اغلب این مخالفان هیچ نسبتی باآن ایدئولوژی نداشته‌اند . مگر فراموش‌کرده‌اید که‌مجاهدان انقلاب مشروطه‌را به اتهام‌بابیگری سر می بریدند و در زمان آزادگان مذهبی و غیر مذهبی را نخست به داشتن گرایشهای تکفیر شده متهم و سپس به دادگاه های فرمایشی ، بشکنجه‌گاههای ساواک و به دیار عدم روانه میکردند . بنده در اینجاقصد هیچگونه قضاوت اخلاقی در باره هیچ ایدئولوژی را ندارم تنها منظورم آنست‌نشان دهم که اختناق چگونه در یک جامعه راه می

> **کوشش در تحمیل حتی بهترین وانسانی ترین فلسفه یاسیستم حکومتی به‌دیگران برقراری اختناق را اجتناب ناپذیر میکند**

یابد وبال وپر می‌گستراند. نتیجه قطعی تمام‌تئوریها و تمام واقعیات این است :آزادی قابل تفکیک یا قابل انحصار نیست و تنها در صورتی می تواند وجود داشته باشد که همه‌گیر باشد . بعبارت دیگر آزادی یا برای همه هست و یابرای هیچکس نیست. این اشتراک در سرنوشت یکی از صدها تار نامرئی است که افراد یک جامعه را به هم مربوط می سازد . هرکس یا هر گروهی که خیال کند با پایمال کردن آزادی دیگران امنیت ایدئولوژی یا فلسفه خود را فراهم می آورد در واقع تیشه به ریشه خود زده است زیرا که غاصبان آزادی دیگران‌مکافات خود را همواره بصورت از دست دادن آزادی خود دیده‌اند.

آقای دکتر حجازی پس از رد قطعی سوسیالیسم علمی به علت مغایرت آن باتشیع میگوید : « واگر منظور شما سوسیالیسم لیبرال یا سوسیالیسم تکاملی است باید بدانید هدف همه آنان تامین عدالت اجتماعی و از میان رفتن نظام طبقاتی است که همه اینها از الفبای اهداف اسلامی است .» بنده خیلی فروتنانه و با کمال تاسف اقرار می کنم که در مسائل فقهی و شرعی تخصصی ندارم و از این روی هرگز بخود اجازه نمی دهم‌در چنین مسائلی وارد بشوم و در مقابل ازآقای دکتر حجازی انتظار دارم با وقار روحانیت بپذیرند که در مسائل سوسیالیسم واردنیستند و بهتر است بحث در این مسائل را به‌عهده اهل فن بگذارند . اگرتامین عدالت‌اجتماعی‌و از میان رفتن نظام طبقاتی ، بقول آقای دکتر حجازی از الفبای اهداف اسلامی است و من این مطلب را بنا به اعتبار تخصص ایشان بی گفتگو قبول دارم ، باید به ایشان مژده بدهم که تامین عدالت اجتماعی با از میان برداشتن نظام طبقاتی از الفبای سوسیالیسم علمی هم می‌باشد ودر نتیجه نه تنها از این نظر سوسیالیسم علمی باتشیع منافات ندارد بلکه همان هدف اسلامی را دنبال میکند . توضیحا اضافه میکنم که فرق اساسی میان سوسیالیسم علمی و سوسیالیسم های نوع دیگر درست‌در تکیه اولی بر مطالعه‌اجتماع از دیدگاه طبقاتی است و برقراری عدالت اجتماعی را تنها درگرو از میان رفتن نظام طبقاتی می‌داند . پس اگر هدف نهائی اسلام و سوسیالیسم در برقرار کردن عدالت اجتماعی اینقدر بهم نزدیک است چرا آقای دکتر حجازی تابدین حد از سوسیالیسم‌علمی اکراه و تنفردارند ؟ برخی ازروحانیون مترقی علت این اکراه را ، علاوه براعتقادات مذهبی ، در این میدانند که سوسیالیسم علمی عملا دستاویزی برای استعمار شرق شده است . سئوال من از این روحانیون مترقی، که همواره پیشرو مبارزات‌ضد استعماری‌ملت ایران بوده‌اند ، اینست که آیا هیچ فکر کرده‌اند که ممکن است استعمار غرب‌هم در کشاکش خود با استعمارشرق‌در ایجاد این تنفر نقشی داشته باشد و یا بخواهد ازآن برای بقای سلطه استعماری خود سوء استفاده کند ؟ مبارزه ضد استعماری برای موفقیت خود مجبور است همه جانبه باشد و بویژه برای عوامل فرهنگی توجه خاص بنماید.

در بحث ازنقش روحانیت در یک حکومت اسلامی آقای دکتر حجازی می گویند : «امام پیشوای اسلام ، باید در تمام شئون زندگی دخالت کند و برای اداره‌جامعه براساس عدل و قسط قیام کند. البته این بدان معنا نیست که اداره کشور ایران تنها بدست علمای شیعه وبقول شما روحانیون!! خواهد بود.» من البته نمی‌دانم منظور آقای دکتر حجازی از دخالت امام یاپیشوا درتمام شئون زندگی چیست . اگر منظورهدایت و تشویق مردم به رفتار و کردار نیک باشد بسیار خوب است و میتواند در اصلاح فرد وجامعه نقش بزرگی بازی کند ولی اگر منظور از این دخالت مجبور کردن مردم به پیروی از یک روش خاص زندگی باشد از استبداد مطلق فراتر رفته و به توتالیتریسم یا یکه‌تازی میرسد . اداره کردن جامعه‌براساس عدل و قسط عالیترین هدف است مشروط بر اینکه مردم در تعیین و اصلاح این معیار ها سهم داشته باشند و در غیر اینصورت یعنی در حالتیکه معیار های پیش ساخته‌ای را به نام عدل وقسط حاکم بر زندگی مردم بکنندباز هم حد اعلای استبداد خواهد بودوفراموش نکنید که استبداد و اختناق لازم و ملزوم یکدیگرند . برای روشن شدن آقای دکتر حجازی و همفکران ایشان مجبورم بمنظور روحانیت مترقی از امام و نقش او را ازقلم آقای بنی صدر ،یکی از یاران نزدیک حضرت آیت‌اله خمینی را که در روزنامه کیهان‌مورخ اول‌بهمن ماه جاری آمده است عینا نقل‌کنم: آقای‌بنی‌صدر در شرح‌اصول جمهوری‌اسلامی مورد نظر مینویسد : « اصل سوم ما امامت است. برای رسیدن به چنین وضعی انسان باید خود مدیر خود باشد . اینکه من می‌آیم ایران و اوضاع رادرست میکنم ، درست نیست. انسان باید دررهبری جامعه شرکت کند و این حق عمومی است و سلب شدنی نیست . هر بشری رابابد امام تلقی کرد . در غیر اینصورت به این برمی خوریم که همیشه عده‌ای را رهبر بشناسیم و بقیه را پیرو .» بهنین تفاوت ره از کجاست تا به کجا ! در نتیجه این اطمینان آقای دکتر حجازی که« اداره کشور ایران تنها دردست علمای شیعه نخواهد بود» نمی تواند تضمین دلگرم کننده‌ای برای خواستاران مردمسالاری باشد .

درمورد اینکه حضرت آیت‌الله خمینی علاقه ندارند که حاکم مطلق ایران باشند ، آقای‌دکتر حجازی استدلال میکند که: «ایشان شورای انقلاب اسلامی برای انتقال دولت تشکیل داده‌اند .» البته همگان به روشن‌بینی، خرد و استعداد رهبری حضرت آیت‌اللله خمینی، که در این مبارزات طولانی به‌ثبوت رسیده ، ایمان دارند و کاربرد صفت «اسلامی» بوسیله ایشان ، چنانکه در مورد امانت گفته شد، معنی بسیار دموکراتیک‌دارد ولی متاسفانه اشخاصی مانند آقای دکتر حجازی مشتبه شده و مانند دیکتاتور های تازه به دوران رسیده‌دهان صاحب نظران را ، با تخطئه به اینکه نظرشان باتشیع یا اسلام منافات دارد، به بندند . اینان باید از همین حالا بدانند که نظام طاغوتی باآنهمه توپ وتانک ومسلسل ، شکنجه‌گاه ها ، زندانها و پشتیبانان خارجی‌اش نتوانست‌قیام آزادیخواهی مردم ایران را برای همیشه سرکوب کند وهیچ قدرت‌دیگری هم قادر نخواهد شد زمان را به‌عقب برگرداند .

درباره وجود خودکامگان در شرق ، آقای دکتر حجازی یا مطلب را درست درک نکرده‌اند و یا عمدا خواسته‌اند از اصل موضوع اجتناب کنند. آقای دکتر رحیمی نوشته است: «چند قرن است غربیان می گویند که ملت های مشرق زمین لیاقت‌آزادی و دموکراسی بی قید و شرط را ندارند و همیشه باید در پای علم خودکامه‌ای سینه بزنند .» آقای دکتر حجازی پاسخ می دهند که آیت‌اللهخمینی علاقه به خودکامگی‌ندارند. ومعنی مطلب مورد بحث اصلا این‌نیست که رهبر بخصوصی خودکامه است یا نه. معنی مطلب این است که‌تنها دموکراسی میتواند از پیدائی خودکامگان جلوگیری کند.

در شرح برخی از ویژگی های‌جمهوری اسلامی مورد نظر خود ، آقای دکترحجازی می گوید: «مراجع تقلید اظهار حاکمیتی نکرده‌اند و درصدد به‌پست رساندن روحانیت نیستند ، تنها میخواهند قانون بدون تبعیض اجرا گردد .»

پس از این توضیح ، خواننده از خودش می پرسد چه لزومی دارد که همچو نظامی جمهوری اسلامی نامیده شود زیراکه در اینجا برای روحانیون هیچ نقشی بجز طرفداری از اجرای قانون پیش‌بینی نشده است و در هر جامعه‌ای تقریبا همه افراد خواستار اجرای قانون بطور مساوی و عادلانه می باشند . جان کلام البته در همان لفظ «قانون » است. در واقع سئوال این نیست که در جمهوری اسلامی روحانیت‌شیعه چه پستی خواهند داشت. بنده بسهم خودم عقیده دارم که روحانیون هم همانند تمام افراد جامعه باید حق تصدی هر پستی را بنا به تخصص و علاقه خودشان داشته باشند . سئوال اصلی در این است که روحانیون در اجرای کدام قانون نظارت خواهند نمود. آقای دکتر حجازی هیچ تردیدی باقی نمی گذارد که در جمهوری اسلامی مورد پسند ایشان قوانین اسلامی ، بدانگونه که خود تعبیر میکنند ، در تمام سطوح و شئون‌زندگی جاری خواهند بود .شرح وچگونگی تدوین این قوانین راهم بهتر است از قلم خود ایشان بخوانیم : «علمای حقوق میگویند بهترین قانون آن قانونی است که در ادای یک سلسله اصول ثابت و یک سلسله اصول متغیر باشد، اصول ثابت برای قوام جامعه ایست که در اسلام ضروریات اسلامی می نامند واصول متغیر که جامعه را در هر شرایط زمانی ومکانی و یا هرنوع تحولات و تغییرات مدرنی تطبیق میسازد وفقه‌اسلامی و مجتهدین و نمایندگان ملت در یک جامعه اسلامی این ماموریت را بعهده دارند .» از این‌نوشته و از استعمال کلمه «مترقی» درچند مورد میتوان نتیجه گرفت که آقای دکتر حجازی اصول تحول راپذیرفته است و آن وقت سئوال اصلی از آقای دکتر حجازی اینطور مطرح میشود : چطور ممکن است که موضوع و مشمول قانون ، انسان و محیط او ، تحول یابد تغییر کند ولی خود قانون ثابت و معتبر بماند؟ درست در پاسخ به این سئوال است که مترقی از مرتجع ، تحول‌گرائی از جزم گرائی و دموکراسی از استبداد تفکیک میشود. البته بنده از شمول قوانین لایزال الهی برجهان فوق طبیعی‌حرفی ندارم ولی جهان مادی به امر خداوند از قانون لایزال دیگری پیروی میکند و آن‌قانون تحول است و مفاهیمی از قبیل پیشرفت،ترقی ودگرگونی تنها بعلت جاری بودن این قانون کلی مصداق پیدا میکنند. آقای دکتر حجازی خوب می دانند جزم گرایان که معتقد به‌شمول قوانین ثابت بر جهان مادی بودند چاره‌ای جز انکار امکان هرگونه تحول ودگرگونی اجتماعی را نداشتند و درست بهمین علت مخالف هرنوع تحول وپیشرفت اجتماعی بودند . عقب‌نشینی جزم‌گرایان بهیچوجه در اثر استدلال منطقی نبود زیرا اینان متعصب‌تر از آن بودند که قانع شوند. تنها در اثر سرعت فزاینده دگرگونی جامعه انسانی در دو قرن اخیر بود که این عقب نشینی را اجتناب ناپذیر کرد ولی هنوز هم اینجا و آنجا افرادی یا گروه هائی مانند انجمن طرفداران اصل مسطح بودن زمین (درلندن) وجود دارند وبطور مذبوحانه در تلاشند تا ثابت کنند که زمین کروی نیست ! باز خوشحالم که می توانم دید روحانیت مترقی را در این‌باره از همان نوشته آقای بنی‌صدر بیاورم؛ «ما باید انسان را متحرک وحرکت اجتماعی رادائمی تلقی کنیم لذا این حرکت باید در نظامی انجام گیرد که ما را بمقصود برساند. پس اسلام باید چنین نظامی باشد .» از این روی خیلی متاسفم آقای دکتر حجازی نگفته‌اند کدام علمای حقوق معتقد به‌وجود اصول یا قوانین ثابت وغیر قابل تغییر در جامعه هستند و از همچو اصولی درکدامیک از جوامع امروزی پیروی میشود .

آقای دکتر حجازی شاید فراموش‌کردند بگویند قوانین متغیریکه بنا به قول ایشان ، نمایندگان ملت به کمک کتابهای فقهی و زیر نظر مجتهدین در تدوین آنهادخالت خواهند کردهرگز نباید مغایرت یا تناقضی با آن‌اصول ثابت داشته باشند . به عبارت دیگر مردم در تدوین قوانین اصلی هیچگونه نقشی‌نخواهند داشت زیرا که این قوانین ثابت و غیر قابل تغییرندو فقط روحانیت شیعه می تواند آنها را تشخیص داده و اعلام کند. درموردقوانین متغیر هم اگر بطور پیش‌ساخته‌ای در کتابهای فقهی نبودند آنگاه نمایندگان ملت می توانند زیر نظر مجتهدین و در چهارچوب همان اصول کلی قوانین لازم را وضع کنند و روحانیت شیعه در اجرای چنین قوانینی نظارت خواهند داشت . در اینجا است که ماهیت نظام حقوقی حکومت اسلامی مورد نظر آقای دکتر حجازی نمایان میگردد.

آقای دکتر حجازی لابد می دانند که حاکمیت در داشتن پست اداری نیست بلکه در جاری ساختن قوانین است و حاکم در واقع کسی است که قانونش اجرا می شود و اجرا کنندگان قانون ، یعنی دارندگان پست های اداری ، چیزی جز خادمان حاکم‌نیستند و علت عدم علاقه روحانیون به قبول پست های اداری ، که آقای دکتر حجازی اینقدر رویش تاکید میکنند ، اینست که طبعا هر حاکمی نشستن بر جای خادمان را دون‌شان خود می داند . پس حاکم یعنی فرد یا افرادیکه منشاء قانون است ، اگر قانون

> **هر اندازه که یك فرد فلسفه یاایدئولوژی خود را کامل و بی‌عیب‌قلمداد می کند به‌همان اندازه تعصب خود را نمایان می‌سازد .**

از یک طبقه یا از یک گروه ناشی شود آن طبقه یاآن گروه حاکم است ولی اگر قانون از اراده تمام ملت ناشی شود ملت حاکم است و حاکمیت ملی تنها در این صورت‌می تواند مصداق پیدا کند. بنابر این حاکمیت ملی بردو کلیت غیرقابل تجزیه استوار است. نخست آنکه هم قوانین ، بدون استثناء از اراده ملت ناشی گردد ودوم آنکه همه افراد ملت ، بدون تبعیض ، در تدوین این‌قوانین سهیم باشند . حالا روشن شد که منظور آقای دکتر رحیمی ازحاکمیت مطلق روحانیت اصلا تخصیص پست اداری نبوده بلکه جاری ساختن اصول و قوانین مورد نظر روحانیت ، با سلب اختیار انتخاب از مردم، بوده است.

آقای دکتر رحیمی مینویسد : « اگر برای حکومت مردم از پیش قواعد وضوابطی تعیین کنیم در آنچه که مربوط به مردم است خواه ناخواه مردم را کنار گذاشته‌ایم .» و آقای دکتر حجازی پاسخ می‌دهند:«آیا قاعده اضرار به فرد مقدم برنوع است ، کنار گذاشتن مردم است ؟!!» بنده مجبورم مطلبی را که در آغاز این نوشته ذکر کردم برای آقای دکتر حجازی و همفکران ایشان تکرار کنم و باز بگویم که بحث بر سر معایب و محاسن قواعد و ضوابط اسلام یا از آن‌هیچ فلسفه و مکتب دیگری نیست بلکه موضوع اصلی قائل شدن حق انتخاب راه زندگی و حق تعیین سرنوشت خود برای مردم است . اگر قاعده « اضرار به فرد مقدم بر نوع » را مردم با اختیار و آزادی انتخاب کنند می شود دموکراسی و به بازی گرفتن مردم و اگر همان قاعده را بدون انتخاب آزادانه آن بوسیله مردم به اجرا گذارند میشود استبداد و کنارگذاشتن مردم . پس‌دموکراسی در اساس یک اختیار است : اختیارانتخاب راه زندگی و تعیین سرنوشت خود وجود مداوم این اختیار در جامعه لازمه زندگی دموکراتیک میباشد وبا انجام یک رفراندوم و یا باانتخاب یکمجلس کاران خاتمه نمی پذیرد.

آقای دکتر حجازی خطاب به آقای‌دکتر رحیمی مینویسد : «اینقدر از کلمه پیش ساخته سخن نگوئید . ضوابط پیش ساخته اسلامی بگونه مصالح ساختمانی است که از طبیعت میگیرند . آیا میتوانید خانه‌ای‌بسازید که مصالح ساختمان آن از زمین ، زهره، ماه، خورشید ودیگر سیارات نباشد ؟» اولا باید گفت که ضوابط همه مذاهب و ایدئولوژیهااز طبیعت انسان و محیط او گرفته شده است و بعلت متحول بودن خودطبیعت هم آن‌ضوابط تغییر پذیرند وثانیا هر صاحب خانه‌ای حق انتخاب مصالح ساختمان خانه خود رادارد. البته مشورت بایک مهندس ساختمان‌امریست بسیار ضروری ولی این را نباید با حق انتخاب اشتباه کرد.

در برابر این موضوع که اگر اصل لزوم خواستن عقیده مردم درباره حکومت را بپذیریم دیگر نمی‌توانیم آن حکومت را پیشاپیش متصف به صفت خاص و باقواعد و ضوابط معین بکنیم ، آقای دکتر حجاری مغالطه فرموده می‌پرسد : «اگر حکومت آینده ایران را به «اسلامی» ، توصیف کنند خطا است ولی توصیف کردن حکومت آینده ایران را به سوسیالیستی ، بقول شما و یا کمونیستی خطا نیست ؟ » آقای دکتر حجازی خوب میدانند کسی پیشنهاد نکرده است که حکومت آینده ایران پیشاپیش متصف به سوسیالیستی یا کمونیستی بشود و این سئوال ایشان تنها بخاطر گریز از تناقض آشکاری است که‌دموکراسی با جزم گرائی دارد. این طرز استدلال با آشفتگی فکری بیشتری به بخش بعدی نوشته ایشان راه‌یافته است. در آنجا که آقای دکتر رحیمی‌پیشنهاد آزادی بلاشرط بیان و اجتماعات را در یک دولت موقت میکند تا بدین ترتیب فرصت عرضه افکار و عقاید فراهم گردد تا مردم بتوانند ، بعد ازمدتی که از یکسال تجاوز نکند، با آگاهی کامل در رای گیری شرکت بکنند ، آقای دکتر حجازی می پرسند : « چرا شما هم که خود را غمخوار ملت می دانند و میخواهید اندیشه های خود را به اکثریت قاطعی تحمیل نمائید و در نهایت بگونه چکسلواکی یا مجارستان ملت ما هم گدای در خانه روس یا چین قرار گیرد. ملت مسلمان ایران را تحقیر کرده و نسبت ناآگاهی به او می دهید ، ملتی که گلویش‌را قرنها نیروی شیطانی استبداد و دیکتاتوری میفشرد و در کویری از سکوت مرگ آفرین نزدیک بود خود را گم کند وکارخفقان به جائی رسیده بود که خواندن یک مقاله‌سازنده کار را به دادرسی ارتش میرساند .»

اولا هر بچه دبستانی میداند کسی که بر ارزش آرای آگاهانه مردم تاکید میکند نمی تواند در پی تحمیل اندیشه های خود به « اکثریت قاطعی » باشد ، ثانیا برخلاف آقای دکتر حجازی بنده عقیده ندارم که شرکت آگاهانه مردم در تعیین سرنوشت‌خود آنها را «گدای در خانه روس یاچین» خواهد کرد و ثالثا واقعیت وجود همان اختناق شدید و درازمدت یک دوران آزادی‌بلاشرط قبل از تعیین سرنوشت را واجب حتمی میسازد . ولی معلوم است که آقای دکتر حجازی « از آزادی بلاشرط ؟!! » وحشت دارند و آزادی مورد نظر ایشان نباید جامعه را به «خرافه‌گوئی ، تناقض‌گوئی و ذهنی‌ـ گرائی مارکسیستی ... آلوده سازد .»البته حق قضاوت درباره همچو خرافات و تناقض گوئیها راهم آقای دکتر حجازی برای خودش حفظ کرده وقول داده است که قواعد و ضوابط این امر را هم درکتابی چاپ و خوانندگان‌خودرا مستفیض فرمایند. متاسفانه آقای دکتر حجازی غافل از این واقعیت است که آزادی اندیشه و بیان قید و شرط بردار نیست ، وهرنوع قید و شرطی دراین باره تنها میتواند نمایانگر درجه اختناق‌باشد. دراینجا باز لازم میدانم ازهمان نوشته آقای بنی‌صدر که حتما مورد تائید آیت‌الله خمینی میباشد ، مطلبی در این باره نقل کنم . آقای بنی صدر مینویسد : « من طرفدار این عقیده هستم که هرگونه سانسور چه با وسائل ذهنی و چه عینی مخالف‌قطعی با اسلام است و بانص صریح قرآن در تضاد . بنظر ما هرکه هرچه می خواهدباید منتشر کند.» البته مسلم است که آزادی‌عمل در هر جامعه‌ای مطابق قوانین آن جامعه محدود می شود ونیازی به کتاب قواعد و ضوابط فردی ندارد . از این روی بنده باور نمی کنم مردم ایران برای مطالعه کتاب آینده آقای دکتر حجازی درباره اندیشه و بیان‌و عمل عجله خاصی داشته باشند.

حدود حقوق فرزانگان پیرو فلسفه های دیگر را هم آقای دکتر تا اندازه‌ای مشخص کرده است : آنها حق تصمیم ـ گیری نخواهند داشت زیرا که « در حزب کمونیست شوروی هم تصمیم گیری با کاپیتالیست ها ، نیست . البته آدم انتظار ندارد که آقای دکتر حجازی چگونگی کار کرد حزب کمونیست شوروی را مبنای استدلال خود قرار دهد.

با همه اینها در میان حملات‌متعصبانه آقای دکترحجازی به یک نفر اهل قلم که جرات کرده است اندیشه و افکار خود را بی پرده بگوید وپاپس از یک نسل اختناق مطلق نفسی تازه کند ، چند نکته روشن و امیدبخش وجود دارد . مثلا میگوید : « در یک جامعه اسلامی احدی صاحب قدرت نمی شود تا انگیزه‌ای برای فساد بوجود آید ، قدرت را تنها جامعه بدست دارد و رهبران اسلامی بدون هیچ امتیازی ازدیگر افراد جامعه ، پاسداران وخدمتگزاران‌انقلاب اسلامی هستند »ودر جای دیگر می پرسد : «... اگرمنظورتان ازسوسیالیسم برقراری عدالت اجتماعی ، زیرا گذاشتن نظامات‌طبقاتی مشارکت آحاد ملت در امر حکومت ،تاکید بر منافع اجتماع ، نظارت شدید حکومت بر اقتصاد و در نهایت جامعه نمونه‌ای درجهان ساختن (باشد) این همان شاخه‌ایست که بر تنه درخت جهان‌بینی اسلامی دیده میشود .» وباز هم وقتی که می گوید : بی تردید هر ایرانی مکلفی و مسئول میداند که واژه «جمهوری اسلامی » یعنی بجای یک فردآحاد ملت در امر اداره کشور با رای دادن خود دخالت میکند ...»

برداشت من از این مطالب آقای دکتر حجازی این است که جامعه روحانیت هرگز در صدد تحمیل فلسفه ، قواعد و ضوابط خود به مردم ایران برنخواهد آمد و تنها این قواعد وضوابط رادر کنار قواعد و ضوابط فلسفه های دیگر درمعرض افکار عمومی قرار خواهد داد و از آنجا که به عقیده هم ما مسلمانان ، قواعد و ضوابط اسلامی دارای ماهیت مترقی و ارزش‌ذاتی است ، اغلب آنها تحت همان اسم یا با اسامی دیگر از طرف مردم پذیرفته خواهد شد وجزو قوانین مملکتی درخواهد آمد . تنها در این صورت است که این قواعد و ضوابط میتوانند بطور دموکراتیک به‌زندگی مردم ایران راه یابند و تنها در این صورت است که یکی ازطولانی ترین مبارزات حق‌ـ طلبانه تاریخ ، که مردم ستمدیده ایران‌هفتاد و پنج سال است بار سنگین آن را بدوش میکشد ، می‌تواندبه‌هدفهای نهائی خودبرسد و تنها در اینصورت است که « جمهوری اسلامی » میتواند مصداق پیدا کند.

شاه:

(بقیه از صفحه ۷)

ج : خیلی قوی است ، ولی نه آنقدر که بتواند در مقابل روسها دوام بیاورد . این مسلم است . مثلا ما بمب اتمی نداریم . ولی من احساس می کنم که اگر جنگ سوم جهانی شروع شود بتوانیم دوام بیاوریم . بله ، من گفتم جنگ سوم جهانی ، بعضیها فکر می کنند جنگ سوم جهانی ممکنست از مدیترانه شروع شود ، ولی من می گویم که خیلی ساده‌تر و آسانتر ممکن است از ایران شروع گردد . اوه بله ، خیلی آسانتر . در واقع ما هستیم که مواد اولیه انرژی رادر دنیا کنترل می‌کنیم نفت برای رسیدن به بقیه دنیا از مدیترانه نمی گذرد بلکه از طریق خلیج فارس و اقیانوس‌هند می گذرد بنابراین اگر شوروی حمله کند ، ما مقاومت خواهیم کرد و خواهی نخواهی ما در آن آغشته خواهیم شد و کشور هائیکه‌کمونیست نیستند دست روی دست نخواهند گذاشت ، و دخالت خواهند کرد ، و جنگ سوم جهانی شروع خواهد شد ... مسلم است . دنیای غیر کمونیست از دست دادن ایران‌را تحمل‌نخواهد کرد چون می داند با آن همه چیز را از دست خواهد داد . متوجه شدید ؟

س : کاملا و بصورت بیرحمانه‌ای ، عالیجناب . برای اینکه شما از جنگ سوم جهانی طوری صحبت می کنید مثل اینکه همین فردا بوقوع خواهد پیوست.

ج : در مورد آن صحبت می کنیم چون امکانش هست با امید آنکه هرگزاتفاق نیفتد. اما جنگ کوچکی با یکی از همسایه ها ما را از نزدیک می بینم . در اصل بجز دشمن در مرز های خود دوستی نداریم . فقط عراق نیست‌که ما را ناراحت می کند .

ادامه دارد

★

این مصاحبه بدست دانشجویان‌مسلمان دانشگاه تهران در دیماه ۱۳۵۷ ترجمه و در نسخه های معدود زیراکس و پخش شده است .

نیازمندیهای آیندگان

تلفنی آگهی قبول میکند تلفنهای: ۶۶۳۱۷۱ ، ۶۶۶۳۲۰ ، ۶۴۸۴۷۴

املاک و مستغلات

سازمان تهیه مسکن ویلابژ خرید- فروش- اجاره ۸٤۱۵۹۷

همه نوع آپارتمان، ویلا جهت اجاره و فروش موجود است ۹٤۰۲۲٤-۹٤۱۷٤۹

دفتر مشترک جهت محل‌کار حوالی میدان‌ونک موجود است تلفن ۶۸۲٤۱۳

آپارتمان و ویلا جهت اجاره و خرید نیازمندیم- ۹٤۰۲۲٤- ۹٤۱۷٤۹

تهیه مسکن ابرون

۶۸۲٤۱۳

زود- تند- سریع

اگر بدنبال خانه می‌گردید ویا می خواهید خانه و آپارتمان خالی خود را اجاره دهید فقط با تهیه مسکن شاهیرک تماس‌بگیرید

۸۵۷۵۹۰

۸۵۷۶۵۵

اپرمن واقع در میدان ۲٤ اسفند جهت سکونت و محل کار اجاره داده می شود ۹۲۱۱۰۸

تعدادی آپارتمان برای‌اجاره بین ۳ الی ۵ هزار تومان موردنیاز است ۶۸۰۳۱۸ - ۶۸۰٤۸۱

مسکونی- مطب
آپارتمان ۳ اطاق خوابه حوالی مجیدیه ۸۵٤۱۳۵ - ۹ الی ۱۲ صبح

آپارتمان فروشی شمال جردن یکخوابه ۹۵ متر مساحت خالص ۷ الی ۹ بعداز ظهر ۲۲۱۹۰۰

تعدادی آپارتمان با حداکثر وسایل رفاهی از ۱ تا ۳ اطاق خوابه با اجاره‌عادلانه موجود است

تلفن ۸۲۵۰۶۰

آپارتمان ۲ خوابه- شوفاژ- کولر- انباری- پارکینگ- پهلوی نبش آریامهر ۹۸۲۹۸۵

آپارتمان وویلا همه نوع جهت اجاره موجود است ۳۱۰۱۶۹

تعدادی آپارتمان و خانه های ویلائی موجود است ۷۵۱۳٤۵ - ۷۵۳۳۹۹

اجاره‌ای

جهت سکونت و دفتر کار موجود است ۶۸۵۹۹۳

دفتری با مبلمان مدرن

دارای چهار اطاق در خیابان گاندی واگذار می شود ۲۷۰۹۰۵

فوری
آپارتمان۲الی ٤ هزارتومان شما را دراسرع وقت‌اجاره می دهیم ۶۸۲٤۱۳

تعدادی آپارتمان ۱ و۲اطاق خوابه ارزان قیمت فوری نیازمندیم ۶۲٤۹۰۹

تهیه مسکن ساحل

خرید-فروش- اجاره‌معرفی کننده بهترین آپارتمان و ویلاجهت‌سکونت‌و محل‌کار ۶۸۲۰۰۹ - ۶۸۶۶۳۹

مستاجر محترم

آپارتمان و دفتر کار با۲۵ درصد تخفیف آماده اجاره می باشد

-۸٤۹۸۶۵

۸٤۷۱۳۲

آپارتمان ۲ خوابه‌درجردن نوساز با ۳۰۰ هزارتومان وام بانکی ۶۵۰ هزارتومان جهت فروش موجود است ۲۲۵٤۹۱- ۲۲٤۷۲۹

بتعدادی آپارتمان ویلای خانگی و محل کارنیازمندیم ۷۵۱۳٤۵ - ۷۵۳۳۹۹

آپارتمان سه اطاق خوابه در یوسف‌آباد با موکت و پرده و شوفاژ کولر اجاره داده می شود تلفن از ۸ تا ۳بعداز ظهر ۸۹۷۱۸۲ و ۸۹۷۱۹۲ و از ۳ ببعد ۶۳۵٤۵۰

آپارتمان و ویلا جهت اجاره و خرید فورا نیازمندیم

۸۵۰۰۸٤

آپارتمان های فروشی با وام و بدون وام موجود است ۶۵٤۹۲۷

آپارتمان - ویلای شما ر ۲٤ ساعته اجاره می دهیم در صورتیکه قیمت عادلانه باشد تلفن ۸٤۱۵۹۷

آپارتمان ۱ تا ۳ خوابه ارزان‌قیمت موجود است ۶۲۵۳۱۷

یک منزل چهار طبقه سه اتاق خوابه در عباس اباد پاکستان دوازدهم شماره۱۷ با قیمت مناسب ۶۲۷۶۲۱

اکازیون

یکدستگاه ویلای نوساز واقعدر قلهک خیابان‌دولت دونبش با ۲٤۰ متر زمین ۱۵۰ متر زیربنا با ۱۵۰ متر زیرزمین قابل سکونت و گاراژ- استخر- شوفاژ- تلفن مستقل بدون واسطه فروشی- قیمت یک میلیون و صدهزار تومان تلفن ۲۶۸۵۶۸

آپارتمان میخواهید یاویلا

در شمال شهر موجود است تزئینات دکوراسیون نقاشی ۸۳۸٤۷۵

دفتر تهیه مسکن فرندس خرید و فروش و اجاره آپارتمان درکلیه نقاط تهران نقد و اقساط ۳٤۰٤۹۰

سازمان مسکن آلفا

همه نوع آپارتمان جهت اجاره و فروش موجود است

۸۵۰۰۸٤

سازمان تهیه مسکن ۱۲۱

یک خوابه ۳۵۰۰ تومان
دو خوابه ٤۵۰۰ تومان
۳ خوابه ۵۰۰۰ تومان
ویلا از ۸ هزار تومان به بالا جهت اجاره موجود است ۲۲۵٤۹۱ - ۲۲٤۷۲۹

مسکن سلحشور

سریعترین مرکز اجاره-خریدو فروش
۶۲۳۶۷٤ - ۶۲۷٤۵۵

سرقفلی فروشی با تلفن در ساختمان آلمینیوم ۸٤۱۵۹۷

توجه

مالکین محترم تعداد زیادی آپارتمان تا مبلغ ٤ هزار تومان نیازمندیم ۸۳۲۷۰۱- ۸۳۸٤۷۵

اکازیون

تک واحدی
آپارتمان ٤ اطاق خوابه لوکس اسپرخانه خارجی پارکت خارجی شوفاژ مبل‌دار با سرویس و تجهیزات کامل به مساحت ۲۰۰ مترمربع بااضافه پارکینگ و فیش تلفن در بهترین منطقه ونک خیابان سپیده پلاک ۲۷ طبقه‌سوم به قیمت ۱۲۰۰۰۰۰ تومان به فروش می رسد تلفن ۶۸۳٤۱۰ از ساعت ۵ تا ۷ بعدازظهر

آپارتمان کرایه دو خوابه مبلمان کامل با تلفن و فنکوئل ۵ الی ۷ بعداز ظهر ۶۲۷۱۰۰

ویلا در گلشهر کرج ۳۲۰ متر زیربنا ٤۸۰ متر مساحت با شوفاژ فروشی یا معاوضه ۵۲۱۶۳۶

یک باب شعبه نفت باتمام تجهیزات به فروش می رسد

۶٤۸۹۱٤

منزل ۲ طبقه ونیم ۱۵۹ متر زمین به فروش می رسد ۳۳۸۲۵۵

آپارتمان ۳ اطاق خوابه درکیشا اجاره ۵ هزار تومان‌بیواسطه‌تلفن۶۳۹۶۰۵

تهیه مسکن شارپ

در مورد خرید فروش اجاره همه نوع آپارتمان ویلا از تخت‌طاووس ببالا در خدمت هموطنان عزیز می باشد ۶۸۰۶۰۰ و ۶۸۰۶۰۱و ۶۸۷۱۵۵

ظفر ۲ خوابه تلفن مستقل شوفاژ ٤ تومان ۹۳۲۹۹٤

خانه‌ای دوبر دوطبقه به مساحت ۳۵۰ متر بفروش می رسد تلفن ۷۶٤۷۸۱بین ساعت ۳ الی ۶بعدازظهر

آپارتمان ۲ اطاق خوابه با وام بانکی

تلفن ۶۳۳۹۱۸

حیاط دربست حوالی ۲٤ اسفند ۶۶۶۶۶۷

آپارتمان های اجاره‌ای موجود است تلفن ۶۵٤۹۲۷

اکازیون

آپارتمان ۲ خوابه ظفر بلوار صبا پلاک ۱ اجاره داده می شود ۲۲۸۰۳۵

ایران‌ارژنگ معرفی میکند

شمیران ۲ خوابه ۳۵۰۰
عباس‌آباد ۳ خوابه ٤۵۰۰
وزراء ۲ خوابه ٤۵۰۰
ظفر ۳ خوابه ۵۰۰۰
گاندی ۳ خوابه ۵۵۰۰
جردن ٤ خوابه ۷۰۰۰
و دهها آپارتمان اکازیون دیگر سکونت و کار ۸۳۷۸۰۵- ۸۲۲۶٤۸

فروش زمین

۲۶۰ مترزمین در فردیس کرج بفروش یا با ماشین معاوضه می‌گردد ۳٤۰٤۹۰

اسکان سریع ترین مرکز اجاره خرید و فروش

۶۸۲۲۷۰

آپارتمان ۱ اطاق خوابه با شوفاژوکولر وپارکینگ مقطوع ۲۶۰ تومان ۹۷۷۹۱۹

آپارتمان ۱ و ۲ اتاق‌خوابه شما را فورا اجارمی‌دهیم ۸۳۸۱۷۳

اجاره اطاق با ناهار و صبحانه مخصوص خانم ها و دوشیزگان ۷۶۳۲۲۰

مالکین محترم

تعدادی خانه و آپارتمان فورا نیازمندیم

تلفن ۶۶۶۶۶۷

مرکز خرید و فروش و اجاره تلفن ۲۳۳۷٤٤

آپارتمان ۲ خوابه برای اجاره تلفن ۶۲۹۹۱۰

مالک و مستاجر عزیز

آژانس فلاور

هنوز همدرخدمت شماست برای اجاره ویلاو آپارتمان در شمال شهر با ماتماس بگیرید تلفن ۲۹٤۶۸۸ - ۲۹۳۳۶۱

آپارتمان ۲ خوابه لوکس مبله کامل رهن و اجارهدر گیشا با اجاره مناسب‌تلفن ۱۵- ۶۳٤۰۱٤

مسکن آلکزا

اجاره- خرید- فروش ۹۳۷۹۳٤ - ۹۳۲۹۹٤

آپارتمان ۲ اطاق خوابه خیابان‌بیت مقابل‌بیمارستان پهلوی با شوفاژ و کولر موکت ، کاغذ دیواری با تلفن ۵۵۰۰ تومان‌تلفن ۳۳۲۲۲۸

زعفرانیه٤ اطاق خواب هال وسالن کلیه تاسیسات با دکور کامل تلفن ۲۷۱۸۰۶

یکدستگاه آپارتمان در کاخ جنوبی جهت اجاره تلفن ۸۹۸۹۱۵

آپارتمان ویلای شما را در تمام نقاط تهران در اسرع وقت اجاره می دهیم ۹۳۹۸۶۵

شاه ۲ خوابه کولر- شوفاژ- تلفن ۳۵۰۰تومان یوسف‌آباد ۲ خوابه چهار هزارتومان کولر- شوفاژ- تلفن ۹۳۹۸۶۵

آپارتمان ویلا مسکونی و تجارتی با قیمت مناسب نیازمندیم

مالکین محترم

آپارتمان ویلا مسکونی و تجارتی با قیمت مناسب نیازمندیم

۶۸۱٤۷۵

۶۸۵۹۹۲

یک زیرزمین حوالی ونک ۳ اطاق خوابه با حیاط ٤۵۰۰ تومان ۶۸۵۲٤۸

خرید و فروش ویلا و آپارتمان در شمال شهر ۶۸۵۵۳۳ املاک شریفی

اکازیون

الهیه منزل ویلائی مهندسی ساز به مساحت ۵۲۰ متر زمین و ۷۵۰ متربناشوفاژ- کولر- تلفن دوبر بفروش می رسد ۶۸۵۵۳۳ - ۶۸۰۱۳۶

آکازیون

فروش بیواسطه آپارتمان نوساز ۲ اتاق خوابه۱۱۷ متر انتهای محمدرضا شاه- ونک با وام ۶۵۰٤٤۸ - ۶۲۳۳۹۲

محلی جهت مکانیکی یاتعویض روغن برای اجاره نیازمندیم

۸۳۲۲٤۲

دفتر تهیه‌مسکن هاشمی

مرکز خرید و فروش و اجاره تلفن ۲۳۳۷٤٤

اسکان

تنها موسسه‌ای که آماده گرفتن آدرس و اجاره‌دادن واحد مسکونی شما تا ۵۰۰۰ تومان

۶۸۲۲۷۰

اکازیون شمال‌شهر

آپارتمان ۳ خوابه ضد زلزله ۱۷۰ متر زیربنا دوپلکس ۹۰۰ هزارتومان
آپارتمان ۳ خوابه ۱۵۰ متر زیربنا ۸۰۰ هزار تومان
آپارتمان ٤ خوابه ۲۵۰متر زیربنا یک میلیون وپانصد هزار تومان
آپارتمان ۲ خوابه تلفن آسانسور ۶۵۰۰هزارتومان

سازمان‌تهیه مسکن جستجو

-۶۸۰۳۱۸

۶۸۰٤۸۱

یک اطاق مبله با تمام وسایل زندگی تلفن شوفاژ کولر به یک خانم یا آقا داده می شود

۶۳۶۷۸۵

شمیران تجریش باغی به مساحت ۷۵۰۰ متر با چند دستگاه ساختمان به قیمت ۸ میلیون تومان به‌فروش می رسد ۲۷۱۱۵۳

آپارتمان جهت سکونت و دفتر کار موجود است
۲ خوابه جاده قدیم ۰۰۰ تومان
۱ خوابه مبله کامل فرح شمالی ۳۵۰۰ تومان
۲ خوابه ظفر ٤۲۰۰تومان
۲ خوابه سلطنت‌آباد تومان
۶۸۵۹۹۳

یک دستگاه آپارتمان استودیو کاملا مبله‌حوالی سلطنت‌آباد جهت اجاره ۲٤۵۳۰۷

٤ دستگاه آپارتمان خوابه با فنکوئل‌درعباس آباد مقابل سوپر شیلان و آپادانا اول خیابان نوبخت اجاره داده می شود ۸۵۰۹۱۵ - ۰۹۵۵

خانه‌ای دو طبقه درنارمک ٤ اطاقه با سرویس کامل فیش تلفن ۵ ساله آماده تحویل با بهترین قیمت پیشنهادی بفروش یا اجاره داده می شود ۶۲۳۶٤۱ - ۶۲۹۶٤

آپارتمان ۲ خوابه نیمه‌مبله و سرویس کامل با تلفن مستقل اجاره دادهمیشود. ۹۲۵۶۷۲ - ۳۰۳۲۳۸

گاندی ۲ خوابه ٤ تومان روزولت ۲۵ شهریور ۲ خوابه ٤ تومان جردن ۳ خوابه ۶ تومان عباس‌آباد ۳ خوابه ٤۵۰۰ ۸٤۲۶۷٤ - ۸۵۵۹۵۸

اکازیون تک‌واحدی

آپارتمان ٤ اطاق خوابه لوکس اسپرخانه خارجی پارکت خارجی سوساز مبل‌دار با سرویس و تجهیزات کامل به مساحت ۲۰۰ مترمربع بااضافه پارکینگ و فیش تلفن در بهترین منطقه ونک‌خیابان سپیده پلاک ۲۷ طبقه‌سوم به قیمت ۱۲۰۰۰۰۰ تومان بفروش می رسد تلفن ۶۸۳٤۱۰ از ساعت ۵ تا ۷ بعدازظهر

بازار عباس آباد

خانه جهت فروش یا اجاره بارانداز تلفن ۹۲۱۳۵۱

اجاره و خرید و فروش‌هر نوع آپارتمان تلفن۸٤۵۱٤۷

اکازیون نارما

آپارتمان ۲ خوابه درظفر ٤ هزار تومان
آپارتمان ۲ خوابه در ونک ۵۵۰۰ تومان
آپارتمان ۳ خوابه در گیشا ٤۵۰۰ تومان
آپارتمان ۲ خوابه در یوسف‌اباد ٤۲۰۰ تومان
آپارتمان ٤ خوابه درگاندی ۷ هزار تومان
آپارتمان ۱ خوابه در ونک ٤ هزار تومان
آپارتمان ۳ خوابه درعباس اباد ۵۵۰۰ تومان
۶۸۵۲٤۸ - ۶۸۵۵۷۵

فروش ساختمان ویلائی دو طبقه مجهز به تمام تاسیسات و محوطه سازی و استخر ظفر انتهای وثیقی ۲۲۸۳۱٤- ۲۲۸۳۱۲

شرکت تی.دم

آپارتمان های مسکونی از ۳۰۰۰ تومان ببالا موجود است.

-۸۳۵۹۹۷

۸۳۶۳۱۶

شرکت نارما
به تعداد زیادی آپارتمان‌و ویلا برای اجاره نیازمند است ۶۸۵۲٤۸ - ۶۸۵۵۷۵

آپارتمان مبله۳ اطاق‌خواب ۲۰۰ متر زیربنا - شوفاژ- کولر- آسانسور تلفن مستقل - استخر مشترک پارکینگ واقع در خیابان نفت قیمت ۹ هزار تومان اجاره داده می شود ۲۲٤۳۹٤

مالکین محترم ۵۰ دستگاه

آپارتمان زیر ٤۵۰۰ تومان اجاره میشود

۸۳۷۸۰۵

۸۲۲۶٤۸

آپارتمان ۱ اطاق خوابه با حمام و آشپزخانه کولر شوفاژ آسانسور در طبقه دوم جنوبی کاخ بین‌شاه و شاهرضا خیابان ناهید نبش مریخ پلاک ۳٤ به فروش می رسد تلفن ۱۳- ۵۹۰۰۱۱

آکازیون برای فروش آپارتمان ۲۰۰ متر زیر بنا در خیابان‌ایرانشهر شمالی با پارکینگ مناسب برای محل کارو سکونت تلفن ۸۲۹۷۱٤

خانه‌ای مستقلاتی ۲ طبقه هر طبقه مجهز ٤۰۰ متر زیربنا با کاز در بهترین نقطه تهران گیشا خیابان بلوچستان بفروش میرسد ۶۳۷۵۵۳

اکازیون

یک ساختمان سه طبقه شخصی و مهندسی‌ساز۲ اطاق خوابه باتمام‌تاسیسات وام بانکی ۵۰۰۰۰۰ تومان ۱۵ ساله یکجا بفروش می رسد تلفن ۷۶۸۹۵۸

آپارتمان یک خوابه تک واحدی با کولر و پردهو تلفن اختصاصی شاهگلشن ۳۲۰ هزار تومان عصر ها با تلفن ۹۳۵۲۵۲

طبقه اول شاهپور دو اطاق با سرویس ۵۰ هزارتومان ودیعه و ۳۰۰ تومان اجاره ۵۶۰۲۳۵

مستقل با قیمت مناسب خانه دو طبقه شمالی‌جمعا ۶ اتاق ۱۷۵ متر باسرویس کامل و ۲ خط تلفن ۸٤۸۰۸۸ - ۶٤۶۹۷۷

نیازمندیم

آپارتمان های ۱ یا۲ اطاق خوابه جهت اجاره از تخت طاوس به بالا حدود قیمت ۳تا ٤ هزار تومان نیاز فوری داریم ۲۲۰۶۶۲- ۲۲۲۹۰۶

یک اتاق با تلفن برای محل کار اجاره داده می شود ۷۶۵۷۵۳

ساختمان ۳ طبقه مستقلاتی مدرن نوساز به مساحت ٤۰۰ متر هر طبقه ۳ اطاق خواب سالن سرویس کامل استخر- روکارسنگ به قیمت ۲ میلیون و پانصدهزار تومان بفروش می رسد ۲۷۱۱۵۳

خانه‌ای ۲اطاق و آشپزخانه و حمام و کولر درخیابان قصرالدشت دامپزشکی اجاره داده می شود. تلفن ۹۶۱٤۰۵ از ساعت ٤ببعد

سامان ۲ و نک

استودیو طبقه دهم مبله با تلفن بعلت مسافرت بفروش میرسد ۲۸۷۳۳۳

آپارتمان و ویلای شما را در تمام تهران اجاره می دهیم ۸۵۵۹۵۸ - ۸٤۲۶۷٤

بندر پهلوی غازیان یک دستگاه ساختمان بمساحت ۵۰۰ متر زیربنا ۲۲۰ متر یک طبقه ٤ خوابه نوساز آب و تلفن موکت - پارکینگ بفروش می رسد ۸۳۸۸۳۵ - ۸۲۱۹۵۲

منزلی دو طبقه به مساحت ۱٤۸ متر سه نبش با تلفن بفروش می رسد ۶۸۷۶۳۷

یکدستگاه آپارتمان به مساحت ۱۵۰ متر- شوفاژ تلفن وپارکینگ اختصاصی واقع در ونک به فروش می رسد ۶۸۷۶۳۷

به تعدادی آپارتمان های ۱الی ۲ اطاق خوابه نیازمندیم ۶۸۲٤۱۳

همکف یک اطاق خوابه مبله در سیدخندان اجاره ۳۵۰۰ تومان ۲۳۱۹۷۹

به ما تلفن کنید تا خانه یا آپارتمان شما را در زودترین وقت ممکن اجاره دهیم

۶۸۰۲۷۲ اسکان

تعمیرات

تعمیر و نصب اف اف سیم‌کشی ساختمان۸۹۹۹۵۸

نصب نگهداری‌و تعمیرات شوفاژ

۹۲۱۱۰۸

نصب و نگهداری شوفاژ

۲٤ساعته

۸٤۶۵۳٤- ۶۶۱۲۰۰

ترکیدگی و لوله‌بازکنی

-۷۵۷۲۲٤

۲۳۵۵۳٤

شرکت‌ویزان عصر

طرح و اجرا تهویه‌مطبوع شوفاژ دیگ بخار- گاز تعمیر و نگهداری بانازلترین قیمت

۸٤۹۷۱۲

نصب و سرویس بخاری و ابگرمکن نفتی و گازی‌فوری

تلفن ۷۶۷۲۹۵

تعمیرات ساختمان تزئینات تاسیسات ۹۳۶۳۹۹

شرکت‌ان-ك- پور

نصب سرویس و نگهداری شوفاژ تهویه لوله‌کشی‌آب گاز و دیگر کار های تاسیساتی با کادر مجهز در اسرع وقت

۸۰۲۷۶۲

اندیشه نجات

نصب شوفاژ تهویه مطبوع اقساط۱۲ ماهه

رادیاتور فولادی و آلومینیومی متری

۸۶تومان

تعمیر دستگاه شوفاژ بدون تعطیلی شبانه‌روزی

۷۹۷۸۰۱

شرکت بلاور

تعمیرات و نگهداری برق بیمارستانها کارخانجات‌و ساختمانهای بزرگ تلفن ۶۶۸۶۷۹

شرکت ریموت نصب و تعمیر راه‌اندازی شوفاژ شبانه‌روزی

۸۵۱۲۶۹

شوفاژ

تعمیرات و سرویس‌و نگهداری

۸۳۸۲۳۳

نصب سرویس وراه‌اندازی

شوفاژ

۶۸۵۹۹۲

۶۸۱٤۷۵

تعمیرات و سرویس‌شوفاژ

۸۵۱۰۱۸

شوفاژ

نصب تهیه تعمیر ونگهداری لوله‌بازکنی و تشخیص ترکیدگی

۹۲۱۰۰۹

شرکت هاتشور

شوفاژ

نصب و نگهداری وتعمیرات شوفاژ

شرکت ایتالیشن

۸۹۲۶٤۸

شوفاژ تعمیرفوری هر نوع شوفاژ

تلفن ۸۲٤۹۷۵

۸۳۸۹۱۸

به آقای مبصر مراجعه‌فرمائید

شوفاژ

سرویس بخاری و ابگرمکن و لوله‌کشی تلفن ۸۳۵۹۹۷

تعمیرات - سرویس - نگهداری ۸۲٤۲۳۳ سرحت لوبان

سرویس بخاری‌و آبگرمکن و لوله کشی ۸۳۶۳۱۶ - ۸۳۵۹۹۷

تعمیرات فوری شوفاژ ۶۲۹۸۷۶

تعمیر و نگهداری شوفاژ

۸٤۶۵۳٤

۶۶۱۲۰۰

تعمیر شوفاژ و جوشکاری آبگرمکن نفتی و گازی ترکیدگی لوله - سرد و گرم

پیمان۶۶۳۵۵۲

۹۷۹۵۰۱

تعمیروسرویس

پرده کرکره و دربازکنی در محل ۷۵۲۸۰٤

تعمیرات ساختمان

اسفالت- رول‌پلاک- نصب سنگ و نقاشی ۸٤۱۵۹۷

تعمیرات - نگهداری‌شوفاژ ماشین لباسشوئی

۷۶٤۰۳۰

لوله‌بازکنی

اندیشه نجات

لوله بازکنی تشخیص ترکیدگی تخلیه‌چاه شوفاژ

۷۶۶۸۸۶

موسسه فنی‌تهران تکنیک

لوله بازکنی تشخیص ترکیدگی تخلیه چاه

فوری بدون تعطیل

۸۵۱۸۸۶

۳۵۰۸۳٤

لوله بازکنی

۶۸۲۳٤٤

لوله بازکنی فوری

۶۸۲٤۱۳

موسسه فنی دانشمند

تخلیه هرنوع چاه وتشخیص ترکیدگی

ترمیم و بنائی- لوله‌بازکنی بدون تعطیل ۷۵٤۶۸۱ - ۳۵۶۱۶۱

۳۶۰۲۲۰

لوله‌بازکنی شبانه‌روزی

فوری ۶۳۶۳۷۹

موسسه فنی تهران

تشخیص ترکیدگی لوله تخلیه‌چاه لوله بازکنی

بدون تعطیل‌با سرویسهای مجهز

۸۵۱۶۲۹

۳۶۷۸۱۶

۸۵۱۶۳۰

تشخیص ترکیدگی لوله و لوله‌بازکن فوری

۸۲۲۶۲٤

لوله بازکنی

تشخیص ترکیدگی لوله

۹۲۷۵۱٤

برای ساختمان شما

نوسازی و تعمیرات ساختمان

شرکت ارتاج

۶۶۵۲۷۰

۶٤۸۵۵۲

دکوراسیون ۲۰۰۰

ارزانتر- سریعتر- بهتر کاغذ- موکت- نقاشی ساختمان ۸۲۸۲۰۹

شرکت‌بخارست

انواع کاغذ دیواری موکت- کفپوش- پرده و نقاشی ساختمان خیلی فوری‌خرید- فروش- اجاره ۶۲۶۶٤۱

سقفهای سالن

سایبان اتومبیل - سقف حیاط خلوت

۸٤٤۳۷۰

اطلاعیه

از هر قبیل کارهای ساختمانی قبول می‌شود ۲٤۹۱۶۸

قیمت شکن

انواع موکت های نمدی متر مربع ۲۰ تومان کبریتی ٤۰ تومان کاغذ دیواری ۲۰ درصد تخفیف انواع کفپوش - پرده - پوستر- پارکت- پارتیشن نقاشی ساختمان - نقد و اقساط پروژه ۲۳۵۵۸۶

نقاشی و تعمیرات ساختمان و تزئینات

۶۶۶۶۶۷

تزئینات مدرن

طرح و اجرای دکوراسیون ۹۲۳۸۵۱

مجرب‌ترین گروه تزئیناتو نقاشی ساختمان به قیمت تجارتی ۹۳۱۵۹۳ - ۹۳۸۶۳۶ - ۹۲۱٤۹۲

دکوراسیون صاداکو تزئینات ساختمان‌بانازلترین قیمت ۸۳٤٤۵۱

موکت- کاغذ- نقاشی و... یک ساعت پس از تلفن ۶۲۹۸۷۶

رول پلاک سنگ و سنگ کاری و تعمیرات ساختمان ۹۲۳٤۵۵ - ۹۳۱۲٤۹

منزل و محل کار شما را سریع- عالی- ارزان - تزئین میکنیم موکت- کاغذ- نقاشی ۸۳۷۸۰۵- ۸۲۲۶٤۸

شرکت تی.پی

بام خانه شما هرگز چکه نخواهد کرد اگر انرا با ضمانت ۱۰ ساله ماایزوگام کنید

۶۲٤۷۱۷

اثاثیه

شرکت‌فرش صادراتی

فرشهای‌نوکهنه‌اعلاشمارا خریداریم۷۶۳٤۰۲

فرش‌شایان

بهترین خریدار قالی قالیچه کهنه و نو جهت صادرات کاخ

۶۶۱۰۶۹ و۶۶۶۲۳۰

اثاثیه و مبلمان امریکائی فروشی ۲۲۰۱۳۲

کلیه لوازم منزل و لباس بفروش می رسد تلفن ۶۸٤۸۹۱

کلیه مبلمان و لوازم منزل بفروش می رسد ۸۹۶۵٤۶

لوازم خارجی از قبیل مبل تختخواب و لوازم زندگی بفروش می رسد تلفن ۲۲۲۲۷۲ - ٤- ۲۲۲۲۶۳

یک پار بفروش می رسد تلفن ۲۸۵۳۸۹

کلیه لوازم منزل نو و یک پیکان ٤۹ یکجا یاجداجدا بقیمت مناسب بفروش می رسد ۶۲۹۰۲۱ - ۶۲۸٤۹۱ داخلی ۳۵

مبلمان استیل ایتالیائی به فروش می رسد ۲٤۷٤۰۲

مبلمان سوئدی

مبلمان و تزئینات سالن پذیرائی و حمام‌ودستشوئی خود را از ما بخواهید ۶۸۲۲۸٤

فروش لباس و لوازم کاردستی پاکستانی ۸۳٤۸۷۵

حراج لباس های خارجی نو و دست دوم و لوازم منزل تلفن ۲۲۳۹۰۲

اسکی و پوتین دوچرخه بزرگ و بچه‌گانه و دومیز شیشه‌ای پایه کرم ۲۸٤۹۵۸

فروش فوری مبلمان اسکاندیناوی اصیل و پاراوان ژاپنی و وسائل منزل ۲۹۱۳٤۱

استخدام

خانم ، آقا اگر با درآمد ماهیانه حداقل ۶۰۰۰۰ریال موافق هستید ودارای‌دیپلم و کمی استعداد واتومبیل میباشید در امر تهیه مسکن و مجهزترین شرکت تهیه مسکن با ما همکاری کنید. پهلوی‌مقابل پارکشاه‌شاهی خیابان ارمغان شماره ۱۵

استخدام مترجم

اداره مطبوعات سفارت شوروی واقع در باشگاه شوروی درتهران نیاز به مترجم باتجربه روسی به فارسی دارد لطفاصبحهابا تلفن ۳۷۳۹٤۳ تماس‌بگیرید

استخدام
به چند نفر جوان با داشتن وسیله نقلیه برای تهیه مسکن نیازمندیم ۶۸۵۵۷۵

بیک تلفنچی زن نیازمندیم

۶٤٤۲٤۱

از کلیه ویزیتور ها و افراد جویای‌کار با حقوق ثابت یا پورسانتی دعوت بهمکاری می شود ساعت مراجعه با در دست داشتن مدارک لازم از ۸ الی ۲ آدرس- خیابان پهلوی‌کوی بیمارستان کوی شرافت پلاک۱

یک تحصیل‌دار با موتورو تضمین معتبر و چندو زیتور دیپلمه‌و یک منشی نیازمندیم. آدرس- انتهای سیدخندان میدان فرح پلاک ۱۲ طبقه سوم شرکت پلاور

پزشک متخصص زنان‌آماده همکاری است ۷۵۹۱۶۳

نیازمندیهای آیندگان

تلفنی آگهی قبول میکند تلفنهای: ۶۶۳۱۷۱، ۶۶۶۳۲۰، ۶۴۸۴۷۴

بازگشت آیت‌الله خمینی ۴۸ ساعت به تاخیر افتاد

(بقیه از صفحه اول)
کنندگان طرفدار آیت‌الله خمینی پیوستند و در مشهد لشکر هفتم به عنوان مخالفت بادولت دست به اعتصاب‌غذازده‌است.

قطبزاده تکذیب کرد که آیت‌الله خمینی در هفته پیش‌با یک پزشک ملاقات کرده‌است‌و به او گفته شده یک هفته استراحت کند. وی وضع جسمانی آیت‌الله خمینی را «سالم» توصیف کرد و گفت آیت‌الله العظمی اندکی خسته شده‌اند اما از سلامت کامل برخوردار هستند. قطبزاده‌به شدت به اقدام پلیس انگلیس در سرکوبی تظاهر کنندگان ایرانی که کنسولگری ایران را در لندن اشغال‌کرده‌بودندحمله کرد. وی گفت انگلستان باید بداند چنین اقدام هائی بدون پی‌آمد نخواهد بود.

بیش از

(بقیه از صفحه اول)
خود، آیت‌الله خمینی شدند.

بسیاری از مردم شعارهای پارچه‌ای حمل می کردند که برروی آنها نوشته شده‌بود «اگر آیت‌الله خمینی نیاید، مردم مسلح خواهند شد.» خطاب به‌شاپور بختیارنخست وزیر نوشته شده بود: «مردم مسلسل به دست خواهند گرفت و تو را روانه‌ی‌جهنم خواهند کرد».

در مسیر راهپیمائی‌هلیکوپتر های ارتشی بالای سر مردم حرکت می کردند و تظاهر - کنندگان در حالی که مشتهای گره کرده‌شان را به آسمان هوا می کردند، فریاد می‌زدند: «ما سرباز خمینی هستیم و از دستورات او پیروی می‌کنیم.»

گروه عظیم راهپیمایان که‌به گروههای زن و مرد تقسیم شده بودند شعار می دادندکه: «الله اکبر، خمینی‌امام است.»، «به هنگامی که خمینی‌بازگردد برای بختیار نگران خواهیم شد.»

گروهی‌نیز خواستارمبارزه‌ی مسلحانه برای‌حمایت‌از جبهه‌ی خلق برای آزادی فلسطین شده بودند.

تظاهرات روز گذشته از سوی دولت با جنبه‌ی‌مذهبی اعلام شده بود، اما جنبه‌ی سیاسی آن برهمه‌ی مردم آشکار بود.

همچنین دیروز در سنندج یک افسر توسط تظاهرکنندگان با ضرب کارد از پای درآمد.

آیت‌الله طالقانی در باره‌ی تظاهرات دیروز و موقعیت فعلی گفت: «تظاهرات دیروز بیشتر جنبه‌ی سیاسی داشت. هر حکومت، پارلمان‌و شورای سلطنتی را که برای بازگشت شاه فعالیت می کند محکوم می کنیم.

بختیار اگر مانع بازگشت حضرت آیت‌الله خمینی بشود، ما از تمام وسایلی که در اختیار داریم استفاده می‌کنیم‌تا جمهوری اسلامی را برقرار کنیم.»

اکثر شعار هاضد امریکائی بودند و روی یکی از شعار ها نوشه شده بود. «مردم انقلابی ایران به رهبری امام خمینی برخاسته‌اند و تا پیروزی نهایی که برقراری جمهوری اسلامی است ازپای نمی نشینند.»

در ضمن یک گروه ۳۰۰ نفری با لباس غیرنظامی که هویت‌آنها همافران نیروی هوایی اعلام شد در این راهپیمائی عظیم شرکت‌کردند.

شعار های جمعه نیز به حمایت نیروی هوائی یکصد هزارنفری ایران بود وگزارش های تاکید شده‌ای مبنی‌براینکه در نیروی هوایی ناآرامی‌هایی بروز کرده است شنیده شد.

روز جمعه دو کامیون‌حامل سرباز حمایت‌خودرا ازتظاهر- کنندگان مرکز تهران‌اعلام‌کردند و به جای اینکه به مقصد اصلی خود بروند به راهی که آمده بودند برگشتند.

در اجتماع دیروز زمانی‌که چهار سرباز بی‌سلاح به راهپیمایان پیوستند احساسات دیوانه‌کننده‌ای تظاهر کنندگان را در برگرفت که سربازان‌را روی دوش خود به حرکت درآوردند.

دستگیری

(بقیه از صفحه اول)
تحت تعقیب هستند.

به دنبال این دستگیری، از بامداد روز جمعه هم بهمن تلاش همه‌جانبه برای آگاهی از علت یورش‌نظامیان آغاز شد و ضمن تماس های مکرری که با دکتر شاپور بختیار نخست وزیر و دکتر سیروس آموزگار وزیرمشاور و سرپرست وزارت اطلاعات و جهانگردی گرفته شده، نامبردگان وعده آزادی آنان را دادند و مدعی شدند که فرمانداری نظامی به دلیل امنیتی این عده را دستگیر کرده و مسئله جرم مطبوعاتی در میان نیست. در سرویس خبری رادیو و تلویزیون نیز مطلب به‌این صورت پخش‌شد.

دیروز و دیشب نیز، تا آخرین لحظاتی که روزنامه‌زیر چاپ میرفت، تماس بامقامات دولتی قطع نشد و وعده‌آنان هم برای آزاد کردن دوستان مطبوعاتی همچنان تکرارگردید ولی متاسفانه، دوستان ما آزاد نشدند.

آنچه در توجیه علت این عمل، عنوان شد بدون شک تنها و تنها یک بهانه است، چون همانگونه که برای ما تردیدی وجود ندارد برای ملت ایران نیز ابهامی نیست که رفتار دولت بختیار با اهل قلم، جز یک انتقامجوئی نیست و از آنجا که ظاهرا برای دولت توقیف مطبوعات و یا جلوگیری از انتشار واقعیات در روزنامه هابخاطر واکنش مردم وجود ندارد، زیر پوشش مسائل امنیتی و به‌استناد ماده پنج گروهی از فعالترین دوستان مطبوعاتی ما که فعالیت شدید سندیکائی‌نیز دارند دستگیر شدند تا شاید

از این رهگذر وقفه‌ای در انتشار مطبوعات صورت‌گیرد تا نظر سوء کسانی‌که انتشار آزاد مطبوعات آنان رادچار وحشت کرده استتامین‌گردد.

ما ضمن اعتراض شدیدبه این‌رویه‌خلاف‌قانون، خواستار آزادی هرچه زودتر دوستان خود هستیم.

اعتراض «انجمن دفاع از آزادی مطبوعات» به بازداشت روزنامه‌نگاران

ترجمه متن نامه شکایت «انجمن دفاع از آزادی مطبوعات»، که در اعتراض به بازداشت روزنامه‌نگاران‌ایران خطاب به آقای «کورتوالد هایم» دبیر کل سازمان ملل متحد - آقای «پیترگالینر»مدیر انستیتوی‌بین‌المللی مطبوعات - آقای«آمادئو مهاترمبو» دبیرکل یونسکو - آقای دکتر «داس. مکبراید» رئیس کمیسیون بین‌المللی مطالعه در مسایل ارتباط جمعی یونسکو - و روزنامه های «لوموند»، «هرالدتریبیون»، «گاردین»، و «اشپیگل»، در تاریخ شنبه ۷ بهمن ماه ۱۳۵۷ (۲۷ ژانویه ۱۹۷۹) ارسال شده است.

در نامه‌ای به تاریخ ۱۹ آذر ۱۳۵۷ - ۱۰ دسامبر ۱۹۷۸ (روز جهانی حقوق بشر) به شما اطلاع دادیم که‌دولت وقت ایران با اشغال نظامی ادارات روزنامه های عمده تهران و ایجاد اختناق شدید، مطبوعات ایران را وادار به اعتصاب کرده است و از شماخواهش کردیم که برای رفع‌این‌اختناق به ما کمک کنید. چون‌توجه داشتیم که ممکن است جلو نامه ما گرفته شود، همه‌گونه کوشش بکار رفت برای این‌که نامه به دست شما برسد. متاسفانه تاکنون هیچ نشانه‌ای از این که نامه ما به دست شما رسیده است دیده نشده است.

اینک به اطلاع شما می رسانیم که اعتصاب مطبوعات تهران پس از شصت‌و دوروز با سقوط دولت ژنرال‌ازهاری و به روی کار آمدن آقای شاپور بختیار به پایان‌رسید. ولی متاسفانه در هفته اخیر دولت آقای بختیار نیز دست‌به اقداماتی زده که ممکن است شرایط اختناق دوماه پیش را تجدید کند، و به همین‌جهت لازم دیدیم درخواست پیشین خود را تجدید کنیم.

در تاریخ ۶ بهمن ۱۳۵۷ (۲۶ ژانویه ۱۹۷۹) دولت آقای بختیار چند تن از نویسندگان روزنامه های «آیندگان»، «اطلاعات»، و «کیهان»، را به استناد ماده ۵ حکومت نظامی بازداشت کرده است که دو تن از بازداشت شدگان‌آقایان«مهدی‌بهشتی‌پور» و «نعمت ناظری»، از اعضای «انجمن دفاع از آزادی مطبوعات»، هستند.

چیزی که این بازداشت‌ها را بیشتر نگران کننده میسازد این است که دولت بازداشت شدگان را به جرم وحشت‌آور «اخلال در امنیت» متهم‌ساخته است.

مقارن با این اقدام دولت‌به اقدامات دیگری نیز در جهت منع اجتماعات و تظاهرات دست زده است و این‌اقدامات چنان که بی‌گمان اطلاع دارید روز جمعه ۶ بهمن ۱۳۵۷ (۲۶ ژانویه ۱۹۷۹) منجر به تیراندازی در جلو دانشگاه تهران و کشته شدن بیش از ۵۰۰ تن و زخمی شدن بیش از ۲۰۰ تن شده است.

به این ترتیب به نظر می رسد که دولت آقای بختیاربه همان راهی می رود که‌دولت ارتشبد ازهاری رفت و منجر به اختناق کلی مطبوعات و کشته شدن هزاران تن شد.

یک بار دیگر خواهش می کنیم صدای اعتراض ما را به گوش مردم جهان برسانید و از دولت ایران بخواهید که از تجاوز به آزادی مطبوعات و امنیت روزنامه‌نگاران و به طور کلی از تجاوز به‌حقوق اساسی ملت ایران خودداری کند.

برای اطلاع شما بایداضافه کنیم که در قانون حکومت نظامی ایران تیراندازی‌وکشتن تظاهر کنندگان به هیچ‌وجه مجاز نیست و همه خونریزی ها در تضاد آشکار باقوانین ایران است.

اطلاعیه فرمانداری نظامی تهران وحومه درباره‌بازداشت روزنامه‌نگاران از این قرار بود:

اخیرا چند نفر روزنامه‌نگار برمبنای قوانین و مقررات فرمانداری نظامی و به پیروی از مفاد اعلامیه های صادره بازداشت و جهت رسیدگی به وضع آنان تحویل مراجع صالحه گردیده‌اند.

با توجه به اینکه جلب روزنامه‌نگاران مذکور سوء تفاهمات و بحث هائی را بوجود آورده استفرمانداری نظامی تهران وحومه لزوما یادآور می گردد که جلب روزنامه‌نگاران یادشده جنبه مطبوعاتی نداشته بلکه جرم آنان امنیتی و به سبب اخلال در نظم و عدم اجرای مقررات صورت گرفته و برابر ماده ۵ دستور بازداشت آنان صادر گردیده است.

شایعه کودتای ارتش یك توطئه حساب شده است

(بقیه از صفحه اول)

بسمه تعالی
«آقایان روسا و بزرگان عشایر و قبائل دشت‌مغان واجارود ومشگین و ارشق وفقهم‌الله.

با ابلاغ سلام نامه‌ئی در تایید منویات جامعه روحانیت و کسب تکلیف از اینجانب در موضوع مبارزه و نهضت اسلامی با امضاء اکثریت قریب باتفاق روسای عشایر وقبائل دشت مغان واجارود و مشگین و ارشق دریافت شد ضمن تقدیروتشکرازاحساسات مذهبی آقایان‌که‌بشهادت‌تاریخ همواره در مواقع حساس با حسن‌نیت و عواطف دینی و جوانمردی قیام نموده و بنفع اسلام و مسلمین پیشقدم شده‌اید بحضورتان ابلاغ می کنم در این برهه از زمان که بخواست خداوند متعال و مبارزه خستگی‌ناپذیر حامیان دین مبین‌وهمکاری وهمبستگی کلیه اقشار و طبقات جامعه مسلمین رژیم استبداد و خودکام بزانو درآمده و ازهر دری وارد شده شکست‌خورده حتی‌از قرار مسموع در این اواخر ببعضی از چماقداران و عمال دولت ورشکست به تمثال اینجانب پناهنده شده و باحمل عکس در جلوداردسته نظام پوسیده خواسته قیافه حق‌بجانب گرفته و به نهضت مقدس مسلمین ضربه واردکند وظیفه شماها عشائر وایلات محترم اینست که خودتانرا در خدمت دین قرارداده‌و به دستورات روحانیت و مراجع تقلید صمیمانه تبعیت نموده‌و در مجامع و اجتماعات درهر بلد و مکانی منعقد باشد پشتیبانی خودتانرا ازخواست های مراجع تقلید ابرازنموده و فعلا از اموال و ناموس عموم مسلمین خاصه ازنواحی خودتان دفاع نموده امنیت منطقه را کاملا حفظ کرده جلو هرج ومرج و دزدی و غارت اموال مسلمین را گرفته و با این اعمال و رفتارخداپسندانه و ایجاد امنیت در منطقه خودتان به‌نهضت اسلامی‌کمک نموده مخصوصا در حفظ حدود و سرحدات کوشا باشید و چون تا پیروزی‌نهائی‌مبارزه ادامه دارد درتشخیص‌وظائف آینده نیز به‌نزدیکترین عالم آگاه و مطلع از مقتضیات زمان مراجعه نمائد و یا با جناب مستطاب‌حجة الاسلام آقای حاج شیخ‌لطیف عالم راثی دام‌عزه در تماس‌باشید بهمه افراد عشایر محترم سلام برسانید عزت عموم مسلمین مخصوصا موفقیت شماها را از خداوند عالم خواستارم و ممکن است در آینده دستورات لازمه باشدکه باطلاعتان خواهیم رساند.

۲۷ صفر ۱۳۹۹
سیدکاظم شریعتمداری»

چگونگی کامل تحریم مسابقه‌های کشتی جام آریامهر ازسوی کشتی‌گیران کشورمان

خــادم و دارودسته‌اش دیگر جائی در ورزش مــا ندارند

● لازم بود که کشتی‌گیر هم سرانجام از یك جائی شروع کند و از ملت عقب نماند

● امان از آنهمه فضای اختناق در فدراسیون، مربیان طفیلی وجاسوسان خودفروشی که ساواکی‌های خصوصی رئیس شده بودند

● گروهی که ماندند تا کشتی بگیرند، بهترین گواه بر اوضاع کثیفی هستند که باعث شد تا پهلوان ما به یك آدم فرومایه، ارزان وعامل دست تبدیل شود

وقتی که دلها بهم پیوند خورد ، باصفای باطن ، درست بگونه پهلوانان سنتی‌مان رفتیم به اولین و نزدیکترین زیارتگاه در «کن» ، وضو گرفتیم و با روحی تطهیر یافته وجسمی سراسر جدا از «مادیات» ، باحالتی سراسر خضوع رو به درگاه خداوند ، قسم‌خوردیم که تحت هیچ شرایطی در مسابقه های کشتی که چند سالی است زیرنام جام آریامهربرگذار می شود ، شرکت نکنیم ...

★ ★ ★

اینکه امسال مسابقه های کشتی بین‌المللی کشورمان برگذار نشد ، همه از آن باخبریم و داستان ؛ داستان کهنه‌ایست‌که نخست ، ما از آن پرده برداشتیم و سپس اینجا و آنجا یادشد تاکه ملت ما از آن آگاهی یافت . خبر تابه‌آنجا که نوشتیم و نوشتند ، حکایت از همدلی کشتی‌گیران با انقلاب همه‌گیر ملت داشت تا در این‌بحبوحه و در این برهه از زمان که کودک وبزرگ، زن و مرد ، دهقان و روشنفکر و ... همه از آزادی حرف می زنند و از هوائی تازه برای تنفس ، کشتی‌گیر ما نیز وظایف‌اجتماعی خویش دانسته و در شرایطی که هزاران هزار هموطن ما در خاک و خون می‌غلطند تا نظام کهنه و پوسیده دیکتاتوری‌و اختناق ازهم بپاشد ، کشتی‌گیر نیز همچون یک ایرانی وطن‌پرست در انقلاب شرکت دارد و قدم نخست را با برانداختن جام آریامهرآغاز می کند که درجای خود قدم بزرگی هم‌هست.

کشتی‌گیر و درست اینکه ورزشکار ما، همیشه بگونه‌ای دیگر و متفاوت از دیگر قشر های زحمتکش اجتماع نگریسته می شد. این نه‌گفته ما که عقیده همه آنهائی بود که زندگیشان با «مبارزه» همراه بوده است . همیشه این گروه که ثابت شد در اجتماع ما کم نبوده‌اند ، ورزشکاررا از گروه «نان به نرخ روز» می دانستند که با سفری می‌شود خریدش و با «پولی» می شود از عقایدش جدا کرد که بی‌تردید حرف ، حرف توهین‌آمیزی بود و ناراحت کننده‌ای که می‌باید و حتما هم می باید در فرصتی مناسب به‌همه این اهانت ها پاسخی داده می شد و چه روزی بهتر از این روز ها و چه فرصتی بهتر از این مسابقه ها که کشتی‌گیر جماعت ما با صدای بلند فریاد بزند که آی ملت ! ما از اعقاب ورزشکاران قدیم این دیاریم و از پشت پهلوانانی که من و تو به آن افتخار می کنیم ...

★ ★ ★

گفتیم که خبر کهنه است ، اما آنچه که در درون آن می توان یافت ، تازه است و قابل بحث . از داخل حادثه آنچنانکه باید و شاید اطلاع دقیقی نداشتیم ، اما به کمک دوستان کشتی‌گیرانمان به جزئیات کار دست یافتیم و دریغمان آمد که شما نیز در جریان آن قرار نگیرید و این است داستان‌عبرت‌انگیز پاشیدگی جام آریامهر از زبان محمد رضا طالقانی :

... بعرض برسانم که درست یکروز آفتابی بود که در دهکده المپیک شروع‌بکار کردیم و درست از همین آغاز ، جنگ‌اعصاب شروع شد . گرچه دوسه روز اول تقریبا بی‌سروصدا بود اما هرروز از طریق روزنامه ها اخبار و حوادث انقلاب مملکت بگوشمان می رسید و ما هم ناراحت می شدیم ، اما چیزی نمی‌گفتیم . ازهمین‌جا صحبت ها و عقاید ضد و نقیض شروع به جبهه‌گیری کردند . بچه ها چندتاچندتا دورهم جمع‌می شدند و چیز هائی می‌گفتند .

خودتان دقیقا می دانید با محبتی که همیشه بچه ها بمن داشته‌اند تقریبا روابط عمومی بچه ها در اردو بوده‌ام و تمام کار های فنی اردو گذشته از سرپرستی راتقریبا من انجام میدادم . راستش اینکه روزی با خود فکر می کردم که اگر مسابقه ها انجام شود چه خواهد شد و آیا همین اندک‌توجه مردم به کشتی نیز ازبین نخواهد رفت. گرچه تمام دست‌اندرکاران معتقد بودند که اگر کشتی نگیریم «تتمه» آبرویمان نیز بربادخواهد رفت و دیگر از کشتی چیزی باقی نخواهد ماند ، اما بودند افرادی که جز این می اندیشیدند . آرام آرام شهرستانی ها هم آمدند و صحبت ها «شکل» گرفت و به دلائلی که می دانید و در بالاهم از آن یاد کردم ، بچه ها همه عقایدشان را با من مطرح می کردند و بدین شکل من از همه رویداد های اردو بااطلاع بودم ، اما هیچگاه به کسی توصیه نکردم که کشتی بگیر یا کشتی نگیر ـ می دانید که آن زمان ، هنوز خفقان بیداد می کرد و مهره های پوسیده‌ای که همه زندگیشان از راه چاپلوسی می گذرد مترصد بودند تا «سندی» بدست آورند و سرها بباد دهند !

هرروز و هرشب کار ما شده بوداینکه سرتمرین برای سلامتی انقلابیون و پیروزی مسلمانان دعا کنیم و صلوات بفرستیم ، در حالی که می دانستیم این‌هم کافی نیست و هم درحد ما نیست . تقریبا نیمی‌از بچه ها منقلب بودند و گروهی چاپلوسی را بحد اکمل رسانده بودند . بطوریکه همه حوادث و حرف های اردو را به‌گوش مسئولان می رساندند .

در یکی از تمرین ها دیدیم که رئیس فدراسیون و دوتا از مربی های تحمیلی ـ سیروسپور وسرداری ـ آنجا هستند. معلوم بود که وضع غیرعادی است . معلوم بود که حادثه‌ای درشرف تکوین است . همه به من چپ‌چپ نگاه می کردند ... سکوت‌همه‌جا را فرا گرفته بود و همه در انتظار بودند تا اینکه سرانجام سیروسپور مربی انگل فدراسیون که همیشه در همه فدراسیون ها «نخودی» بوده و معلوم نیست به چه دلیل همیشه باید سایه‌اش برسر ما باشد ! و البته «دلیلش» برای‌ما روشن است ؛ رفت بالای منبر که بله ! آقایان ، گول حرفهای این بی‌سروپاها را نخورید فقط به کشتی و افتخار فکر کنید و بس ! آدم هائی هستند که‌درگوش شما می خوانند که کشتی نگیرید . آنها حریف های شما هستند که می خواهند شما بروید و خودشان چهره شوند ! درثانی همین امروز تکلیف آقایان را روشن می کنیم ، چراکه جایشان اینجا و در بین شما نیست !

هرچه این جناب می گفت با بله‌بله خادم تائید می شد . معلوم بود که هدف ترساندن بچه‌ها است ؛ والا سالن تمرین را به دادگاه تبدیل نمی کردند . بعد منصور برزگر صحبت کرد و از جزئیات کار سخن گفت و مقداری حرفهای حاشیه‌ای که بچه‌ها را پکر کرد چون‌از برزگر انتظار نداشتند ، در حالی که بنظر می آمد منظور برزگر چیز دیگری بوده ، اما از عهده کلام برنیامده است ، چراکه بعد خودش هم ناراحت شده بود و بهرحال توانست مقداری از «ابهامات» را برطرف کند .

... بچه ها بدلایل مختلف از تمرین شانه خالی می کردند و کار را سرسری می گرفتند . وقتی که برگشتیم اردو ، خادم‌دنبال من فرستاد . در حقیقت من احضار شده‌بودم به اتاق کمیته یا شکنجه‌گاه روحی . رئیس با تهدید آغاز کرد و وقتی دید که‌موثرنیست، آنگاه بمن گفت که بازیهای آسیائی مال‌تو است و من در حق‌تو بد کرده‌ام ـ مقصودش مسابقه های جهانی مکزیکو بود ـ من‌اشتباه کردم و حالا می خواهم تلافی‌کنم . تو فقط اجازه نده بچه ها سروصدا کنند و خودت هم سمپاشی نکن . من می دانم که همه‌کارها زیرسر تو است و تو سردمدار و رهبرهستی و ... بعد از من نوبت محمود‌جانالو ،قشنگ، پورکریمی ، جهاندار ؛ عبدالباقر و ... هم احضار شدند و مورد غضب قرار گرفتند و تهدید به اخراج از ارد شدند و ...

بعد از این جریانات با بچه ها جمع شدیم و همه صحبت از این داشتند که چرا باید در یک اردوی ورزشی عده‌ای جاسوسی باشند و با خودفروشی زندگی کنند ، چرا مسئولان باید از همه مسائل ما آگاهی بیابند و این کار را چه کسی یا چه کسانی می کنند ؟

به‌روزچهارم آبان رسیدیم که از سوی ملت عزای عمومی اعلام شده بود و ما هم تصمیم گرفتیم با پوشیدن لباس سیاه ، به مسئولان بفهمانیم که هیچ تهدیدی در ما کارگر نیست و ماهم با ملت همراهیم . همین باعث شد تا آنها به‌شدت‌عمل خود اضافه کنند و یکی از برنامه‌هایشان هم این شد که عده‌ای مامور مخصوص که بچه ها «ساواکی‌های» فدراسیون کشتی می خواندندشان ،انتخاب کنند و مواظب ما باشند و واقعا چقدر ما متاسف شدیم از اینکه چرا «عده‌ای» پذیرفتند که جاسوس رسمی فدراسیون گردند که البته همه شناخته شدند و باید بدانند که از این پس نباید انتظار کمترین دوستی ازسوی ما داشته باشند .

محمد رضا طالقانی ، ملی پوش کشتی ما، پرده از روی تحریم مسابقه های کشتی بین المللی ایران برمی دارد

وقتی ساواک مستقر شد ؛ خادم هر روز یکبار صبح و یک بار شب من را می خواست و تمام گزارش هایی که بچه های ساواک داده بودند ، موبه‌مو و با غضب تمام بروی ما می زد . کار خیلی شدت پیدا کرده بود ، در اطاق های ما امنیت نبود و حتا بغل اطاق ها نیز فالگوش می ایستادند، چندبار یکی از مربی های فروخته شده رابچه ها پشت اطاق من دیده بودند . همین مربی صبح به بچه ها گفته بود که شما از اطاق طالقانی به طبقه های دیگر بروید ؛ چون‌باید برای طالقانی از طرف ساواک برنامه هایی بریزم . بچه ها بطور انفرادی به اطاق من می آمدند که چه کنیم ، اگر به تنهایی از اردو خارج شویم ، یک طوری برایمان پاپوش درست می کنند . تعدادی از بچه ها معتقد بودند خودمان را به مریضی و ضربخوردگی بزنیم و باین بهانه از اردو خارج شویم و دو و سه نفری این کار را کردند ، مثل حاجیلو ، فتاحی ، جهاندار ... بقیه ما هر روز در سالن غذاخوری از طرفدانشجویان مدرسه عالی ورزش مورد سرزنش قرار می گرفتیم ؛ همیشه با تمسخر می گفتند همه ایران اعتصاب است . آنوقت شما اردو تشکیل دادید ، شما هم به خودتان بیائید و تکانی بخورید ! من همان شب در سالن سینما که به سبب ترس برای ما تهیه دیده بودند که فکرمان را مشغول کنند ، به تمام دانشجویان گفتم که منتظر فرصت مناسب هستیم ، اما با این وجود تعدادی از بچه‌ها از گفته ها و طعنه های دانشجویان ناراحت شدند . ده روز مانده بود به تاریخ مسابقه‌ها خادم طی یک سخنرانی بچه ها را به شرف شاه قسم داد که در مسابقه ها شرکت کنند و به‌جز چند نفر بقیه تصمیم داشتند کشتی بگیرند ، و نشان دادند که با چاپلوسی خادم فریب خورده‌اند و وسایل سرگرمی آنها را به‌نوعی قانع کرده است ؛ بلافاصله پس از خروج از سالن سخنرانی خادم مرا احضار کرد و تذکر داد که تو مخالف شرکت در مسابقه ها هستی و از شرکت چند تن از بچه ها نیز جاوگری کرده‌ای ؛ برای‌آخرین بار می گویم ، که هوای اردو را مسموم نکن ، وگرنه از اردو اخراجت می کنم .

ناراحتی من بیشتر از این بود که نمی توانستم از اردو خارج شوم . حس میکردم زندانی هستم ، تعدادی از بچه ها حتا گریه کردند . چهار روز مانده به مسابقه ها بچه های مشهد تصمیم گرفتند به شهر خود بروند، حتا تا ایستگاه راه‌آهن هم رفتند ؛ اما عمال فدراسیون به هرترتیبی بود آنها را منصرف کردند . همه در اردو بودیم و خبرها را می شنیدیم و حسرت می خوردیم که چرا در جمع مردم نیستیم و نمی دانستیم چه پیش می اید ، اردو آمادگی انفجار داشت و همه بچه‌ها منتظر بودند تا یک نفر حرکت کند و به‌ پشت سرش راه بیفتند و حرف های درگوشی زیاد شد و هیچکس به کشتی و جام فکر نمی کرد ؛ بچه ها تا آخر شب بیدار بودند و در ساعت ۱۲ شب سروصدای زیادی از بیرون شنیده شد و متوجه شدیم عده‌ای مشغول نوشتن شعار روی دیوار ها هستند و مربیان هم در اردو نبودند ـ یعنی هیچوقت نیستند ، آنها فقط زمانی که خادم در اردو بود ، در کنار بچه ها قرار می گرفتند و برای رفتن روی سکو و گرفتن‌جام خودشان را نشان می دادند و به پاداش های بیست و پنج هزار تومانی فکر می کردند ـ در این جور شبها برای رفع تکلیف یک تلفن یک دقیقه‌ای می زدند ، تا از حال و هوای اردو آگاه شوند ! بالاخره هرطوری بود آن شب لعنتی را سپری کردیم و صبح اول وقت بچه ها به اطاق من آمدند که خادم احضارت کرده است . وقتی به اطاق خادم رسیدم حس کردم وضع با روز های گذشته فرق دارد ، بلافاصله مرا در یک‌اطاق دربسته استنطاق کردند و گفتند که روی دیوار های اردو نوشته‌ای که بچه هاکشتی نگیرند و از من خواستند اردو را ترک‌کنم.

نمی توانید باور کنید که من چقدر خوشحال بودم ، قلبم ، روحم آرام گرفته‌بود در همین بین که من داشتم توی اتاق باآقای خادم صحبت می کردم بچه ها جمع شده‌بودند جلوی اتاق تاببینند چه می شود ، بمحض اینکه من از اتاق محکمه بیرون آمدم ، همه دوره‌ام کردند و در ضمن ناراحت بودند . من فقط بحالت فریاد گفتم که مرا بخاطراینکه می گویند چیز هائی به درو دیوار نوشته‌ای از اردو بیرون کردند .

بین بچه ها ولوله افتاد ، یک عده می خواستند با من اردو را ترک کنند ، من واقعا برای آنها که در اردو ماندند ، وباعث ننگ ما شدند متاسفم واقعا برایشان غصه‌می خورم که اینها از پهلوانی و مردانگی بوئی نبرده‌اند . به‌هرحال اکثریت گفتند که اگرتو بروی ماهم با تومی‌آئیم و بلافاصله راهی اتاقها شدند تا لباس بپوشند ، رئیس‌فدراسیون وقتی دید که دارد وضع بدی می شودزود مربیها را احضار کرد در یک اتاق دربسته‌که منجر به جروبحث هم شد . ما هم بیرون در انتظار بودیم که جلسه تمام شود و بحکم ادب خداحافظی کنیم و برویم تا اینکه بعداز چند دقیقه منصور برزگر از اتاق بیرون‌آمد و بمن گفت آقای خادم کارت دارد . دراتاقی که خادم ، برزگر ، سیروس‌پور ، محمود جاناو و من بودیم با من شروع به صحبت کردند و او به شرف خود سوگندخورد که اشتباه شده و گزارش اشتباه داده‌اند و خواهش کرد برگردم و دست‌آخر رئیس مغرور گفت من در مقابل اینهاازتوعذرخواهی می کنم و همینطور از دوستت و تو برومانع رفتن بچه‌ها شو که همه این چیز ها دست تو ست . لحظه بسیار حساسی بود . همه منتظر بودند که چه پیش می آید ، از طرفی فدراسیون می خواست مسابقات باشگه‌مسار برگزار شود و از سوئی بچه ها قصدترک اردو را داشتند همه چیز بما واگذار شده بود که تصمیم بگیریم و نتیجه را برای بچه ها اعلام کنیم ، وقتیکه می خواستیم از اتاق بیرون برویم دوباره آقای خادم آمد وهردو با صدای بلند گریه کردیم ! حال همه منقلب شده بود . آخر برای چه این مسابقه ها آنقدر اهمیت پیدا کرده بود ، ما خودمان‌نمی دانستیم ولی تصمیم‌همان بود ، باید که‌استبداد پایان می یافت . واقعا با هیچ زبانی نمیشد از این بچه ها حرف زد که چه کار عظیمی کردند. خلاصه وقتی آمدم بیرون دیدم همه آماده‌اند که برویم ، من هم خلاصه ماجرا را برای بچه ها گفتم سوار ماشین ها شدیم و قرار گذاشتیم که در بیرون محوطه اردو در کنار زیارتگاه همدیگر را ببینیم ، رفتیم در یک زیارتگاه ، وضو گرفتیم ؛ از صمیم قلب دعا کردیم و همقسم شدیم که این مسابقه ها را برگزار نکنیم و گفتیم برای من و جانلو که مسبب این کار بودیم پاپیچی درست نشود ، برویم مطبوعات و موضوع را برگزار کنیم و تلفن کردیم و بهمه گفتیم که برویم دنیای ورزش .

آقای خادم هم بورگر را مامور میکندبه آنجا بیاید و مــا را برگرداند تا ما رسیدیم دیدیم برزگر هم آنجاست و بعد از حرفهای بسیار و تلفنی که آقای خادم کرد به آنجاما کار را تمام شده میدانستیم و فقط تاسف می خوردیم برای آنهائی که آنجا ماندند به مامی خندیدند ، آواز می خواندند و بما می گفتند که ما می خواهیم کشتی بگیریم و اتومبیل دریافت کنیم و من برای آنها تاسف میخوردم در مقابل مثلا محمود اسمعیل‌پور ۴۸کیلوئی ما یک کارگر بود که اگر کشتی نمی گرفت حقوقش قطع می شد ، یا مثلا ظفر نوائی ۸۲ کیلوئی بمن گفت که به فلانی بگو اگر بخاطر ماشین کشتی می‌گیری من حاضرم اتوموبیلم را به تو بدهم بیاودرکار ما کارشکنی نکن به‌هرحال فردای آنروز که همــه جریان را فهمیدند کار حتی به «دربار» کشید و از بالا دستور دادند که کشتی را انجام ندهید کسانیکه در اردو مانده بودند دست ازپا درازتر به‌خانه برگشتند ، بعد از آن هرجا که من میرفتم‌مورد تفقد دوستانم قرار می گرفتم حتی دردانشگاه، روزنامه آیندگان هم که سنگ تمام گذاشت‌اما میدانید نتیجه چه شد ؛ چند روز بعد مرا به فدراسیون خواستند که من نرفتم اما طــی نامه‌ای تشکر کردم و از شخص آقای خادم‌هم تشکر کردم که مرا به فدراسیون خواسته‌اند در ضمن برایم گزارش هم رد نکرده‌اند امــا آقای خادم هرجا رسید نامه مرا نشان دادکه طالقانی نامه نوشته و عذرخواهی کرده ، دو روز بعد به خانه ما تلفن می شود و می‌گویند که کلانتری تورا می خواهد رفتم دیدم که چهار گزارش دارم که مربوط می شود به‌کار های من که سنگینتر از تحریم جام بود که مرا مسببش اعلام کرده بودند ؛ اما بدتر از همه این بود که بعد از اینهمه سال مرارت در ورزش می‌بایست مرا از کلانتری به زندان باغشاه ببرند ؛ آنهم با دستبند ؛ هرچه می پرسم علت چیست فقط می گفتند توخیلی خطرناکی تا محوطه زندان حتما باید بادستبند تو را ببریم ، من چندروز بعد آزاد شدم ولی هنوز در فکر این هستم که چطور میشود با این کار اختناق را از بین برد ، فکر می کنم بپروزی نزدیک است و شاید این آغاز راه باشد ...

طالقانی در پایان نامه‌اش اسامی‌گروهی را که نخواسته‌اند همدلی کنند و مایل‌بوده‌اند که حتا در این شرایط بحرانی هم کشتی‌بگیرند و احیانابه پول و جایزه‌ای برسند آورده که نزد ما محفوظ است .

بتی رفته، اما بت‌پرستان هنوز هستند

(بقیه از صفحه ٤)

توانست مساله را حل کند ، و پیروزی نهایی با خلق است ، اما مساله داخلی و مساله روابط و مناسبات نیرو های مختلف مردم با یکدیگر و در یک کلام مساله تفرقه . اگر بپذیریم که‌عوامل خارجی به اعتبار و در روی عوامل داخلی عمل می کنند ، پس مساله داخلی مهمتر است پس‌اگر در این جبهه پیروزوموفق باشیم مسلما‌پیروزیمان در جبهه خارجی تضمین شده است .ما تجارب بسیار تلخی داریم از تفرقه و تفرقه‌افکنی و‌تفرقه افکنان شکست های بسیار تلخ داریم ، من‌نیامدم اینجا که روند خودبخودی قضایا را فقط ستایش کنم ، ما نیامدیم که آنچه را که هست و فقط هست ، تایید کنیم کمی هم باید به آن اندیشید که چه چیز باید باشد و چه چیز هم نباید باشد، آیا ما می خواهیم نسل ملعون و نفرین شده‌ای باشیم ، که فرصت هاراز دست دادند،مسائل‌شان را اصلی و فرعی نکردند و به فرعیات پرداختند. عقیده هرکس و جهاد و مبارزه هرکس یاهر گروه محترم است.

ولی تصور کنید که در کشتی طوفانزده‌ای هستیم که یکطرف آن سوراخ شده است بنابراین ما باید سعی کنیم جلو نفوذ آب در سوراخ‌کشتی را بگیریم نه اینکه اجازه بدهیم که قسمت های دیگر کشتی هم سوراخ بشوند . مسعود رجوی در آخرین قسمت سخنرانی‌اش به مقدس بودن مبارزه اشاره کرد و گفت هرمبارزه‌ای فی‌نفسه مقدس است و اصولا خصلت انسان در مبارزه است .

آقای بختیار! قانون برای مردم است

(بقیه از صفحه اول)

باسپر ساختن «قانون‌اساسی» و یابه بهانه «قانون حکومت نظامی» برای سرکوبی «اراده عمومی ملت» بپا میخیزند و خلقی را بخاک و خون مــی کشند بکار بدفرجام‌وخطرناکی دست میزنند . اراده ملت نیروی عظیمی است که هــر طلسمی را میشکند هرچنــد آن طلسم بگونه توپ و تانـک و تظاهرات فرمایشی باشد.

امروز اراده عمومی ملت‌و آراء واحد و متحد مرجع دینی و روحانیت بخصوص حضرت آیت‌الله عظمی خمینی راه خودرا انتخاب نموده و بعنایت الهی بمقصد خـواهد رسید، آنهائیکه با افکــار عمومی و معتقدات مــردم رویاروئی مینمایند نه‌فقط هیچ موفقیتی نصیبشان نمی شود بلکه سیل خـروشان افکــار عمومی آنهارابه‌سهمناک‌ترین صورتی کنار میزند.

راهپیمائی عظیم و بیمانند شنبه نیز تاکیدی بر کــل خواسته‌های جامعه ما بــه ارشاد مراجع دینی‌وروحانیت میباشد که طبیعی‌ترین شکل اظهار نظر در طرد رژیــم استبداد و خواستاری‌حکومت حق و آزادی و عدل اسلامی است .

تاریخ نشان میدهد که هر وقت زمامداران از افکــار عمومی فاصلــه گرفتــه و خودکامگی‌و استبداد راپیشه کرده‌اند ، فاجعه پیش می‌آید، فاجعه‌ای که نه‌تنها بساط فرمانروائی آنهابلکه‌موجودیت ملتی را به مخاطره میاندازد.

گاه دیده شده است کــه دولت ها با بی‌اعتنائی بــه افکار عمومی و اراده همگانی مشت‌های مردم را تبدیل بــه مسلسل نموده‌اند. امیدوارم چنن فاجعه‌هائی هرگز در جامعه ما رخ ندهد.

بختیار را فقط در صورت استعفا می پذیرم

(بقیه از صفحه اول)

آیت‌الله العظمی خمینی در آخرین پیام خود اعلام کرد که شاپور بختیار نخست وزیر را تا هنگامی که از سمت خــود استعفا ندهد نمی پذیرد .

متن پیام به این شرح است :

بسم‌الله‌الرحمن الرحیم

حضرات حجج اسلام تهران‌و سایر شهرستانها ـ دامت‌برکاته: آنچه ذکر شده است که شاپور بختیار را باسمت نخست‌وزیری من می پذیرم دروغ است ، بلکه تا استعفا ندهد او را نمــی پذیرم . چون او را قانونی نمی دانم .

حضرات آقایان به‌ملت ابلاغ فرمایند که توطئه‌ای در دست اجراست و از این امور جاریه گول نخورند.

من با بختیارتفاهمی نکرده‌ام و آنچه سابق گفته است کــه گفتگو بین او و من بوده دروغ محض است . ملت باید موضع خود را حفظ کند و مراقب‌توطئه ها باشد .

والسلام‌علیکم ورحمت‌اله

۲۸شهرصفر ۹۹

روح‌اله الموسوی الخمینی

اطلاعیه‌اعلام مواضع سازمان مجاهدین خلق ایران در برابر جریان اپورتونیستی (انحرافی)چپ‌نما

۱ ـ سازمان مجاهدین خلق ایران سازمانی است با ایدئولوژی اسلامی معتقد به مبارزه مکتبی که در سال ۱۳۴۴بوسیله محمد حنیف‌نژاد ، سعید محسن و اصغر بدیع‌زادگان بنیان‌گزاری شده و مجاهدیــن ادامه‌دهندگان راه آنان هستند .

۲ ـ جریان اخیر (تغییر دادن‌ایدئولوژی سازمان) یک جریان اپورتونیستی (انحرافی) چپ‌نماست که سردمداران آن به سازمان مجاهدین خلق ایران و در نتیجه به‌جنبش خیانت کرده‌اند .

۳ ـ این جریان اپورتونیستی چپ‌نما هیچگونه تغییری در تضاد اصلی ما ایجاد ننموده دشمن اصلی ما رژیم و حــامیان امپریالیست آن می باشند .

٤ ـ این جریان اپورتونیستی چپ‌نما بهیچوجه حق استفاده از نام «مجاهدین» را ندارد و ادامه استفاده از آن بمنزلــه استمرار خیانت است . نام «مجاهدین» متعلق به سازمان مجاهدین خلق ایران است کــه بایستی بدون هیچگونه تغییر با همان آرم و آیه وسال تاسیس مورد استفاده قرار گیرد .

۵ ـ هیچ جریان یا عنصر مسلمــان نبایستی‌بااین اپورتونیستها ارتباط و همکاری داشته باشد هرگونه ارتباط و همکاری سازشکاری محسوب می شود .

۶ ـ ما با این جریان اپورتونیستی چپ‌نما مبارزه می کنیم تا به خط صحیح بازگشته یا منزوی گردد ـ مبارزه ما یک مبارزه سیاسی با شیوه های افشاگرانه است و هرگونه استفاده از شیوه های ارتجاعی از قبیل کشتن ، لودادن ، همکاری‌باپلیس و کمک گرفتن از امکانات رژیم را محکوم می کنیم .

۷ ـ ما بین این اپورتونیستها وسایر مارکسیستها تفاوت قائلیم مگر آینکه آنهااین اپورتونیستها را تائید کنند .

۸ ـ ما به تمام نیرو هائی که علیــه ارتجاع ، امپریالیسم و استثمار مبارزه می کنند احترام می گذاریم و از دستاورد های علمی و تجارب انقلابی آنها استفاده مــی کنیم .

۹ ـ برادران مجاهد ما در داخل‌زندان ها نبایستی با این اپورتونیستها رابطه‌یی جز رابطه انسانی و حداقل رابطه صنفی برقرار کنند .

۱۰ ـ این جریان اپورتونیستی چپ‌نما موجب بروز زودرس یک جریان راســت ارتجاعی شده است که در مرحله کنونــی تهدید اصلی درونی مجموعه نیرو هایی است که تحت عنوان اسلام مبارزه می‌کنند، که ما با آنهم مبارزه می کنیم . جریان‌فوق از ضدیت با نیرو های انقلابی بــویژه مجاهدین شروع شده و سپس‌درمسیر رشد خود با نفی مشی مسلحانه به سازشکاری و تسلیم‌طلبی و سرانجام خروج از جبهه خلق و تغییر تضاد اصلی منجر می شود . این‌جریان اپورتونیستی خطر بروز و رشد خصایص ارتجاعی را در درون نیرو های مترقی مذهبی پیش می آورد . در مــورد ادامه دهندگان راه مجاهدین گرایشات‌راست از تجدید نظر در دیدگاه های بنیادی سازمان آغاز می شود .

۱۱ ـ سلطه این جریان اپورتونیستی چپ‌نما برسازمان بااعمال شیوه های ضد انقلابی و استفاده فرصت‌طلبانه از مــوارد زیر صورت گرفته است :

الف ـ تکمیل نشدن کار ایدئولوژی سازمان و پیاده نکردن تعلیمات ایدئولوژیک در سطح وسیعی از کادرها بطور مکفی به علت رشد کمی نامتناسب با کیفیت .

ب ـ ضربه شهریور ۵۰ و از دست دادن کادر های ذیصلاح در نتیجه عمل‌زدگی و دنبال نکردن کار ایدئولوژیک .

ج ـ ترک‌تعلیمات ایدئولوژیک‌سازمان.

۱۲ ـ ایدئولوژیک ما اسلام مبنی بر جهان‌بینی توحیدی است که جامعه را با شیوه های انقلابی بسمــت محــو کامــل استثمار و استقرار نظام توحیدی (قسط) هدایت می کند و لذا در هرشرایط تاریخی اساسا متکی به محروم‌ترین و بالندمتریــن نیروها و طبقات اجتماعی (مستضعفین) می باشد بنابراین مجاهدخلق درپرتو ایدئولوژی اسلامی خود باویژگیهای ضد امپریالیستی، ضد ارتجاعی و ضد استثماری که درشرایط حاضر مشی مسلحانه را ایجاب می کنــد مشخص می شود . وظیفه ما در شرایــط کنونی حفظ و حراست میراث مجاهدین و تلاش در جهت احیاء و بازسازی آن می باشد .

هیچ نخست وزیری، قدرت مرا در ارتش نداشته است ـ بختیار

(بقیه از صفحه اول)

کشور و نخست وزیر کمک از ارتش بخواهد و حکومت نظامی اعلام بکند . البته بنده نمی‌توانم این رابگویم که در اقصی نقاط کشور فرماندارن نظامی راجع به هر امری و در هر صورت از من می توانند دستور بگیرند و ایــن کار را بکننــد . ولــی گاه وبی‌گاه وقتی موضوع‌حادی می شود از من دستور مــی گیرند . که همیشه همان‌طوری که الان گفتم مبتنی براین اصل بود حداکثر مراقبت را بکننــد که به خون ریزی منجر نشود .»

دکتر بختیار درباره‌ی حمله‌ی گروهی از نظامیان‌درروز جمعه به عده‌ای از مردم در پیــچ شمیران گفت :

متاسفانه ما اطلاع داریم که یک عده از این‌ها که مسلح هستند نارنجک ساخت ایران دارند ، از خارج هم‌رولور، و مسلسل‌های «کلاشینکوف»وارد می کنند ، که البته مرز هــای طویل مملکت کنترلش مشکــل است .

این باخود ایرانیان است که حس وطن پرستی و غیــرت ملیشان اجازه ندهد که وقتــی از خارج اسلحه وارد می شود و کسی اطلاع دارد به مسئولین امر خبر بدهد .»

بختیار در پاسخ این سئوال که دولت‌چه‌برنامه‌ای‌برای‌مقابله با این سلاح ها دارد گفت :

«دولت امیدوار است که ایــن تشنجات هرچه زودتر بخوابدو آنچه رادر این راه میسر است خواهد کرد . ولی البته بعضی از مقامات و ابنیه سوء استفاده می کنند.» ما اطلاع داریم ، متاسفانه در بعضی از مساجد و در بعضی از مدارس و در بعضی ،حتا در بیمارستان ها اسلحه دیده شده و چون مــا دستور دادیم‌به‌این‌ابنیه‌تجاوزی نشود ، از این موضوع سـوء استفاده می کنند.

بختیار در باره سختگیــری حکومت نظامــی پس از روز پنجشنبه گفت : اگر بنا باشد ما هم حکومت نظامی داشته باشیم و هم از آن استفاده نکنیــم بهتر است حکومت نظامی‌راالغو بکنیم . این برخوردها برای‌این است که افــراد غیر مسئول اجتماعاتی برپا بکنند که خــون بعضی از جوانان بی گناه ریخته شود و خود گردانندگان صحنه آن عقب نشسته‌اند و دستــور صادر می کنند.»

بختیار در پاسخ سئوالی در باره‌ی حدود اختیارات خود در مورد ارتش گفت :

اطمینان میدهم‌که‌کمتر دولتی این قدر ارتش را در اختیــار داشته است . سران ارتش نیز گفته‌اندکه کاملا دراختیار دولت هستند .»

دکتر بختیار در موردورود آیت‌الله خمینی و بسته شدن فرودگاه ها اظهار داشت:

«علاوه بر نقص هــای فنی که مادر فرودگاه مهــرآباد داشتیم و هنوز هم داریم ، انشاالله همین روزهارفع‌بشود. بنده همانطوری که در نامه‌ای که حضور آیت‌الله خمینــی ارسال داشتم‌از ایشان‌خواهش کرده‌ام که به منظور یکــ برنامه‌ای که دولت مسئولیتش لوث نشود و هرکس هرکــار می خواهد نکند، به مــا اجازه‌ی ترتیب ورود ایشان را بدهند.

برنامه‌ی ورود ایشان باید روی یک برنامه‌ی صحیح‌باشد و مسئولیت پلیس و عوامل‌ما کاملا روشن باشد.

چون ار که بنده اذعــان می کنم که در ایران حضــرت آیت‌الله خمینی طرفـــداران بی‌اندازه‌ای دارند ، باید گفت ممکن است که مزدورانی هم وجود داشته باشند که نسبت به ایشان نظر خوشی نداشته باشند.

بستن فرودگاه ها ، به‌ویژه فرودگاه تهران به علت نقص فنی بود که تاالان نیز رفع نشده است.

دکتر بختیار درباره‌ی‌وزرای زندانی و نحوه محاکمه‌ی‌آنها گفت:

«لایحه‌ی محاکمه‌ی وزرا ، نخست وزیران سابق را ،بر طبق قولی که داده بودم ودر برنامه‌ی دولت بود ۱۰ روز بعد از رای اعتماد مجلسین، تقدیم مجلس های شورای‌ملی و سنا کردم.به محض تصویب این لایحه، آقایان به دادگاه خواهند رفت. اما اشخاصی‌که به جرم اغتشاش و جرمهــای سبک برطبق ماده‌ی پنج‌قانون حکومت نظامی دستگیرشده‌اند به‌زودی به وضع آنها رسیدگی می شود.»

از دکتر بختیار سئــوال شد: «با خبر شدیم که چنــد روزنامه‌نگارهم طبق ماده‌ی‌پنج حکومت‌نظامی‌بازداشت شده‌اند. بفرمائید این گروه به چــه علت بازداشت شده‌اند؟»نخست وزیر جواب داد: «باید به‌شما بگویم که بعضی ازاین‌روزنامه ها صاحب‌امتیاز و سردبیــر مسئول ندارند.

هرکسی‌اعتراضی‌داشته باشد فرد مشخصی طرف‌او‌نخواهد بود.

اکنون این افرادی کــه توقیف شده‌اند و تعداد بسیار کمی هم هستند. مطمئن‌هستم که برای اغتشاش و تحریکــ بوده است. اینها جرائم‌سیاسی و مطبوعاتی نداشته‌اند. گمان نمی کنم که توقیفشان طولانی باشد.»

بختیار در پاسخ سئوالــی در باره‌ی تغییرنام خلیج فارس گفت: «من مدتها است که‌می شنوم ولی هیچ وقت تحمــل نخواهم کرد.»



یک جمعهٔ دیگر خونین شد

(بقیه از صفحه اول)

علاوه بر نظامیان ، تعدادی از چماق‌بدستان با میله‌ی آهنی و سنگ مردم را مجروح کردند و یک اتومبیل را که عکس آیت‌الله خمینی را به شیشه‌ی آن چسبانده شده بود باچوب‌و میله‌ی آهنی خرد کردند .

در تقاطع خیابان کاخ ـ شاهرضا درساختمانی روبروی وزارت اطلاعات عده‌ای از سربازان کمین کرده بودند و از داخل ساختمان بسوی مردم تیراندازی می کردند .

هنگام عصر در میدان مجسمه ، جمعیتی متجاوز از ۳۰۰ هزار نفر با دادن شعار«وای‌به تو بختیار ، اگر خمینی نیاد» اجتماع کردند . این عده نخست با دادن شعار «ما بشماگل دادیم شما بما گلوله» و در کمال‌آرامش بسوی‌سربازان رفتند . در این هنگام ماشین مخصوص آبپاشی بسوی جمعیت حرکت کرد اما مردم با سنگ به آن حمله بردند و راننده مجبور شد بسرعت از میدان خارج شود . آنگاه ماموران گارد شهربانی بیاری ماموران نظامی شتافتند و با باتوم و گاز اشک‌آور مردم را متفرق کردند اما لحظه‌ای بعد از سوی عده‌ای که در پشت بام ساختمانی در ضلع شرقی میدان گرد آمده‌بودند بسوی آنان سنگ پرتاب شد و ماموران گارد شهربانی نیز بارگبار مسلسل به آنان پاسخ‌دادند اما سرانجام ناچار شدند میدان را ترک کنند .

پس از این حادثه مردم دوباره بسوی سربازان رفتند اما اینبار سربازان شلیک نکردند و پس از مدتی گفتگو با مردم سوار بر کامیون ها شدند و میدان را ترک گفتند.جمعیت آنگاه بسوی دانشگاه براه افتاد . سربازانی که دانشگاه را در محاصره داشتند ، نخست باپرتاب گاز اشک‌آور و شلیک تیر های هوائی‌کوشیدند آنان را متفرق سازند اما مردم که بی‌اعتنا پیش می رفتند سربازان را متقاعد ساختند که خیابان شاهرضا را ترک گویند .

به گفته‌ی بسیاری از شاهدان عینی ،در تظاهرات روز جمعه تعداد کشته شدگان بسیار بیشتر از ۹ تن بوده است . مقام های رسمی، ابتدا بجای ماندن کشته را از تظاهرات‌روزجمعه، انکار می کردند اما بعد ، تعداد کشته شدگان را ۹ نفر اعلام کردند .

گروهی از مردم برای دادن خون به بیمارستان مراجعه کرده بودند و مقدار زیادی بنزین و نفت برای آمبولانس ها و نیز دارو ، پتو و وسائل مورد احتیاج بیماران را همراه برده بودند . به گفته‌ی یکی دیگر از شاهدان زنی که در بیمارستان شهرام در صف خون دهندگان ایستاده بودند ، ناگهان درمیان‌زخمیان پسر خود را می بیند و حالش منقلب می شود.

در سراسر روز جمعه آمبولانس های بیمارستان ها و مراکز پزشکی گوناگون در خیابان ها حرکت می کردند ، زخمیان را به بیمارستان ها می رساندند یا از مردم‌می‌خواستند برای دادن خون به بیمارستان ها مراجعه‌کنند.

در تماسی که با بیمارستان های مختلف تهران گرفته شد بیمارستان هزارتختخوابی تعداد ۳۴ زخمی که هشت نفر آنان درگذشته‌اند ، بیمارستان مدائن یک نفر زخمی ، بیمارستان پارس یک نفر زخمی ، بیمارستان شفا ۲ نفر زخمی که یکی از آنها با سرنیزه مجروح شده بود ، درمانگاه فارابی یک نفر زخمی (بامیله‌ی آهنی) ، بیمارستان سوم شعبان دو نفر زخمی (با چاقو) ، بیمارستان جرجانی ، دو نفر زخمی ...

تظاهرات روز جمعه تهران ، به دنبال اعلامیه فرمانداری نظامی که نوعی اخطار بود، به خشونت گرائید . هزاران نفر از مردم تهران و شهرستانیهائی که برای استقبال از آیت‌الله خمینی آمده بودند و به تعویق افتادن سفر ایشان را باور نداشتند ، طبق برنامه‌ی اعلام‌شده، در مسیر عبور از فرودگاه تا بهشت‌زهرا منتظر بودند . ماموران انتظامی که می کوشیدند آنها را متفرق کنند ، پس از مدتها ، باردیگر لوله‌ی مسلسلهایشان را به سوی مردم نشانه رفتند .

در بهشت‌زهرا ، هزاران تن از مردم‌تهران، بدون دخالت نظامیان راه‌پیمائی کردند و پیام آیت‌الله العظمی خمینی مبنی بر به‌تعویق افتادن بازگشت ایشان به ایران ، برای مردم خوانده شد .

مجروحان به خون نیازمندند

رادیو ایران دیروز ساعت ۲٫۵ بعد ازظهر پیام آیت‌الله طالقانی را به‌این‌شرح پخش کرد :

«چون از بیمارستان ها و مراکز انتقال خون کشور بخصوص تهران اطلاع می دهند ، هرلحظه در تهدید کمبود گروه های مختلف‌خون قرار دارند ، شایسته است همه برادران و خواهران مسلمان برای تامین و ذخیره‌خون کافی در این روز های حساس به مراکز انتقال خون مراجعه کنند.»

★ پیام آیت‌الله نوری

در ضمن ، آیت‌الله نوری پیامی در جریان درگیری های پنجشنبه برای‌تظاهرکنندگان‌فرستاد. در این پیام آمده است :

بسم‌اله الرحمن الرحیم

جوانان عزیز ، مسلمانان غیور و مجاهد ، فرزندان برومند ، سلام بر شما .

هم‌اکنون پیاپی گروه هائی از دوستان‌شما از مقابل دانشگاه آمده بما خبر میدهند که‌عمال رژیم باردیگر به کشتار و حمله دست زده‌اند و جمعی را مجروح و مقتول ساختند . از آنجاکه اجتماعات کوچک و محدود همواره آسیب‌پذیرتر است از شما تقاضا دارم‌خود را در معرض‌حمله و تجاوز تفنگ بدست های استبداد قرارندهید و فعلا متفرق شوید ، ولی در اجتماعات بزرگی که اعلان شده و خواهد شد شرکت فرمائید و مظلومیت های امروز خود را دراجتماع عظیم مانند فردا منعکس نمائید . و نیز موکدا توصیه می کنم کشته‌ها را تا حدامکان شناسائی نمائیدو مجروحین را به بیمارستان سوم شعبان و یا به بیمارستان ها و اطبائی که به تعهد و مسئولیت اخلاقی و دینی معروفند برسانید . همه ماجملگی با نظم و آرامش در انتظار ورودحضرت آیت‌الله العظمی خمینی هستیم . بازوی شما توانا و نیروی عظیم اسلامی شما مستدام بادباعنایت الهی پیروزی با ملت ما است .

العبد یحیی نوری

★ شایعه‌ی ورود

روز جمعه در همان حال که تجمع مردم برای استقبال از آیت‌الله خمینی به خشونت گرائیده بود ، ناگهان این شایعه در میان مردم پخش شد که آیت‌الله خمینی با یک جت نظامی وارد پایگاه شاهرخی همدان شده است .

این شایعه به‌سرعت در تهران و حتا شهرستانها پخش شد . با انتشار این شایعه ، عده‌ی زیادی درگوشه و کنار تهران ازرانندگان اتومبیل ها می خواستند چراغ های اتومبیل خود را روشن کنند و بوق بزنند . جالب این که بسیاری از راننده‌ها که می دانستند در آن روز آیت‌الله خمینی به ایران نیامده است ،علت این درخواست مردم را نمی دانستند اما به خواست آنها ، چراغهارا روشن می کردند و بوق می زدند .

سالـوادر آلنده وطنی !!

محمدعلی سفری

جنبش های مقاوم ملی که ستون اصلی آن را نسل جوان تشکیل داده «استبداد» را با همه تجربه‌اش در میهن ما، دچار سرگیجه کرده‌است و بهمین جهت ، مسلما تصادفی نیست که حتی وقتی استبداد از «حلقه‌به‌گوشان» شناخته شده چشم می‌پوشد و با اکراه دست‌به‌درمان«واخورده ملی» میزند، ناگهان مدعی قهرمانی دیروزی هم ماسک از چهره برمیدارد وکشتار «چکمه‌پوشان» را تکرار می‌کند . تصور این بود که با سقوط دولت نظامی ،استبداد درحال‌احتضار،به‌جراحات بیست‌و پنجساله خود برپیکر ملت توجه دارد و بخاطر خویش ، دست کم ،درحالیکه سعی‌داردبر جنازه آرزوهای به‌قتل رسیده واز دست رفته‌خود نماز آمرزش بخواند ، نه‌درحد ایثار اماتا آن میزان که در مسیر مبارزات بی‌امان ملت عامل تشدید خشم‌ها نشود دست از «امیال» بردارد.

اما استبداد ، یک بار دیگر تجربه محکوم‌به شکست خود را تکرار کرد و باحیله‌های دیرین، این بار پرده‌ای از نمایش کهنه را با اجرای‌جدید به‌تجربه گذاشت غافل ازاینکه نسل تازه نفس در جامعه مادست‌درکار تدارک‌سازندگی‌آینده‌ایست که «ملی‌نما» هم باهمه آموزش‌دیدن‌ها،«بی‌اختیار» میشود و «تجربه درحال اکتساب» استبداد را عجولانه به صورت تلاشی ناموفق درمی‌آورد .

شاید دو هفته پیش ، برای گروهی از مردم و نه‌همه آنها، ماهیت دولت بختیار روشن‌نبودواین «شعار» که بگذارید کارش رابکند و قصاص قبل‌از جنایت نکنید خریدار داشت ، اما امروز بی گمان برکسی پوشیده نماند که از رهگذر این دولت،ملت را قصد نشان دادن راهی به‌جائی نیست و در حالیکه او بعنوان نخست‌وزیر بر مزار «محمد مصدق» سرتعظیم فرود می‌آورد ، دربرابردانشگاه رگبار مسلسل ، مجاهدان راه حق و حقیقت را چون برگ درخت برزمین میریزد اودرشهرستانها روش دژخیمان دوباره خودرا نشان میدهد .

بختیار در برابر این پرسش‌چه‌پاسخی‌دارد، آیا آن جرات در اوهست که از «حقایق ممنوع» سخن‌بگوید و نقش حقیقی خویش را برملا کند . مسلما ، نه، چون اگر اعتقادی به‌حقیقت داشته باشد قبل‌از هرکار باید ناخالصی عیان را در وجودش کتمان نکند و راهنمای سردرگمی وگیجی رهروان انقلاب نباشد.

تردید نیست که استدلال این دولت هم در باره دستگیری دوستان مطبوعاتی ما و بالاتر از آن ، رهاساختن ، عاملان استبداد، درقتل عام مردم و اعمال ضد ملی دیگر همان است که‌تابحال بود ،به‌زعم آنها، اینان ، اخلاگر، خرابکار ، آشوبگر، فرصت‌طلب، هستند که خونشان را باید ریخت و نفسشان رابآید درسینه حبس کرد ،این مارک‌ها سالیان دراز است که ازسوی دست نشاندگان جباران ، دراین‌مرز و بوم‌برای‌به‌خاک‌و خون کشیدن برپیشانی خواستاران آزادی و آزادگی زده میشود و عجبا که‌آقای بختیار نخست‌وزیر مارک‌زن امروز ، تا دیروز خود در ردیف همین مارک خورده‌ها بود و بهمین خاطر بر دولت های گذشته لعن ونفرین میفرستاد ومی فرستد .آقای‌بختیار، اگر دیروز ،برشماوهمفکران آن روزی شما اخلاگر اطلاق میشدو شما دلخوش بودید به‌اینکه ملت آنرا باور ندارد ، امروز هم «حقه مهر بدان مهرونشان هست که بود» .تاسف انگیز است که شما باآنهمه منم، منم زدن‌ها و رجز خوانی‌های قهرمانی ، ناگهان در فاصله زمانی کمتر از چند هفته و در مراحل‌مقدماتی، بقول خود ، «عرضه‌خدمت» این چنین درصف غاصبان حقوق ملت قرار گرفته‌اید. بین شماو آن گروه از وازده‌های اجتماع که جوهر منطق از بافت اندیشه‌هایشان گرفته شده و مغزشان از فرط عفونت جزئی آزادی انسانها را در جهت منافع‌نامشروعشان درک نمی‌کندچیست ؟استدلال آنها استدلال شماست و اعمال شماهمان است که آنها طی سالیان سال حکومت سیاه خفقان بر ملت روا داشتند. با این تفاوت که‌آنها دست کم داعیه آزادی خواهی نداشتند وبرکوس وکرنا شعارملت خواهی نمی‌کوفتند !

آیا این شما نبودید که بخاطر پایان‌اعتصاب مطبوعات دست به دامان «سندیکا» زدید و در جلسه دوساعته‌ای که داشتیم ، دست از دست استبداد شکسته خود را بعنوان وثیقه عرضه کردید که دراین طرف میز همان‌باشید که در آن طرف میز بودید، آیا، از رژیم جبارو خونخوار «پینوشه»درشیلی یاد نکردید و در ذم آن دادسخن ندادید ، راستی حالا هم این گمان را دارید که‌در ایران به‌عکس شیلی «پینوشه» رفت و «سالوادر آلنده» آمد!

به‌این اعمال شما به سرعت تغییر ماهیت دادن باید نام گذاشت یاماسک از چهره واقعی برداشتن . بنظر میرسد گام بلندی که در جهت همصدا و همپیاله شدن باآوای «استبداد»وعاملان آن برداشته‌اید پاسخگوی بی‌ریای این سئوالی باشد که لاجرم تراوش از «کوزه»همان است که در آن است .

بسیار ناآگاهی لازم است تا این واقعیت درک نگردد که از تاریخ امروز میهن‌ما میلیونها تصویر گویا درتاریک خانه دل ها ضبط میشود و به‌هر حرکتی هرچند مخفی و به‌ظاهر به دوراز انظار نسل امیدوار و پرجوش وخروش آگاه است و برضد آن به‌ستیز برمیخیزد و یادست کم دهان به اعتراض می‌گشاید .ظاهرا آقای بختیار ،شما را درعصری ، علم کرده‌اند که دیگر عصر شما نیست و این‌بسیار دردآور است که نپذیرید چرخ تکامل اجتماعی درجهت واقعیت ها درحرکت‌است وتصمیم‌گیری های خلاف این جهت همواره‌نتیجه معکوس دارد . چسبیدن به‌عقاید ، ناپایدار و دوری جستن از جریانهای فکری قشرهای مبارز و بدتر ازهمه ، درپس شعارهای توخالی پنهان شدن ، جز «بن‌بست» راه دیگری رانشان نمی‌دهد.

مسئله حیاتی برای مردم ما به‌چنگ‌آوردن حقوقی است که استبداد تولد یافته و تغذیه شده از استعمار غصب کرده و حالا دیگر نسل دست در کار مملکت دریافته است ، به حقوق‌واگذاشته و متروک ، دست هر متجاوزی دراز است و تنها زمانی این دست ها قطع میشود که علی‌رغم تمام خطرها مبارزه همچنان ادامه داشته باشد. راهی که ملت مادر پیش گرفته و نظام لرزان موجود ، آخرین تشنج های به‌هنگام مرگ‌را در برابر این هجوم به‌سیما دارد و شما آقای بختیار کافی استروی پنجه پابلند شوید و افق تازه‌رابه‌بینید، در آنصورت قبول‌خواهید کرد که نه تنها ،نخست وزیری به‌قدرت ، بالاتر از هر نخست‌وزیر دیگر در این چهل سال نیستید بلکه به دلیل خوشبینی خیالبافانه قدرت شناخت واقعی پدیده‌هاراازدست داده‌اید بنابراین همان بهتر که درخوف ورجاء و جاهت ملی نیم قرنی روزگار خودباقی بمانید، چون تنها در اینصورت است که بابازگو کردن دوران قهرمانی ها، برای خود ، در خودو برای خود زندگی خواهید کرد .

حرفهای مردم
تلفن ۶۶۳۱۷۳

از ۱۰ صبح تا ۱۲و از ۲ تا ٤ بعدازظهر

حرفهای شما دراین ستون سانسور نمیشود. همانطور که مطالب دیگردرصفحات دیگر. به همین جهت این حق را برای خود محفوظ می داریم که اعلام کنیم مطالب این ستون صرفا نظر خوانندگانی است که با ما تماس می گیرند . تاکید می کنیم که کمال دقت را بکار خواهیم برد که این ستون‌محل برخورد عقاید مغرضانه و احتمالا اهانت‌آمیز به هیچ شخص یاگروه اجتماعی نشود

★ تقویت کمونیستها

کیانی ـ براه انداختن تظاهرات متعدد و دادن شعارهای بی هدف ، باعث تقویت پایگاه کمونیست هامی شود .

★ هنوز دستوری صادر نشده

مشجری ـ بانک ملی از طریق آگهی در روزنامه‌ها اعلام کرده است ، کلیه شعبات این بانک حواله ارز برای دانشجویان خارج از کشور قبول می کنند . ولی هنگامیکه به شعبات این بانک مراجعه می کنیم ، متصدیان می گویند در این باره هنوز دستوری از بالا صادر نشده است .

★ ملت سازش نمی کند

حمید رضا ـ چطور مردم ایران می‌توانند بادولتی که دستش به خون جوانان آلوده شده سازش کنند ؟ مردم شهید ندادند تا دولت غیر قانونی دیگری جای دولت های قبلی رابگیرد و در خاموش کردن صداهای حق طلبانه بکوشد.

★ امکان وقوع کودتا را بررسی کنید

حسی ـ ص ـ باتوجه به‌اینکه این روزها مطبوعات در باره کودتا می نویسند ، اگر ممکن است امکان وقوع آنرا از دید مفسران روزنامه مورد بررسی بیشتری قرار دهید وبرای اطلاع همگان به چاپ برسانید.

★ با نهضت اسلامی همگام باشید

علی ـ آزادی مطبوعات در گرو شهدای نهضت اسلامی است پس در این نهضت تفرقه نیندازید و باآن همگام باشید.

★ محکوم می کنم

مینا ـ روزنامه آیندگان رابه خاطر چاپ حرفهای مردم تائید و آنهائی راکه مخل آزادی مطبوعات می شوند محکوم می کنم.

★ عوامل ارتجاع

فروغ ـ اکنون می بینیم آزادی و امنیتمان را عوامل ارتجاع به خطر انداخته‌اند واین‌چیزی نیست که آیت‌الله خمینی خواستار آن‌باشد.

★ مرند اینقدر جمعیت ندارد

لاجوردی ، دبیر تاریخ‌وجغرافیا ـ می دانم که شهر مرند بیشتر از ٤۲۰۰۰ نفر جمعیت ندارد ، در حالی که در خبر روزنامه آیندگان آمده‌بود که در این شهر ۳۰۰۰۰۰ نفر راهپیمائی کردند .

★ تخم دو زرده‌ی مرغ انقلاب

تشکری ، بازنشسته آموزش وپرورش ـ از صدقه سر دولت های گذشته برای تامین زندگی‌ام راننده تاکسی شده‌ام و به علت بی بنزینی یک‌ماه‌است که بیکارم ، در حالی کمطبق صورتی که یکی از کارمندان شرکت نفت نشانم داد ، هرکارمند این شرکت مقداری نفت وبنزین در هفته سهمیه دارد . آیا حاصل تمام این شهید شدنها این بودکه مرغ انقلاب برای عده معدودی تخم دوزرده بگذارد؟

★ بزودی تمام خواهد شد

ابراهیمی ـ با درود فراوان و با قلبی آکنده از عشق به آزادی ، به شما رهروان راستین صوراسرافیل ها ، عشقی ها ، فرخی یزدی‌ها ، محمد مسعوددی ها ، کریمپورشیرازی ها و گلسرخی ها تبریک می گویم . از این که عده‌ای مانع آزادی بیانتان شده‌اند ناراحت‌شدم. این اقدامات را نقاهت بعد از سالها مرض‌اختناق می دانم که به زودی تمام خواهد شد .

★ علت دلسوزی قذافی چیست ؟

خانم حیدری ـ گویا سرهنگ قذافی می خواهد برای انقلاب ایران بنای یادبودبسازد . می خواستم بدانم علت دلسوزی و بزرگواری جناب سرهنگ برای ایران چیست ؟

★ سخت در اشتباهند

فهمیده ـ زمانی حزب توده مصدق رادست نشانده امپریالیسم می نامید ، در حالی که ثابت شد اینطور نبوده است . حالا هم عده‌ای‌بختیار را حافظ منافع امپریالیسم اعلام می کنند . که به عقیده من این‌عده سخت دراشتباه‌اند :

★ تکلیف ما چیست ؟

م ـ بشیر ـ پمپ بنزین دینا براثر آتش سوزی از کار افتاده است ، نفت فروشی‌خیابان کاخ هم گرانفروشی می کند . تکلیف ساکنین خیابان کاخ و شاهرضا چیست ؟

★ بلندگو نباشید

سعیدپور ـ بهتر است در موقعیت حساس کنونی مطبوعات بلندگوی گروه های چپی و راستی و ... نباشید . سعی کنید جنبه ارشادی خود را قوی‌تر نمائید .

★ بزور شرکت کردیم

زهرا از لویزان ـ بزور از ما خواسته‌اند که در تظاهرات به‌نفع قانون اساسی شرکت‌کنیم.

★ اینها میهن‌پرستند ؟

خسروی ـ در آیندگان ٤ بهمن‌از تظاهر کنندگان طرفدار قانون اساسی با عنوان «میهن پرستان طرفدار قانون اساسی» یاد کرده‌اید . آیا مردمی که در تظاهرا چند میلیونی شرکت می کنند میهن‌پرست‌نیستند ؟

★ اجحاف می کند

پرویز ـ شرکت عامل پخش گازوئیل کاویانی‌نژاد که بزرگترین عامل پخش گازوئیل است به مردم اجحاف می کند . یک ماه است حواله گازوئیل دارم اما این شرکت از تحویل آن خودداری می کند .

★ مجبورم تجدیدنظر کنم

مهدی . ج ـ تاکنون طرفدار جبهه ملی بودم اما حالا مجبورم در عقیده‌ام تجدیدنظرکنم، زیرا جبهه ملی برای کسب شهرت شروع به مدیحه‌سرایی کرده است .

★ چرا روشن نمی شود ؟

سوتق ـ چرا وضع کسانی که در ساعات منع عبورو مرور دستگیر شده‌اند روشن نمی شود ؟

★ بدست همه برسانید

خانم افخمی ـ آیندگان سرنترسی داردو موافق و مخالف را می نویسد ، روزنامه‌تان‌را بیشتر چاپ کنید که به دست همه برسد .

★ بیماران در خارج مانده‌اند

خانم کلانتری ـ از اعتصابیون هواپیمائی ملی خواهش می کنم به اعتصاب خود پایان دهند تا بیماران ایرانی در خارج کشور بتوانند به کشور بازگردند .

★ ۳۰۰ ریال می گیرند

مریم . س ـ پزشکان مرکز پزشکی ایران، بی‌توجه به نهضت مردم ، تا ۳۰۰ ریال ویزیت نگیرند ، بیمارانی را که دفترچه بیمه دارندنمی پذیرند .

★ دولت ناقض قانون

تجویدی ـ نخست وزیر گفت : شاه‌قانون اساسی را نقض کرده است . با توجه به‌انتصاب ایشان به نخست وزیری از سوی شاه نتیجه می گیریم که دولت ایشان هم ناقض قانون اساسی است .

★ رابطه حزب با سیا

مهدویان ـ آیا چاپ خبر مربوط به‌اعلام موجودیت حزب کارگران سوسیالیست وآخرین قسمت از گزارش «نابودن سیا جهان جای‌امنی نیست» در آیندگان ۳ بهمن اتفاقی است ؟ در ترجمه مذکور فاش شده است که سیا قسمتی از هزینه انتشار مجله «دان ـ کانتر» را تامین می کند و این همان مجله‌ایست که بعضی از کسانی‌که می خواهند حزب کارگران‌سوسیالیست ایران را بنا نهند مدتها با آن همکاری داشته‌اند.

★ معنی‌آزادی عقیده

آزادگان ، دانشجو ـ آیت‌الله طالقانی راهپیمائی طرفداران قانون اساسی و سوسیال دموکراسی را ضد مردمی خوانده است . به‌این ترتیب معنی احترام به آزادی عقیده و بیان را فهمیدیم .

★ شاه نه ، قانون اساسی

یکخانه‌دار ـ نه طرفدار شاه هستم و نه طرفدار هیچیک از اعضای خاندان پهلوی ،اما طرفدار قانون اساسی هستم .

★ در تظاهرات شرکت می کنم

فیروز ـ می خواستم به آیت‌الله طالقانی بگویم : از خانواده‌ای ارتشی نیستم اما در تظاهرات به نفع قانون اساسی حتما باتفاق تمام اعضای خانواده‌ام شرکت کرده و خواهم کرد .

★ نثار سنگ

خانم‌احمدی ـ در تظاهرات به نفع قانون اساسی شرکت کردم و دیدم که خانمهای شرکت کننده در تظاهرات بااینکه سنگ نثارشان می شد ، به تظاهرات خود ادامه می دادند.

★ یک توصیه

زندیان ـ به‌هواداران‌اجرای قانون‌اساسی توصیه می کنم خواستار محاکمه کسانی شوند که قانون اساسی را زیر پاگذاشته‌اند .

★ مگر ارتشی ها حق ندارند ؟

سجادی ـ گیرم که خانواده های ارتشی‌در تظاهرات به نفع قانون اساسی شرکت کرده باشند ، از آیت‌الله طالقانی می پرسم مگرارتشی ها چنین حقی ندارند ؟

★ یک سئوال

دانشجویی هستم که پس از ۷ سال‌تحصیل در خارج به ایران برگشته‌ام . از آقای‌بختیار و طرفداران قانون اساسی یک سئوال دارم ،آیا تظاهرات این گروه به نفع همان قانون اساسی است که دکتر مصدق و خسرو روزبه و خسرو گلسرخی را محاکمه کرد ؟

★ استنباط مستشاران مفت خور

یک افسر ارتش ـ مقاله مربوط به‌گزارش وضع ارتش ایران که در شماره ۳۲۶۹ آیندگان به چاپ رسید از نوع استنباطات غلط مستشاران مفتخور آمریکائی است .

★ جبران کم کاری

حقگو ـ آن گروه از نمایندگان مجلس که استعفا نداده‌اند میخواهند کم کاری های گذشته را جبران کنند.

★ طرد طرفداران قانون اساسی

● یکی از کارکنان هتل هیلتون ـ نماینده‌ی سابق کارکنان این هتل وعده معدودی دیگر که در تظاهرات پشتیبانی از قانون اساسی به نمایندگی از سوی کارکنان هیلتون شرکت کرده‌اند جزو ما نیستند و این افراد از میان ما طرد شده‌اند.

★ از مطالب روزنامه نترسید

قاسمی ـ از قول من به گروهی که روزاول بهمن مقابل روزنامه‌تان گرد آمدند ،بنویسید مطبوعات آزادی خود را بدست آورده‌اند و باید حرف های همه مردم را چاپ کنند و این گروه نباید این ترس را داشته باشندکه‌مطالب روزنامه به ضررشان تمام میشود.